

خبرنامه، سال هفدهم، شماره ۶۵ ■ زمستان ۱۳۹۶

سخن اول

علم و کشور: رضا داوری اردکانی

اخبار و گزارش‌ها

یکصد و بیست و یکمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

دوره‌های تحصیلات تکمیلی در علوم پایه و بایسته‌های آنها

مردی از تبار خرد و فضیلت؛ مراسم رونمایی از آراژنامه استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد

مراسم گرامیداشت روز جهانی آینده با حضور معاون اول رئیس جمهوری در فرهنگستان علوم

دیدار هیأتی از دانشگاه صوفیا با رئیس فرهنگستان علوم

سمینار پژوهش در زیست‌شناسی

تجلیل از برگزیدگان مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶

تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶

انتشار شماره دوم نشریه نامه فرهنگستان علوم

انتشار هفتاد و پنجمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران

انتشار کتاب «وضعیت محیط زیست ایران»

اعضا

پیام رئیس فرهنگستان علوم به همایش بین‌المللی فلسفه، دین و علم در زیست‌جهان اسلامی

تفکر حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، یکی از ریشه‌های مشکلات اقتصادی کشور: دکتر حسین نمازی

گفتگو با دکتر رضا نیلی‌پور درباره دهمین کنگره جهانی عصب‌شناسی

سیلیکون، پیشرو در روش‌های جدید برای یک جامعه متحرک؛ دکتر سیدمحمد بلورچیان

گزارش کوتاهی از سخن دکتر نعمت‌الله ریاضی

کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran





The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال هفدهم، شماره ۶۵ ■ زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سر دبیر: دکتر حسین نمازی

مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی

همکاران تحریریه: بهاره برزگر - بردیا برهان مهر

مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های
جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم، دفتر ریاست

کدپستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۵۳۱۸-۱۹۳۹۵

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir

شماره سامانه پیامک فرهنگستان: ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»

فهرست

سخن اول

۴

■ علم و کشور؛ رضا داوری اردکانی

اخبار و گزارش‌ها

۱۳

■ جلسات شورای علمی در زمستان

■ یکصد و بیست و یکمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

■ جلسات شورای پژوهشی

■ وضع طرح‌های پژوهشی فرهنگستان در سال ۱۳۹۶

■ دوره‌های تحصیلات تکمیلی در علوم پایه و بایسته‌های آنها

■ مراسم رونمایی از ارج‌نامه استاد دکتر سید مصطفی محقق داماد

■ مردی از تبار خرد و فضیلت

■ مراسم گرامیداشت روز جهانی آینده با حضور معاون اول رئیس‌جمهوری در فرهنگستان علوم

■ رونمایی از تصحیح دکتر محمدعلی موحد بر «مثنوی معنوی»

■ تجلیل از دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

■ تقدیر از پنجاه سال خدمت علمی دکتر غلامعباس توسلی

■ دکتر رضا فرجی‌دانا؛ مشاور علمی رئیس‌جمهور

■ گردهمایی سالانه جامعه مهندسی صنایع ایران در فرهنگستان علوم

■ میزگرد شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم در چهاردهمین کنفرانس مهندسی صنایع

■ یک سال از درگذشت استاد دکتر علی شریعتمداری گذشت

■ گرامیداشت اولین سال درگذشت شادروان دکتر مصطفی سهراب‌پور

■ دیدار هیأتی از دانشگاه صوفیا با رئیس فرهنگستان علوم

■ سمینار پژوهش در زیست‌شناسی

■ برگزاری جلسه شورای علمی مرکز مطالعات فرهنگستان با حضور رئیس فرهنگستان

■ سفراعضای شاخه محیط زیست فرهنگستان به بوشهر

■ عضویت دکتر سیامک یاسمی در TWAS

■ تقدیر از دکتر معماریان و دکتر نیکبخت بروجنی در آیین معرفی کتاب سال

■ انتخاب دکتر ناصر طالب بیدختی به عنوان استاد نمونه کشور

■ تقدیر از دکتر علیرضا کوچکی در جشنواره رضوی

■ تجلیل از برگزیدگان مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶

■ تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶

■ انتشار شماره دوم نشریه نامه فرهنگستان علوم

■ انتشار هفتاد و پنجمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران

■ انتشار کتاب «وضعیت محیط زیست ایران»

■ انتشار بروشور انگلیسی فرهنگستان علوم

■ اخبار کوتاه

۴۹

اعضا

■ پیام رئیس فرهنگستان علوم به همایش بین‌المللی فلسفه، دین و علم در

زیست جهان اسلامی - دانشگاه وین اتریش

■ تفکر حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، یکی از ریشه‌های مشکلات اقتصادی

کشور؛ دکتر حسین نمازی

■ گفتگو با دکتر رضانیلی‌پور درباره دهمین کنگره جهانی عصب‌شناختی

■ سیلیکون، پیشرو در روش‌های جدید برای یک جامعه متحرک؛ دکتر

سید محمد بلورچیان

■ گزارش کوتاهی از سرن؛ دکتر نعمت‌اله ریاضی

■ کتاب

3-12

خلاصه اخبار به انگلیسی



سخن اول



علم و کشور

در حاشیه بحث مجمع عمومی فرهنگستان
در باب علم و پژوهش

رضا داوری اردکانی

تقریباً دارد از حافظه دانشگاه پاک می‌شود و در گزارش پیشرفت دانشگاه‌ها حتی اشاره‌ای به شور و نشاط علمی و اخلاق دانشگاهی و پرورش دانشمند با روح فرهنگ نمی‌یابیم. گویی گزارش کارکرد دانشگاه به ذکر تعداد مقالات و بعضی اقدام‌های اداری محدود است. از حدود بیست سال پیش که بحث جهان علم و برنامه پژوهش را پیش آوردم و حساب پژوهش‌های فردی و ذوقی را از آن جدا کردم و نوشتم که پژوهش‌های پراکنده باید با نظر به امکان‌ها و نیازهای علمی کشور هماهنگ شود، کسانی گمان کردند که با پژوهش و مقاله‌نویسی مخالفم. تا آنجا که گفتند رئیس فرهنگستان علوم سرستیزه با علم دارد. به سخن کسی که با علم ستیزه می‌کند وقع نباید نهاد. البته من معتقد نیستم که با علم همه مسائل و مشکلات حل‌ورفع می‌شود و می‌توان با آن زمین را به بهشت مبدل کرد اما به پیروی از اهل نظر و دانشگاهیان صاحب‌نظر، علم را ستون جهان جدید و کارساز آن می‌دانم و دن کیشوت وار با علم ستیزه نمی‌کنم (در زمان ما متأسفانه دن کیشوت نمی‌تواند وجود داشته

۱- در دانشگاه ما مشکلی پدید آمده است که فهم و بیان‌ش آسان نیست و اطراف آن را لایه‌های سوء تفاهم فرا گرفته است. البته شأن دانشگاه و دانشمند اینست که در راه پژوهش و تالیف بکوشد. دانشمندی را که مقالات تحقیقی می‌نویسند نیز باید بر صدر نشاند و قدر دانست اما مقاله‌پردازی و مقاله‌شماری حرف دیگری است که دانشگاه ما کمتر به آن می‌اندیشد. در حقیقت یکی از مشکلات بزرگ این است که دانشگاه سرنوشتش با مقاله‌شماری در فهرست‌های جهانی و ملی گره خورده و کار عمده‌اش تولید مقاله و مدارک تحصیلی شده است. همه هم دارند عادت می‌کنند که کمال دانش و دانشگاه و دانشمند را با تعداد مقالات بسنجند ولی دانشگاه شأن دیگری دارد و برای ادای وظیفه دیگری به وجود آمده و وظیفه‌اش منحصر به تدریس دروس رسمی و تولید مقاله با رعایت موازین صوری بین‌المللی برای ثبت در دفاتر فهرست‌نگاری نیست ولی چه کنیم که اهتمام به تحکیم اساس دانش و فرهنگ و راهنمایی راه پیشرفت و اندیشیدن به وضع کشور و صلاح آینده آن،



سخن اول

چه کنیم که اهتمام به تحکیم اساس دانش و فرهنگ و راهنمایی راه پیشرفت و اندیشیدن به وضع کشور و صلاح آینده آن، تقریباً دارد از حافظه دانشگاه پاک می‌شود و در گزارش پیشرفت دانشگاه‌ها حتی اشاره‌ای به شور و نشاط علمی و اخلاق دانشگاهی و پرورش دانشمند با روح فرهنگ نمی‌یابیم. گویی گزارش کارکرد دانشگاه به ذکر تعداد مقالات و بعضی اقدام‌های اداری محدود است

روش برای تصرف در جهان و مهار کردن نیروهای طبیعت و اعمال نظارت بر تغییرها و تحول هاست. بعضی فیلسوفان علم هم از زاویه دیگر نظر کرده و به تعریف و تحدید قضایای علمی پرداخته‌اند. این هردو نظرها در این مقام می‌توان با هم جمع کرد. مفهوم علم در این مقاله بر علمی اطلاق می‌شود که از قرن شانزدهم میلادی در اروپا پدید آمده و از قرن هیجدهم به فعلیت و منشأییت اثر در نظام زندگی و تاریخ رسیده است. این علم با علم گذشتگان تفاوت دارد زیرا صرف گزارش وجود و امروا و جهان موجود و روابط ثابت میان امور نیست بلکه طرح و حل مسئله است. علم قدیم علم جهان ثابت بود و از ثبات بهره داشت. علم جهان جدید گزارش واقع ثابت نیست بلکه اطلاق یک طرح ریاضی بر قطعه‌ای از جهان برای دگرگون کردن و ساختن و اداره کردن و راه بردن است. این علم به ثابتات تعلق نمی‌گیرد بلکه طرحی است که می‌تواند در آینده متحقق شود. علم جدید کارساز است و باید به کار آید. تقسیم علم به نظری و کاربردی و... ما را فریب ندهد. این تقسیم‌ها به آموزش و مدیریت علم مربوط است. علم کاربردی اطلاعات مربوط به نحوه کاربرد است و علم نظری گزارشی است از کلیات پژوهش‌هایی که در یک علم صورت گرفته است. هیچ یک از علوم کنونی به معنی قدیم لفظ علم نظری نیستند و طبقه‌بندی‌های علوم در دانشگاه‌ها به ماهیت علم ربطی ندارد. نکته‌ای که مخصوصاً برای جلوگیری از یک سوء تفاهم دیگر باید ذکر شود اینست که مراد از علم کارساز و کارآمد، علمی نیست که

باشد زیرا دن کیشوت با اعتقاد عمیق به جهان قدیم به مبارزه و مقابله با جهانی که می‌آمد رفت و شکست خورد. اگر امروز به دن کیشوت توجه خاص پیدا کرده‌اند شاید وجهش این باشد که باز دن کیشوت‌هایی پیدا شده‌اند ولی این دن کیشوت‌ها دیگر ایمان و اعتقاد دن کیشوت سروانتس را ندارند و (...). به دانشمندان و نویسندگان مقالات پژوهشی هم احترام می‌گذارم اما حساب مقاله‌نویسی پژوهندگان بزرگ را با مقاله‌سازی و مقاله‌شماری خلط نباید کرد. دو قسم مقاله‌پردازی هست. یکی مقاله‌نویسی دانشمند پژوهشگر است که با رغبت و دقت علمی پژوهش می‌کند و مقاله می‌نویسد و دیگر کاری است که برای اخذ مدارک تحصیلی و رفع نیاز شغلی صورت می‌گیرد. اولی علم را پیش می‌برد و دومی به آن آسیب می‌رساند. وقتی بحث از مقاله‌نویسی و مقاله‌شماری می‌شود باید دید نسبت میان این دو صورت مقاله‌نویسی چگونه است و کدامیک از آنها در دانشگاه‌های ما اصل و عمده است. آیا اگر کسی بگوید شیوع و غلبه مقاله‌نویسی برای دریافت گواهینامه تحصیلی و ارتقاء شغلی ممکن است به علم و دانشگاه زیان برساند، با علم ستیزه کرده است. این ستیزه با علم نیست بلکه نگرانی از شیوع فساد در دانشگاه‌ها و غربت و تنهایی مستعدترین دانشمندان و بی‌حاصل ماندن سعی و پژوهش آنانست. مگر من چه می‌گفتم که می‌پنداشتند - و هنوز هم کسانی می‌پندارند - با علم و پژوهش مخالفم. می‌گفتم اگر وظیفه دانشگاه و دانشگاهیان مقاله‌نویسی است، تکلیف پرورش دانشجو و رابطه او با استاد و همکاری و هم‌اندیشی دانشگاهیان در راه توسعه دانش و فرهنگ و ساختن آینده کشور چه می‌شود و آیا در این صورت دانشگاه به یک ماشین بزرگ و کارخانه تولید مقاله‌ای که نمی‌دانیم به کجا می‌رود و به چه کار می‌آید مبدل نمی‌شود؟ شاید هم سوء تفاهم در مورد نوشته من به اختلاف در فهم ماهیت و وجود علم بازگردد. علم یک معنای وسیع دارد که همه دانستنی‌ها و دانایی‌ها را در بر می‌گیرد اما از حدود سیصد سال پیش معنایی پیدا کرده است که آن را از فلسفه و دین و اخلاق و حکمت و ادب و فضل و سیاست جدا می‌کند. آنچه در دنیای جدید و اکنون در سراسر روی زمین علم خوانده می‌شود بر همه دانایی‌ها و دانستنی‌ها اطلاق نمی‌شود بلکه پژوهشی مقید به





پاسخ به سفارش بازار باشد. پژوهش‌های علمی هم معمولاً به قصد بهره‌برداری صورت نمی‌گیرد دانشمندان هم معمولاً به کاربرد پژوهش توجهی ندارند ولی صفت خاص پژوهش علمی اینست که در جایی از نظام علم منشأ اثر قرار گیرد زیرا پژوهش علمی اگر در نظام علمی- تکنیکی قرار نگیرد و به کار نیاید، به تفنن شباهت پیدا می‌کند. به این نکته نیز توجه کنیم که دوران اعتبار پژوهش‌ها دائم نیست و دیر یا زود تمام می‌شود و پژوهش پس از مدتی از اعتبار می‌افتد. طب بقراط و جالینوس و رازی و بوعلی و نجوم بیرونی و کاشانی قرن‌های متمادی تدریس می‌شد اما اکنون اگر یک کتاب در طب و مکانیک و روان‌شناسی ده سال پیش نوشته شده باشد، می‌گویند کهنه است.

۲- در دهه‌های اخیر مقاله از آن جهت اهمیت پیدا کرده است که متضمن طرحی تازه است و زمان و تکنولوژی زمان در انتظار آنست و به آن نیاز دارد و چون این نیاز برآورده شود مقاله صورت علم رسمی پیدا می‌کند و به انبوه مقالات کهنه می‌پیوندد. اصلاً پیشرفت علم همان کارسازی و تحقق در طریق پیشرفت است. مدرنیته با علم ساخته شده است و علم جدید را از جهان تجدد نمی‌توان جدا کرد زیرا تجدد با علم تحقق یافته است. آیا علم در کشور ما چه تحقیقی دارد؟ ما استادان بزرگ در ریاضی و فیزیک و شیمی و بیولوژی و زمین‌شناسی و مهندسی و پزشکی و علوم انسانی و ... داریم. آنها تا چه اندازه با علمشان در گردش کار صنعت و کشاورزی و خانه‌سازی و مدیریت کشور سهیم و دخیلند. به نظر می‌رسد که تکنولوژی ما جز در بعضی موارد خاص، به بیوشیمی و فیزیک و ریاضی و به مهندسان بزرگ هیچ نیازی ندارد و با این بی‌نیازی است که تکنولوژی و مدیریت در جا می‌زند و پیشرفت نمی‌کند. تکنولوژی و مدیریت اگر پیشرفت نکنند قهراً دچار قهقرا و تنزل می‌شود. در چنین وضعی که دانشمندان به ندرت به کار طرح و حل مسائل علم و عمل کشور و ساختن و پرداختن می‌پردازند، برای اینکه دانشمند بمانند، ناگزیر در تنهایی خود به پژوهش رو می‌کنند و مقاله می‌نویسند و این تنها کاری است که می‌توانند بکنند. گاهی هم بعضی از این مقاله‌ها متضمن مطالب گران‌بهای است که در جهان توسعه‌یافته نیز به کار می‌آید و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

علم هرچند در همه جا وضع یکسان ندارد و جهان توسعه‌نیافته از علم کمتر بهره می‌برد اما این بدان معنی نیست که جهان توسعه‌نیافته در طلب دانش نباشد و دانشمند نداشته باشد. جهان توسعه‌نیافته با همه گرفتاری‌هایی که دارد از حدود صد سال پیش در کار پیشبرد علم و تکنولوژی شرکت مؤثر داشته و در بعضی موارد دانشمندان این جهان چرخ بعضی مؤسسات بزرگ علمی- تکنولوژیک را می‌گردانند. دانشمندان جهان توسعه‌نیافته دو گروهند. گروهی که مهاجرت می‌کنند و گروهی که در کشور و وطن خود می‌مانند. گروه اول امکان‌های بیشتر در اختیار دارند و بیشتر منشأ اثرند. گروه دوم هم که در مجموع از حیث استعداد و علم از مهاجران کمتر نیستند مسائلشان را از جهان علم می‌گیرند زیرا کشورشان معمولاً در علم مسئله ندارد یا مسائلش بسیار نادر است. البته مسائل علم جهانی است اما موارد و وجوه طرح مسئله در مناطق مختلف قهراً متفاوت می‌شود. پس دانشمند یا باید علم و پژوهش را رها کند و صرفاً به شغل علمی راضی باشد یا به پژوهش‌هایی بپردازد که نمی‌داند کشور و وطنش به آنها چه نیاز دارد. او برای دانشمند ماندن سعی می‌کند و این سعی قابل ستایش است. پس وقتی گفته می‌شود ملاک توسعه علم تعداد مقاله نیست اشکال را متوجه دانشمندان نباید دانست. وقتی دانشمندان احیاناً در شرایط نه چندان مساعد، تعلق خاطر به علم را حفظ می‌کنند قدرشان را باید دانست. اصلاً اعتراض به کسی و مقامی نیست و اگر اعتراضی باشد اینست که چرا کشور نمی‌خواهد و نمی‌تواند از وجود دانشمندان و پژوهش‌هایشان بهره‌برداری درست بگویم درد اینست که چرا کشور مسائلی ندارد که دانشمندان در حل آن بکوشند. در اینجا مسائل را با مشکلات اشتباه نباید کرد. در جهان توسعه‌نیافته ناهماهنگی و عدم تناسب امر عادی است و این ناهماهنگی است که منشأ پدید آمدن بسیاری از مشکلات می‌شود اما از مشکل تا مسئله راه بسیار است. تفاوت مشکل با مسئله اینست که مشکل جزئی و موضعی و صرفاً عملی است و فهم مشترک آن را درمی‌یابد اما مسئله با اینکه ناظر به موارد خاص است، کلیت دارد و در جستجوی امکان‌ها و راه‌هاست. مسئله هر چند که اینجا و اکنون مطرح می‌شود راه به آینده دارد و اگر مسائل درست در جای خود مطرح

آیا اگر کسی بگوید شیوع و غلبه مقاله‌نویسی برای دریافت گواهینامه تحصیلی و ارتقاء شغلی ممکن است به علم و دانشگاه زیان برساند، با علم ستیزه کرده است. این ستیزه با علم نیست بلکه نگرانی از شیوع فساد در دانشگاه‌ها و غربت و تنهایی مستعدترین دانشمندان و بی‌حاصل ماندن سعی و پژوهش آنانست

۴- در دانشگاه‌های جهان توسعه‌یافته هم به مقاله‌نویسی بخصوص در دهه‌های اخیر اعتنا شده است اما تشخیص اعتبار مقاله با دانشگاهیان است و مقاله به صرف اینکه به فلان زبان در فلان مجله چاپ شده است، معتبر نمی‌شود. اعتنای آنها به مقاله تا حدودی هم برای منحل نشدن علم در بازار است. ما علم جدید را از اروپا و امریکا آموخته‌ایم، بی‌آنکه انقلاب علمی- فرهنگی اروپا را آزموده باشیم. به این جهت تلقیمان از علم نزدیک به تلقی متقدمان است یعنی علم را علم واقع می‌دانیم و گمانمان اینست که علم گذشتگان صورتی ناقص بوده و به تدریج راه کمال پیموده و به علم امروز یعنی کامل‌ترین صورت علم رسیده است. علم جدید مرحله کامل علم قرون وسطی و دوران‌های پیش از تجدد نیست بلکه علمی است با ماهیت جدید. احکام این علم با موجودات مطابقت ندارد بلکه نسبت آنها با موجودات نسبت تصرف و تغییر است. علم جدید منابع و نیروها را کشف و کنترل می‌کند. در این مسیر، کشف هم برای کنترل است. به این جهت علم جدید بر خلاف علم گذشتگان نه علم به ثابتات است و نه اعتبار ثابت و ماندگار در آینده دور دارد. در این علم پژوهش همواره باید ادامه داشته باشد. جهان جدید جهان دگرگونی است و همه چیز در آن دگرگون می‌شود. علم هم باید همواره نو شود. نمی‌گوییم علم دیروز علم نیست. اما علم دیروز اگر پژوهش مهمی باشد فصلی از تاریخ علم می‌شود و اگر نباشد از یاد می‌رود. وقتی این معنی از نظر دور بماند چه بسا گمان کنند که علم مجموعه دانستنی‌هاست و هر چه بر حجم آن افزوده شود مغتنم است. پس باید به نوشتن مقاله اهتمام کرد. مدافعان مقاله‌پردازی دفاعشان اینست که آیا مقاله

حل شوند با راه حل‌هایشان می‌توانند نظام کم و بیش هماهنگی را پدید آورند و به هماهنگ شدن امور دیگر کمک کنند. وقتی مقالات پاسخ مسائل اینجا نیستند، کدام مسئله در کجا با آنها حل می‌شود. در بهترین صورت تعداد اندکی از آنها ممکن است ناظر به وضع جهانی علم و در مرز علم باشند (و چه بسا که بتوانند به پیشرفت آن مدد برسانند. این قبیل مقالات قدرشان معلوم است). پیدا است که همه دانشمندان و پژوهندگان نمی‌توانند و نباید به این عنوان که به علم جهان خدمت می‌کنند، چراغی را که به خانه رواست به مسجد ببرند. دانش هر کشور برای اینکه قوام و نشاط پیدا کند باید به مسائل کشور بپردازد یا لاقط در طرح مسائل پژوهشی ناظر به مشکلات و امکان‌های کشور باشد.

۳- با توجه به آنچه گفته شد بحث در این نیست که مقاله بنویسیم یا ننویسیم و مقالاتمان را کجا چاپ کنیم. هر پژوهشگری مقاله‌نویس است و مگر می‌توان دانشمند را از مقاله‌نویسی منع کرد. به نظر نمی‌رسد که کسی در جایی با مقاله‌نویسی مخالفت کرده باشد و معلوم نیست چرا بحث نبود نظم و برنامه علم و دعوت به بنای جهان علم را مخالفت با مقاله‌نویسی تلقی کرده‌اند. پژوهش‌های دانشمندان و تعلق خاطرشان به علم و نوشتن مقالات علمی یک چیز است و توسعه علم را با تعداد مقالات سنجیدن چیز دیگر. در این بحث مطالب فرعی از این قبیل که بسیاری مقالات بی‌مایه است نیز پیش می‌آید و در پاسخ می‌گویند و درست هم می‌گویند که همه مقالات نمی‌تواند مقالات ممتاز باشد ولی نسبت مقالات خوب و بد را نمی‌توان از نظر دور داشت. اگر از پنجاه هزار مقاله پنج هزار مقاله خوب باشد باید خشنود بود آیا دانشمندان ما در سال پنج هزار مقاله حاوی و متضمن یافت‌ها و طرح‌های نو می‌نویسند؟ درباره علوم پزشکی و مهندسی و علوم پایه چیزی نمی‌گوییم اما می‌دانم که در فلسفه و جامعه‌شناسی و حقوق و تاریخ و حتی در اقتصاد تعداد این قبیل مقالات بسیار اندک است. یک وجه آن هم که معمولاً به آن توجه نمی‌شود اینست که برای نوشتن مقاله در علوم انسانی مقاله‌نویس باید بتواند به زبانی که مقاله می‌نویسد فکر کند. دانشمندان علوم دقیقه و مهندسان چنین مشکلی ندارند.





نوشتن بهتر از ننوشتن نیست؟ چرا بهتر است و اهتمام مقاله نویسان را از نظر اخلاقی باید ستود زیرا با آن حرمت علم و علم‌طلبی تا حدودی حفظ می‌شود. مع‌هذا باید کاری کرد که علم، علم کارگشای توسعه باشد. اکنون بیشترین فایده‌ای که در کشور ما از مقاله‌نویسی عاید می‌شود فوائد اداری و استخدامی آن برای نویسندگان است. دانشجویان و دانشگاهیان برای گرفتن مدارک تحصیلی و ارتقاء شغلی ملزم به چاپ مقاله در نشریات خاص داخلی و خارجی‌اند. در نظر آوریم که با وجود تقریباً یکصد و پنجاه هزار دانشجوی دکتری در این چند سال هر سال در حدود چهل هزار داوطلب دکتری فارغ‌التحصیل می‌شوند. اینها حداقل باید چهل هزار مقاله بنویسند و چاپ کنند و این خود نمایش عظیمی است ولی کاش در میان آنها مقالاتی باشد که به پیشبرد علم و نظر هم یاری کند. ما به پیروی از رسم جهان علم مقاله‌نویسی را تشویق کردیم. از جمله وجوه اصلی اتخاذ این تدبیر در دهه‌های اخیر یکی هم نیاز جهانی به تولید انبوه اطلاعات (از جمله اطلاعات علمی) است. در کشور ما هم الزام به مقاله‌نویسی در ابتدا توجیهی داشته است اما این توجیه هر چه بوده است توجه باید کرد که: اولاً مقاله‌ای که با الزام و به حکم وظیفه اداری نوشته می‌شود به احتمال قوی توخالی و سست است. ثانیاً از میان انبوه داوطلبان کسب مدارک تحصیلی آنها که از عهده مقاله‌نویسی بر نمی‌آیند به تقلب و خرید مقاله رو می‌کنند و شاهدیم که کار به پدید آمدن بازار خرید و فروش مقاله و رساله کشیده است. ثالثاً (مخصوصاً دانشمندان و پژوهندگانی که با تعلق خاطر به علم پژوهش می‌کنند بیشتر به این نکته توجه کنند) وقتی علم را با آمار مقالات می‌سنجند فرق دوغ و دوشاب از میان می‌رود و مقالات پژوهشی ممتاز در میان انبوه نوشته‌های بی‌حاصل گم می‌شود و بالاخره رابعاً وقتی مقاله نوشتن و مقاله چاپ کردن ملاک دانشمندی و ارتقاء در مراتب دانشگاهی است از دانشگاه نمی‌توان پرسید که چرا به فلان دانشجوی بی‌سواد یا کم‌سواد مدرک تحصیلی داده و در استخدام و ارتقاء اعضاء هیأت علمی صلاحیت‌های علمی و آموزشی داوطلبان را از نظر انداخته است. با غلبه ملاک کمیت مقالات، دانشگاه به یک اداره مبدل می‌شود. البته می‌گویند که در صدور مدارک تحصیلی و احکام ارتقاء

دانشگاهیان شرایط دیگر هم رعایت می‌شود. راست می‌گویند اما نکته ظریفی هست که توجه به آن در عمل به طور کلی و مخصوصاً در مدیریت و سیاست بسیار اهمیت دارد. در برنامه‌های سیاسی و امور اداری و سازمانی وقتی بعضی اقدام‌ها و کارها اهمیت درجه اول داشته باشند چه بسا که مطالب و امور درجه دوم از نظر می‌افتند یا به آنها اعتنایی که باید نمی‌شود. کسی که مقاله‌اش در مجلات معین چاپ نشده است ارتقاء پیدا نمی‌کند اما اگر مقاله داشته باشد به اینکه سواد دارد یا ندارد و از عهده تدریس بر می‌آید یا نمی‌آید و آیا از شرایط علمی و روحی استادی دانشگاه برخوردار است کمتر اهمیت می‌دهند. به هر حال یک دانشمند توانا در آموزش و صاحب صلاحیت‌های اخلاقی اگر مقاله نداشته باشد یا کم داشته باشد به هیچ وجه نمی‌تواند در دانشگاه وارد شود یا ارتقاء پیدا کند.

۵- مقاله‌نویسی وقتی اهمیت یافت و حتی بر نوشتن کتاب تقدم پیدا کرد که می‌بایست نتایج پژوهش‌ها هر چه زودتر مورد استفاده قرار گیرد. مسائل پژوهش را هم نیاز زمان که زمان تکنیک است معین می‌کند. پس برای یافتن و درک مسائل باید با زمان آشنایی و انس داشت. این یافتن به عهده خرد متحقق است که صرفاً شناسنده نیست بلکه در عین شناسنده بودن سازنده است. این خرد، خرد در آمیخته با اراده است. هر جا این خرد در آمیخته با اراده تحول و تغییر، محقق باشد چه بسا که مسائل علم در وقت و جای خود طرح می‌شود و به پاسخ می‌رسد اما اگر این خرد که قوام جهان علم به آنست وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد علم به دشواری می‌تواند از حد معلومات آموختنی بگذرد و اگر کوششی برای پژوهش بشود چون مسائل کلی و انتزاعی است و به جهان خاص دانشمند و پژوهشگر تعلق ندارد حتی اگر پژوهش مهمی باشد و به کار جهان وسیع علم بیاید به درد جهان خاص دانشمند نمی‌خورد. تلقی شایع و مشترک اینست که علم جهانی است و شرایط طبیعی و اقلیمی کشور و حتی اعتقادات و آداب مردمان آن را محدود نمی‌کند. این سخن درستی است اما نتیجه‌ای که از آن می‌گیرند گمراه‌کننده و بازدارنده است. از اینکه علم به جغرافیا تعلق ندارد و ایرانی و هندی و چینی و برزیلی و تونس و کامرونی و... یا مسلمان و مسیحی و بودایی و یهودی و زرتشتی به نحو یکسان می‌توانند علم

بیمایم و پژوهش کنند، نتیجه نمی شود که علم کار فردی است و به هیچ شرط و شرایطی بستگی ندارد. علم اگر به جغرافیا تعلق ندارد پیوستگی به تاریخ و زمان بی چون و چراست. علم قرون وسطی مبادی و غایاتی متفاوت با علم یونانی و علم جدید داشت. کسانی که می پندارند علم روی یک خط تکامل سیر کرده و به تدریج کامل شده و صورت امروزی پیدا کرده است، ملتفت نیستند که علم همواره در تاریخ تابع اصول و غایات یکسان و ثابت نبوده بلکه مبادی و غایات علم در تحولات بزرگ تاریخی دگرگون شده است. این اصول و مبادی و غایات را اشخاص بر حسب ذوق و علم خود وضع نمی کنند. اگر گالیله را بنیان گذار فیزیک جدید و لاوزیه را مؤسس علم شیمی می دانند نباید نتیجه گرفت که گالیله از زمان تاریخی که در آن می زیسته مستقل بوده و او با درک و فهم مستقل از تاریخ، علم فیزیک را تأسیس کرده است. آیا اگر گالیله گالیله به دنیا نیامده بود علم فیزیک به وجود نمی آمد؟ گالیله فیزیک را در مقابله با جهان قدیم و نه در یک فضای بی تفاوت تأسیس کرد. ما عادت کرده ایم که درک و فهم را مطلق و ثابت می انگاریم اما فهم ها در زمان تغییر می کند و در زمان و تاریخ صورت معین می گیرد. با درک و فهم تاریخ جدید بود که ریاضیات دکارتی - پاسکالی - لایب نیتزی و فیزیک گالیله ای و نیوتنی و ... به وجود آمد و به اعتباری این تحولات درک و فهم جهان جدید را قوام بخشید. اگر می گویند علم جهانی است و به ایتالیا و فرانسه و انگلستان تعلق خاص ندارد، درست می گویند اما علم جدید با روح تجدد پیوند دارد یا درست بگویم با روح تجدد زنده است و پیش می رود و حتی جهانی بودنش به تبع جهانی بودن تجدد است. هر چه تجدد استوارتر و ریشه دارتر باشد قدرت علم بیشتر است. به عبارت دیگر علم با توسعه تجدد مناسبت دارد و کشورها بر حسب درجه و رتبه و مقامی که در راه توسعه دارند می توانند از علم و پژوهش برخوردار باشند.

۶- یک بار دیگر توجه کنیم که علم جدید از آن جهت با توسعه تناسب دارد و شرط توسعه است که علم تکنولوژیک است. علم تکنولوژیک علم تسخیر مواد و نیروهاست و کارسازی می داند و کارسازی می کند. مقاله را هم که خیلی زود کهنه می شود برای فرداها نمی نویسند. مقاله علمی از جنس و سنخ کتاب شعر و

وقتی گفته می شود ملاک توسعه علم تعداد مقاله نیست اشکال را متوجه دانشمندان نباید دانست. وقتی دانشمندان احیاناً در شرایط نه چندان مساعد، تعلق خاطر به علم را حفظ می کنند قدرشان را باید دانست. اصلاً اعتراض به کسی و مقامی نیست و اگر اعتراضی باشد اینست که چرا کشور نمی خواهد و نمی تواند از وجود دانشمندان و پژوهش هایشان بهره ببرد یا درست بگویم درد اینست که چرا کشور مسائلی ندارد که دانشمندان در حل آن بکوشند

حکمت و فلسفه و دین نیست که بنیانگذار و تحکیم کننده و دائم باشد بلکه کارساز است و با کارسازی کارش هم به اتمام می رسد. مهم اینست که دانشمند با تعلق خاطر به علم کار خود را انجام می دهد. از او نباید توقع داشت که به کاربرد علم بیندیشد و نگران آینده نتایج پژوهش های خود باشد. او وظیفه پژوهش خود را انجام می دهد ولی برنامه کشور باید چنان باشد که همه امور اجرایی و علمی و تقنینی و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و سازمان در تناسب با هم قرار داشته باشند و علم چنان با توسعه تکنیکی اداری هماهنگ باشد که دانشمندان (جز آنان که ممکن است پیشروان علم آینده باشند) بکوشند مسائل را بیابند و منشأیبت اثر پژوهش را درک کنند و صرفاً نگران چاپ شدن نتایج آنها نباشند. در این بحث به دانشمند و کار مهم مقاله نویسی اشکالی وارد نیست. دانشمندان و بخصوص آنان که مقالات پژوهشی درخشان می نویسند و بعضی از آنان مایه فخر کشورند، مقاله بنویسند ولی مقاله را تا حد کار عادی همگانی نباید تنزل داد. کار علم در این زمان، کار کشور است و باید برنامه ای در تناسب با امور دیگر و در جهت تحقق اراده به صلاح کشور داشته باشد. دانشمندان هم دانشمندان کشور و راهنمایان قوم و پاسداران خردند و باید به سرنوشت مردم و آینده کشور خویش توجه داشته باشند و نباید راضی شوند که علم و پژوهش و دانشگاه در مقاله سازی خلاصه شود زیرا در این صورت دانشگاهیان خود به خود در مسابقه ای وارد می شوند که به درستی نمی دانند برای چه





در آن شرکت می‌کنند و حاصلش چیست وگرنه هر کس در هر جا پژوهش می‌کند گزارش پژوهش را به صورت مقاله می‌نویسد. مقاله حاصل کار پژوهش است نه غایت آن. مهم اینست که این گزارش پاسخی به مسائل زمان و راه‌گشا و کارساز کار جامعه باشد. درست بگویم دانشگاه باید کانون دانش و پژوهش و جایگاه تجلی روح و نشاط فرهنگ و حقیقت‌طلبی باشد و نه صرفاً کارگاه تولید مقاله. تکرار می‌کنم چاپ و انتشار مقاله نتیجه و حاصل پژوهش و فرع آن است. فرع و نتیجه و حاصل را با غایت اشتباه نکنیم. اگر این فرع مقصد و مقصود باشد، علم از دیگر شئون جامعه یعنی از اقتصاد و فرهنگ و مدیریت و کشاورزی و کار و تولید جدا می‌شود. به این جدایی باید فکر کرد. یکی از اوصاف مشهور علم جدید جمعی بودن آنست یعنی علم طرح و حل مسائل جمع مردمان در مواقع زندگی آنهاست علم کار فردی و شخصی نیست. دانشمند در زمان و در جامعه جدید جایگاهی متفاوت با اهل دانش جهان قدیم دارد. دانشمند قدیم آموزگار و راهنما بود اما در این زمان دانشمند نه فقط می‌آموزد بلکه در ساختن جهانی که در آن به سر می‌برد نیز نقش و سهم اساسی دارد. این سهم در همه جامعه‌ها یکسان نیست زیرا همه با علم و پژوهش یک نسبت ندارند. درست است که همه علم را ستایش می‌کنند اما یکی علم را برای زینت و مفاخره می‌خواهد یکی دیگر چون علم دگرگون‌ساز است و از آن بهره‌برداری‌ها می‌توان کرد آن را برای سودش می‌خواهد. این هر دو گروه می‌توانند قدم‌هایی در راه علم بردارند ولی علم را بنیاد نمی‌کنند. علم را با اراده و عزم دانش‌طلبی باید بنیاد کرد. کشور باید علم را بخواهد و بجوید. نشانه این خواستن و جستن احساس نیاز به دانستن است. اراده به علم با این نیاز به وجود می‌آید. اگر طراحان برنامه و متصدیان برنامه‌ریزی این معنی را ندانند از عهده کار خود بر نمی‌آیند. چنانکه تاکنون هم برنیامده‌اند. این ناتوانی جهات بسیار دارد از جمله اینکه در جهان توسعه‌نیافته علم در جایگاه حقیقی خود قرار ندارد و نمی‌دانیم با آن چه می‌توانیم بکنیم. به این جهت علم و دانشگاه بیشتر یک امر اداری تلقی می‌شود و با ردیف کردن بعضی ارقام و آمار سر و ته کارکردش قضیه به هم می‌آید. اگر به درستی بدانیم که مقاله را برای چه می‌نویسیم و پرسش آن را از کجا آورده‌ایم و چرا چاپ و انتشار آن

در مجلات و نشریات خاص برای استادان و دانشجویان الزامی شده است و از این الزام چه می‌خواهیم و چه نتیجه‌ای عایدان می‌شود، راه علم کشور تا حدودی هموار می‌شود ولی بسیاری از متصدیان امور دانشگاهی و حتی بعضی از دانشمندان ما این قبیل پرسش‌ها را زائد و بی‌وجه می‌دانند. دانشگاه بی‌روح هم این قبیل پرسش‌ها را دوست نمی‌دارد و نمی‌داند که این دوست نداشتن دانشگاه را فقیرتر می‌کند. مختصر اینکه پژوهش متعلق به جامعه و برای جامعه و کشور است. پس غایت آن هم نمی‌تواند افزایش مقالاتی باشد که نمی‌دانیم چه ربطی به ما دارد و در کجا به چه کار می‌آید. وقتی طبیعت و ذات علم جدید ساختن و پرداختن و ویران کردن است، اما نتوان از آن برای تغییر و تحول در راه صلاح استفاده کرد، پرداختن به آن بیشترین کار ذوقی و اشرافیت فکری است.

۷- چه کسانی و چگونه می‌توانند از علم در راه تصرف استفاده کنند. این استفاده در صورتی میسر می‌شود که اراده تغییر وجود داشته باشد زیرا علم جدید با اراده پیوستگی دارد و اگر این پیوستگی نباشد، علم به مجموعه‌ای از اطلاعات تبدیل می‌شود که در یاد زمانه هم نمی‌ماند. اراده به علم و قدرت تصرف در اروپا جزئی از وجود بشر جدید (هومو فابری) بود. اقوام دیگر در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین هم ناگزیر به اکتساب آن شدند و در این اکتساب حکومت‌ها سهم عمده‌ای داشتند و اکنون هم دارند. حکومت اگر اراده توسعه داشته باشد علم کشور هم متوجه مسائلی می‌شود که حل آنها برای توسعه ضروری و مفید است اما اگر چنین اراده‌ای نباشد، دانش و دانشگاه هم کاری برای توسعه انجام نمی‌دهند و برای آن چه می‌توانند بکنند؟ در جایی که علم و سیاست و فرهنگ و سازمان هر یک ساز خود را می‌زنند، طبیعی است سازمان‌ها هم با هم سر هماهنگی و همنوایی نداشته باشند. در این وضع اگر کوشش‌هایی هم در راه علم و فرهنگ و جامعه صورت گیرد به نتیجه‌ای که باید نمی‌رسد. مختصر بگویم علم جدید برای ما باید علم توسعه باشد و پژوهش‌ها در مسیری صورت گیرد که به نظام کم و بیش هماهنگ تکنولوژی و اقتصاد و مدیریت و فرهنگ برسد. پیداست که رسیدن به این مقصود هرگز آسان نبوده و اکنون دشوارتر شده است اما این معنی نباید ما را ناامید کند. به تکرار «اکنون تهی» هم نباید رضایت

داد. ما که خود به ندرت از پژوهش‌های دانشمندانمان به درستی و در جای خود بهره می‌بریم آیا فکر می‌کنیم که جهان از آنها بهره‌مند می‌شود؟ احتمال این بهره‌مندی را به کلی نفی نباید کرد زیرا ایران پژوهندگان بزرگ دارد ولی کاش می‌دانستیم و می‌کوشیدیم بدانیم که این بهره‌مندی - اگر هست - چگونه و تا چه اندازه و در کجاست که رضایتمان از دوام وضع کنونی وجهی داشته باشد. توسعه و پیشرفت علم این نیست که پربنویسیم و بر تعداد مقالات بیفزاییم و خیال خود را راحت کنیم. خیال دانشمند وقتی راحت می‌شود که علم را مؤثر و منشأ اثر ببیند. کشورهایی مثل تایوان و کره و چین و ویتنام و... که در دهه‌های اخیر سودهای ایدئولوژیک را رها کرده و به درجات راه توسعه را پیش گرفته‌اند، هر وضعی داشته باشند لااقل در گذشت از وضع توسعه‌نیافتگی موفق بوده و بعضی از آنها به مرزهای توسعه‌یافتگی رسیده و بعضی دیگر به جهان توسعه‌یافته ملحق شده‌اند و ما همچنان گرفتار سودای افزایش تعداد مقالات و بالا بردن آمار و ارقامیم. گویی حساب علم را به کلی از توسعه جدا می‌دانیم که برای هر یک جداگانه باید تصمیم بگیریم. با این جدایی راه به هیچ جا نمی‌توان برد. اگر پیشرفت علم می‌خواهیم حکومت باید کشور را از اختلاف و نزاع داخلی آینده‌سوز بیرون آورد و به تدوین برنامه توسعه جامع رو کند.

با این اختلاف و نزاعی که وجود دارد و گروه‌های مخالف ظاهراً با خیرخواهی (و شاید بعضی از خیرخواهان نه صرفاً با داعیه خیرخواهی بلکه با نیت خیر) دارند چوب لای چرخ کشور می‌گذارند و هیچ طرحی برای آینده ندارند و مانع اجرای هر طرحی می‌شوند به هیچ مقصودی نمی‌توان رسید. اصلاح کار جهان داعیه و سودایی دلفریب است اما وقتی کشور خود دچار بدترین فسادها و نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها و ندانم‌کاری‌هاست بهتر است ابتدا به درمان دردهای خود بپردازد. کشوری که می‌خواهد جهان را اصلاح کند حداقل باید بتواند کار و بار و وضع و حال خود را به صلاح آورد. این صلاح با وعظ و نصیحت حاصل نمی‌شود. صلاح و اخلاق با همبستگی و وحدت اجتماعی ممکن می‌شود و مردمی که تنها و بی‌پناهند به وعظ و حتی به قانون وقع نمی‌نهند و چه بسا که از راه صلاح و قانون رو بگردانند. پیوند جامعه نیز با امید به آینده و سیر

علم جدید با اراده پیوستگی دارد و اگر این پیوستگی نباشد علم به مجموعه‌ای از اطلاعات تبدیل می‌شود که در یاد زمانه هم نمی‌ماند. حکومت اگر اراده توسعه داشته باشد علم کشور هم متوجه مسائلی می‌شود که حل آنها برای توسعه ضروری و مفید است اما اگر چنین اراده‌ای نباشد، دانش و دانشگاه هم کاری برای توسعه انجام نمی‌دهند و برای آن چه می‌توانند بکنند؟ علم جدید برای ما باید علم توسعه باشد و پژوهش‌ها در مسیری صورت گیرد که به نظام کم و بیش هماهنگ تکنولوژی و اقتصاد و مدیریت و فرهنگ برسد

هماهنگ به سوی آن استوار و تحکیم می‌شود. اولین قدم در راه همبستگی اجتماعی اینست که دولت و حکومت با فساد و وحشتناک به جد مقابله کند و برای رفع آن بکوشد و هم خود را مصروف طرح و حل مسائل آموزش و اشتغال و کار مؤثر و ایجاد امنیت خاطر کند و تدوین برنامه توسعه هماهنگ اقتصادی - اجتماعی و اداری را دستور اول کار خود قرار دهد و از دانشگاه و دانایان در این راه یاری بطلبد. درست است که دانشگاه اکنون بیشتر به کار اعطای مدارک تحصیلی به انبوه متقاضیان اشتغال دارد اما در آن نیروی بزرگ بالقوه‌ای هست که اگر حکومت نیاز خود را به آن عرضه کند این نیروی بالقوه در راه فعلیت یافتن قرار می‌گیرد. جهان توسعه‌نیافته هر چند از برکات علم چنانکه باید بهره نمی‌برد از بخت داشتن دانشمند برخوردار است و حتی قسمتی از بار علم کشورهای توسعه‌یافته را نیز بردوش دارد. اکنون در داخل کشور دانشمندان ممتاز کم نیستند. در خارج و اروپا و آمریکا نیز ایرانیان دانشمند بسیاری که هر وقت به آنها نیاز باشد بسیاری از آنها به درخواست کشور پاسخ مثبت می‌دهند.

۸- من گاهی به دیگران اعتراض می‌کنم که چرا مدام قضایای شرطیه در زبانشان می‌گردد و پیوسته تکرار می‌کنند که اگر چنین





شود چنان می‌شود پس درباره اگرهایی که خود گفتیم باید توضیح بدهیم. این «اگرها» با «اگرهای» شایع تفاوت دارد. اگرهای شایع معمولاً ناظر به امکان‌ها نیست و غالباً انجام شدن یک کار دشوار به وجود شرایطی موقوف می‌شود که پدید آمدن یا پدید آوردن آن شرایط بسیار دشوار یا نشدنی است. من نمی‌خواهم با اگرهای همه مسائل را هر چه زودتر حل کنم تا مشکلی باقی نماند. اگرهای من انذار است. من از ضرورت‌ها می‌گویم. ضرورت‌ها را نمی‌توان و نباید مهمل گذاشت زیرا این اهمال ممکن است به مصیبت بینجامد. در این نوشته و در بسیاری از نوشته‌های دیگر شرط‌ها همه ناظر به ضرورت است و به ضرورت بازمی‌گردد. فی‌المثل می‌گویم اگر به توسعه اهتمام نکنیم دستمان خالی می‌شود و در کار خود فرو می‌مانیم و گرنه شیدای تجدد نیستیم. دیدن و گفتن از شرط‌های موهوم و ممکن به امکان خاص کارآسانی است و چون همه چیز در قلمرو امکان خاص قرار دارد هر کس می‌تواند شرط‌ها و قضایای شرطی بسیار برای اصلاح همه امور داشته باشد و پیشنهاد کند. در این آشوب البته توقع نباید داشت که به شرط‌های ضروری اعتنایی بشود اما بی‌اعتنا از کنار ضرورت گذشتن و به آن نیندیشیدن در شأن اهل دانش و اصحاب سیاست و تدبیر نیست. اینها در شرایط کنونی حتی زودتر از دانشمندان باید ضرورت‌ها را درک کنند. کاشکی همبستگی و اتحادی میان علم و سیاست به وجود می‌آمد که دانشگاهیان هم علاوه بر درس خواندن و درس دادن و مقاله نوشتن در طرح و حل مسائل کشور شریک می‌شدند. آنها اکنون کارمندان اداره علمند و حتی دانشگاه از آنها نمی‌خواهد که درباره صلاحیت دانشجویان و همکاران خود اظهار نظر کنند زیرا ملاک صلاحیت علمی چاپ کردن مقاله در نشریات خاص است. از این دانشگاهی نمی‌توان و نباید توقع داشت که به دانشگاه تعلق داشته باشد و اگر می‌بینیم کسانی با تعلق خاطر همچنان به کار پژوهش و پرورش دانشمندان جوان اهتمام می‌کنند از روحی بزرگ برخوردارند که باید قدرش را دانست و به آن امید بست.

۹- مختصر بگویم مقاله نویسی را تشویق کنیم و مقاله نویسان را بزرگ بداریم اما بدانیم که درمان درد کشور و دانش و دانشگاه، تولید انبوه مقالات نیست. بخصوص اگر مقالات ربطی هم به وضع کشور

نداشته باشد. باز هم نگرانم که بگویند علم به اینجا و آنجا و به جغرافیا تعلق ندارد. من هم در صدها صفحه پذیرفته و اثبات کرده و توضیح داده‌ام که علم به جغرافیا تعلق ندارد و اگر مثلاً تعبیری مثل غربی به زبان می‌آید معنیش این نیست که علم به منطقه جغرافیایی خاص اختصاص دارد اما اگر علم وطن جغرافیایی ندارد تعلقش به تاریخ بی‌چون و چراست. علم در شرایط تاریخی خاص به وجود آمده است و برای اینکه رشد و بسط داشته باشد به شرایط نیاز دارد. علم وسیله‌ای هم نیست که بتوان آن را برای رسیدن به هدف‌های انسانی و اخلاقی یا ضد اخلاقی به کار برد. علم کنونی به جهان متجدد پر از تعارض تعلق دارد و وجودش نیز سرشار از تعارض‌ها و تضادها است. ولی آدمی در این زمان ناگزیر و به ضرورت باید آن را بخواهد. این ضرورت از آن رو نیست که علم نجات را در خود و با خود دارد بلکه نظم زندگی کنونی به آن بسته است و آدمی نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد. وقتی به این مباحث فکر می‌کنم به یاد ماکس وبر می‌افتم که نظم علم و عقلانیت جهان جدید را چندان دوست نمی‌داشت اما به آن راضی و تسلیم بود. ما ساکنان جهان توسعه نیافته به دشواری می‌توانیم وضع او را درک کنیم زیرا چندان به علم و عقلانیتی که وبر می‌گفت نیاز داریم که نمی‌توانیم به کاستی‌های آن بیندیشیم. مردمی که از خانه آباء و اجدادی بیرون آمده و هنوز خانه‌ای برای سکونت نیافته و نساخته‌اند نمی‌توانند از خانه‌ای که نمی‌دانند کجاست و بنایش بر چیست راضی یا ناراضی باشند. وبر از خانه خود ناراضی نبود بلکه نگران بنیاد خانه بود. او نگران بود که مبادا بنای خانه با باد گره خورده باشد.^۱ ما ناگزیریم خانه خود را از روی مثال خانه عصر جدید بسازیم و برای این ساختن است که به علم نیاز داریم. شاید دل باختن به علم انتزاعی و دلخوش بودن به شمار بسیار مقالات نشانه وضعی باشد که در آن اکنونمان نه با گذشته پیوند دارد و نه با آینده.

اگر اکنون را در نمی‌یابیم، فارغ بودن از زمان و سیر در ابرهای اوهام را تسلی بخش می‌دانیم و آن را دوست می‌داریم. با درک اکنون و قرار گرفتن و ایستادن در برابر وضع کنونی است که در تاریخ وارد می‌توان شد و یاد حق پرستی و معرفت گذشته و اندیشه آینده نیز با این درک زنده می‌شود.

۱- گره به باد مزین گر چه بر مراد وزد که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت

اخبار و گزارش‌ها



جلسات شورای علمی

در زمستان سال جاری، سه جلسه شورای علمی با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس، دکتر حسین نمازی دبیر، دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی، دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه، دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی، دکتر سعید سهراب‌پور رئیس گروه علوم مهندسی، دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی، دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی و دکتر حسن ظهور رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری تشکیل شد.

■ در چهارصد و هفتاد و هفتمین جلسه شورای علمی فرهنگستان علوم مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱، آقای دکتر جعفر توفیقی عضو پیوسته فرهنگستان علوم گزارش مبسوطی از نتایج طرح «نقش مطلوب و مؤثر فرهنگستان علوم در نظام علم و فناوری: نگاشت سناریوها» ارائه کرد. پس از ارائه این گزارش حاضران به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح شده پرداختند. در پایان جلسه نیز منتخبان گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم برای معرفی و تجلیل در مراسم روز مهندسی معرفی شدند که با انتخاب آنان به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶ موافقت شد.

■ در جلسه چهارصد و هفتاد و هشتم شورای علمی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۵، پیشنهاد گروه علوم مهندسی مبنی بر تمدید همکاری آقای دکتر رهبر رحیمی برای یک دوره دو ساله دیگر به عنوان همکار مدعو گروه علوم مهندسی و همچنین پیشنهاد گروه

علوم کشاورزی مبنی بر تمدید همکاری آقای دکتر محمدعلی سحری برای یک دوره دو ساله دیگر به عنوان همکار مدعو گروه علوم کشاورزی به تصویب رسید. در ادامه جلسه پیشنهاد گروه علوم کشاورزی در خصوص انتخاب ۶ مهندس برجسته کشاورزی و منابع طبیعی، منتخب گروه علوم کشاورزی در سال ۱۳۹۶، برای تجلیل در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ به تصویب رسید. همچنین درخواست معاون پژوهش و فناوری دانشگاه هنر اصفهان مبنی بر درج نشریات فرهنگستان در فهرست نشریات علمی-پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح شد. پس از تبادل نظر و با عنایت به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر اعتبارگذاری نشریات فرهنگستان‌ها توسط خود فرهنگستان‌ها، مقرر شد معاونت پژوهشی در نامه‌ای به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درخواست کند که نشریات فرهنگستان (با ذکر رتبه علمی) در فهرست نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز قرار گیرند. در ادامه نامه گروه علوم مهندسی مبنی بر تشکیل هسته‌هایی در فرهنگستان مرتبط با حوزه‌های تخصصی نقشه جامع علمی کشور با هدف توسعه و تقویت نقش و اثربخشی فرهنگستان علوم در بازنگری نقشه جامع علمی کشور مطرح شد. پس از تبادل نظر با استقبال از پیشنهاد مناسب گروه علوم مهندسی و موافقت با آن، مقرر شد گروه‌های علمی نقشه جامع علمی کشور را مطالعه و نظرشان را به ریاست فرهنگستان علوم اعلام کنند.

مهندسی صنایع درخصوص اهمیت و جایگاه لجستیک کشور مطرح شد که پس از تبادل نظر ضمن موافقت کلی با صدور چنین بیانیه‌ای، قرار شد موضوع در شورای پژوهشی فرهنگستان بررسی شود و چنانچه اصلاحاتی لازم است صورت پذیرد. پس از آن، آقای دکتر حسن ظهور گزارشی از برگزاری مراسم روز جهانی آینده در فرهنگستان علوم ارائه کرد. در این خصوص قرار شد مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها و مذاکرات این نشست چاپ و نتایج آن به نحو مقتضی منعکس شود. در بخش پایانی جلسه، دستور جلسه مجمع عمومی یکصد و بیست و یکم فرهنگستان، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷، قرائت شد و به تصویب رسید.

■ در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای علمی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۳، با همکاری مدعو آقای دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی برای یک دوره دو ساله در گروه علوم مهندسی و با تمدید همکاری مدعو آقای دکتر بهروز گتمیری برای یک دوره دو ساله دیگر در گروه علوم مهندسی موافقت به عمل آمد. در ادامه طرح پژوهشی پیشنهادی گروه علوم مهندسی با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع شده در دانشگاه‌های برتر جهان» (تأیید شده توسط شورای پژوهشی) به تصویب رسید. همچنین مقرر شد مجری طرح به استفاده کشور از این پژوهش توجه داشته باشد. سپس بیانیه گروه علوم مهندسی و شاخه



یکصد و بیست و یکمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

که ایشان را به عضویت پیوسته برگزیده‌اند تشکر کرد و در ادامه سخنان کوتاهی با عنوان «تأملی بر سیاست‌های توسعه علم در کشور» ایراد نمود. ایشان در سخنانش اظهار داشت که در امر سیاست‌گذاری یا خط‌مشی‌گذاری عمومی سه مرحله اصلی وجود دارد که مرحله اول تدوین و تصویب، مرحله دوم اجرا و مرحله سوم ارزیابی و اصلاح است و افزود: در مرحله تدوین نیاز به اطلاعات و آگاهی از بدیل‌های ممکن است که لازمه آن سیاست‌پژوهی و تحقیق در مورد سیاست‌هاست به‌طوری که امروز خط‌مشی‌گذاری مطلوب را خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد علمی و تجربی دانسته‌اند. در این مرحله فرآیند کار در کشور ما کاستی‌های فراوان

یکصد و بیست و یکمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، با حضور ۴۰ عضو از مجموع ۴۷ عضو پیوسته فرهنگستان علوم، به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی برگزار شد.

در ابتدای نشست آیاتی از کلام‌الله مجید توسط آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی ایراد شد. در ادامه آقای دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان توضیح مختصری درباره وضع بودجه و تخصیص و اعتبار ماه‌های اخیر فرهنگستان ارائه کرد. سپس آقای دکتر سیدمهدی الوانی عضو پیوسته جدید فرهنگستان علوم ابتدا از رئیس و اعضای مجمع عمومی فرهنگستان

دارد. در مرحله اجرا نیز تمرکز، یکسان‌انگاری، ساختارهای دیوان‌سالار، و شیوه‌های نامناسب انتخاب، سیاستگذاری را با مشکل مواجه می‌سازد. در مرحله آخر نیز شاخص‌های ارزیابی شاخص‌های به‌اصطلاح جعلی یا شبه شاخص می‌باشند، مانند تعداد مقالات و تعداد دانشجوی، که بستگی مستقیمی با تحقق سیاست‌های توسعه علم ندارند و نتایج آن برای راهبردهای آینده، همراه‌کننده می‌باشند. پس از صحبت‌های آقای دکتر سیدمهدی

الوانی، لوح عضویت پیوسته توسط ریاست فرهنگستان به ایشان اعطاء شد. در ادامه نشست یکصد و بیست و یکم مجمع عمومی پیرامون موضوع «علم و پژوهش و آینده کشور» بحث و تبادل نظر شد و چند تن از اعضای مجمع عمومی به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود پرداختند. در پایان جلسه قرار شد فرهنگستان این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد تا نتایج حاصل از آن به نحو مطلوب در اختیار مسئولان قرار گیرد.

جلسات شورای پژوهشی



در زمستان سال جاری دو جلسه شورای پژوهشی با حضور آقایان دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان و معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی، دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی، دکتر غلامرضا اعوانی نماینده گروه علوم اسلامی، دکتر فرامرز رفیع‌پور نماینده گروه علوم انسانی، دکتر حسن تاج‌بخش نماینده گروه علوم دامپزشکی، دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی نماینده گروه علوم مهندسی، دکتر حسن احمدی نماینده گروه علوم کشاورزی، دکتر محمدمهدی شیخ‌جباری نماینده گروه علوم پایه، و دکتر حسن ظهوررئیس مرکز مطالعات علم و فناوری برگزار شد.

■ در یکصد و نود و نهمین جلسه شورای پژوهشی فرهنگستان علوم مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۶، قرار شد کمیته ارزیابی دوفره شورای پژوهشی، گزارش نهایی طرح «تبیین نقش فرهنگستان‌ها در ارتقای فرهنگ آینده‌نگری و سیاستگذاری‌های مربوط در نهادهای بالادستی،

آموزشی و اجرایی نظام» را بررسی و میزان پیشرفت پروژه را تعیین کند. در ادامه مقرر شد هریک از گروه‌های علمی فرهنگستان عناوین همایش‌های نیم‌روزه و یک‌روزه خود را به معاونت پژوهشی اعلام کنند تا پس از طرح و تصویب در شورای پژوهشی، در تقویم جلسات فرهنگستان ثبت شود. ضمناً قرار شد گروه‌ها صرفاً موضوعات کلان را مطرح و از اعلام همایش‌های بسیار تخصصی و در سطح شاخه‌ها خودداری کنند. تأیید جلد سوم گزارش پیشرفت مرحله دوم طرح پژوهشی «تطور مفهوم علم در ادبیات اسلامی- ایرانی» توسط ناظر طرح، و تأیید طرح پژوهشی پیشنهادی «تحلیل و طبقه‌بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع‌شده در دانشگاه‌های برتر جهان» از دیگر موضوعات مطرح‌شده بود. در این جلسه با تمدید رتبه علمی- پژوهشی فصلنامه آموزش مهندسی ایران موافقت به عمل آمد و قرار شد تغییراتی که در محورهای فصلنامه انجام شده است، به اطلاع



سایر گروه‌ها نیز برسد. همچنین با رتبه علمی-پژوهشی نشریه «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی» موافقت شد. در ادامه قرار شد دستورالعمل تهیه‌شده درخصوص «نحوه نگارش فهرست منابع و ارجاع به آن» برای گروه‌های علمی ارسال شود تا اعلام نظر کنند. در این جلسه ضمن تشکر از گروه علوم کشاورزی برای تهیه مجموعه فعالیت‌های ۲۵ ساله گروه، تأکید شد سایر گروه‌های علمی نیز مجموعه فعالیت‌های خود را تهیه کنند تا از طریق فرهنگستان منتشر شود.

■ در دویستمین جلسه شورای پژوهشی مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰، درباره بیانیه شاخه مهندسی صنایع پیرامون اهمیت و جایگاه لجستیک

کشور بحث و تبادل نظر شد و با توجه به اینکه در نظر است این بیانیه از سوی فرهنگستان صادر شود، تصمیم‌گیری در مورد آن به جلسه آتی شورای پژوهشی مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۹، موکول شد. در ادامه جلسه، با همایش‌ها، جلسات سخنرانی و برخی برنامه‌های پیشنهادشده از سوی گروه‌های علوم دامپزشکی، علوم کشاورزی و علوم مهندسی برای سال ۱۳۹۷، موافقت به عمل آمد.

انتخاب ناظر برای طرح پژوهشی جدید مصوب‌شده با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع‌شده در دانشگاه‌های برتر جهان» از دیگر تصمیمات جلسه شورای پژوهشی دویستم بود.

فهرست طرح‌های جاری و خاتمه‌یافته سال ۱۳۹۶

الف. طرح‌های جاری

- ۱- «تحلیل و طبقه‌بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع‌شده در دانشگاه‌های برتر جهان» (دکترهادی ندیمی)
- ۲- «تحقیق، کشف، تحلیل و مستندسازی پروفایل مهندسان برجسته فرهنگستان علوم» (دکتر سعید سهراب‌پور)
- ۳- «زیبایی‌شناسی محراب‌های ایران» (دکتر محمدحسین حلیمی) / با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور
- ۴- «آسیب‌شناسی ساختار و فرایند سیاستگذاری آموزش عالی ایران در راستای توسعه اقتصادی پایدار» (دکتر ابوالقاسم مهدوی)
- ۵- «نقش زنان در علم و فناوری در ایران» (دکتر طاهره کاغذچی)
- ۶- «اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارها» (دکتر سیدحسین صفایی)
- ۷- «تطور مفهوم علم در ادبیات اسلامی- ایرانی» (دکتر رسول جعفریان)
- ۸- «بررسی راهبردهای اخیر در حوزه‌های پژوهش و فناوری علوم زیستی» (دکتر حسن ابراهیم‌زاده)
- ۹- «تاریخ فقه امامیه ۳» (دکتر سیدمصطفی محقق داماد)

ب. طرح‌های خاتمه‌یافته

- ۱- «تبیین نقش فرهنگستان‌ها در ارتقای فرهنگ آینده‌نگری و سیاستگذاری‌های مربوطه در نهادهای بالادستی، آموزشی و اجرایی نظام» (دکتر عبدالرحیم گواهی)
- ۲- «آینده‌پژوهی درباره نقش مؤثر و مطلوب فرهنگستان در نظام علم و فناوری» (دکتر جعفر توفیقی)
- ۳- «بررسی مسائل و مشکلات گلخانه‌ها و فراورده‌های گلخانه‌ای ایران» (دکتر مرتضی خوشخوی)
- ۴- «بررسی و تحلیل گزارش‌های پروژه هزاره سازمان ملل و اجلاس کیوتو و انطباق آن با وضعیت ایران» (دکتر حسن ظهور)
- ۵- «دانشگاه‌های آینده» (دکتر عبدالرحیم گواهی)
- ۶- «طراحی سامانه مدیریت یکپارچه در توسعه پایدار کشور» (دکتر سیدمهدی الوانی).

دوره‌های تحصیلات تکمیلی در علوم پایه و بایسته‌های آنها

اعلام نظر شاخه‌های فیزیک و ریاضی فرهنگستان علوم-۱۳۹۶

آموزش و پژوهش در علوم دو هدف عمده دانشگاه‌ها هستند. زمانی که از آموزش علوم سخن به میان می‌آید منظور علاوه بر تعلیم علوم مدون، آموختن نگرش و دیدگاه علمی است که منجر به گردآوری این علوم شده است. پژوهش مجموعه فعالیت‌هایی است که منجر به پیشبرد مرزهای دانش و یا تولید دانش فنی می‌شود. بنابراین به طور طبیعی آموزش و پژوهش در یک راستا قرار دارند. این دو هریک نیز بایسته‌های خود را دارند و باید به گونه‌ای تنظیم و تبیین شوند که دانشگاه را در جایگاه مرجعیت علمی کشور قرار دهند.

در نگرشی رایج و عملگرایانه، علوم به علوم پایه، فنی و مهندسی، پزشکی و علوم انسانی، و مقاطع به دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، تقسیم می‌شوند. محور اصلی برنامه دوره‌های کارشناسی و قسمت عمده دوره کارشناسی ارشد در رشته‌های مهندسی، علوم کشاورزی، پزشکی و برخی رشته‌های علوم انسانی و دوره‌های تخصصی-عملی، عموماً آموزش مطالب مدون حرفه‌ای است و باید با این هدف انجام شوند که افراد را قادر سازند با کسب مهارت‌های تکمیلی عملی (مثلاً در دوره‌های کارورزی و کارآموزی) وارد بازار واقعی کار شوند.

از دانش‌آموختگان این رشته‌ها انتظار می‌رود بتوانند با دست‌مایه قرار دادن دانش و مهارت فنی آموخته شده و با نوآوری و ابتکار در به کار بردن آموخته‌ها، چرخ‌های بخش‌های صنعت، خدمات و سلامت کشور را بگردانند. این نوآوری نیازمند درکی صحیح از مطالب رشته مربوطه است و عموماً به معنای نوآوری و پیشبرد مرزهای علوم مهندسی یا پزشکی نیست.

هدف دوره‌های کارشناسی و تا حدی کارشناسی ارشد در علوم پایه مانند ریاضی و فیزیک، نه تنها آموزش مهارت، بلکه آموزش دیدگاه و نگرش علمی در رشته مورد نظر از طریق فراگیری مطالب مدون در آن رشته است. از دانش‌آموختگان این رشته‌ها انتظار می‌رود دیدگاهی علمی را درونی کرده باشند و بتوانند مسائل مختلف را با دیدگاهی

علمی تحلیل کرده و آن را در تمام شئون به کار ببرند. هدف از آموزش رسمی قبل از دانشگاه باید آشنا کردن دانش‌آموزان با دیدگاه علمی در مواجهه با مسائل مختلف زندگی روزمره باشد و معلمان مدارس باید حتی‌الامکان از بین دانش‌آموختگان رشته‌های علوم پایه برگزیده شوند. محدود کردن انتخاب معلمان به دانش‌آموختگان صرفاً یک دانشگاه خاص (دانشگاه فرهنگیان) و تضمین شغلی این عده در بدو ورود به دانشگاه و حذف رقابت شغلی، باعث بی‌توجهی به یادگیری مطالب و در نتیجه منجر به افت کیفی آموزش و پرورش، و به تبع آن همه امور آینده کشور می‌شود. برای دانش‌آموختگان این رشته‌ها با فرض برآورده شدن انتظاری که در بالا بدان اشاره شد بازار کار دیگری نیز متصور است و آن مشارکت در مشاغل و حرفه‌هایی است که علاوه بر دانش فنی و نوآوری در به کارگیری آن (که معمولاً از سوی همکاران دانش‌آموخته مهندسی و یا پزشکی تأمین می‌شود) نیازمند ارائه تحلیل و استنتاج، و نوآوری در دیدگاه‌ها نیز هستند. اهداف دوره‌های دکتری در همه رشته‌ها و به خصوص رشته‌های علوم پایه عموماً از اهداف دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد مربوط به آنها متفاوت است. از ورودی‌های دوره‌های دکتری در هر رشته‌ای انتظار می‌رود که بتوانند اهداف برشمرده شده بالا را در رشته مورد نظر در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد برآورده کنند. مقطع بالاتر در هر رشته ادامه طبیعی همان رشته و یا رشته‌های نزدیک به آن رشته در مقطع پایین‌تر است و آشنا نبودن با آن رشته در مقطع پایین‌تر در سطحی که توصیف شد، عموماً به نقض اهداف مقطع بالاتر می‌انجامد. اما برپایه قانون فعلی کشور همخوانی و نزدیکی رشته تحصیلی کارشناسی با کارشناسی ارشد و دکتری الزامی نیست. ناگفته پیداست اگر دانشجوی ورودی زمینه و توانایی لازم را نداشته باشد، در مقطع بعدی موفق نخواهد بود.

این مطلب هم برای کارشناسی به کارشناسی ارشد و هم کارشناسی ارشد به دکتری صدق می‌کند. برای رفع این مشکل مناسب است که

گرایش مورد نظر متفاوتند، حذف کامل هر یک موجب خدشه به دوره دکتری می‌شود. از این رو، داشتن دوره‌های «آموزش محور» دکتری در تمامی رشته‌ها، و دوره‌های «پژوهش محور» دکتری در عموم رشته‌های علوم پایه و بنیادی، بی‌معنا هستند و باعث گسستگی دو بخش در هم تنیده آموزش و پژوهش می‌شوند.

کفی برای نمرات آزمون ورودی در هر رشته و گرایش در نظر گرفته شود. دوره‌های دکتری عموماً دو بخش دارند: بخش آموزشی که هدف آن رسیدن به مرزهای دانش در رشته و حوزه‌ای خاص است و بخش پژوهشی که هدف آن پیشبرد مرزهای دانش در آن حوزه است. هرچند نسبت زمانی دو دوره آموزشی و پژوهشی بسته به رشته و

مراسم رونمایی از ارج‌نامه استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد



پیام رئیس جمهوری به مناسبت انتشار و رونمایی از ارج‌نامه دکتر سیدمصطفی محقق داماد

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر حسن روحانی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در پیامی با قدردانی از فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بابت انتشار و رونمایی از ارج‌نامه‌ای برای نكوداشت دکتر سیدمصطفی محقق داماد تصریح کرد: بی‌تردید خدمات گسترده علمی، آموزشی و پژوهشی، از ایشان چهره‌ای برجسته و به یادماندنی ساخته است که می‌تواند نمونه روشنی از خردورزی و اعتدال و نیز آرمان بلند همکاری حوزه و دانشگاه شمرده شود.



متن پیام رئیس جمهوری به این شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

جای سپاس است که به همت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ارجنامه‌ای برای نکوداشت «مردی از تبار خرد و فضیلت» منتشر و رونمایی می‌شود. استاذزاده محترم جناب آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد به واقع شایسته این عنوان و درخور چنین تجلیلی است.

بی‌تردید خدمات گسترده علمی، آموزشی و پژوهشی، از ایشان چهره‌ای برجسته و به یادماندنی ساخته است که می‌تواند نمونه روشنی از خردورزی و اعتدال، و نیز آرمان بلند همکاری حوزه و دانشگاه شمرده شود.

از چنین ابتکاری خرسندم و امیدوارم همه، قدردان فرهیختگان و استادان گرانسنگی باشند که از تقدیم توان و عمر شریف خویش در جهت ساختن فردایی بهتر برای ایران و سرنوشتی نکوتر برای جامعه انسانی دریغ نکرده و نمی‌کنند.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران».

■ مراسم تجلیل از مقام علمی استاذ دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم و رونمایی از ارجنامه ایشان، با پیام رئیس محترم جمهوری و سخنرانی آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان عضو فرهنگستان علوم و رئیس کتابخانه دانشگاه تهران، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، دکتر محسن اسماعیلی عضو حقوقدان شورای نگهبان، دکتر سیدحسین صفایی رئیس شاخه حقوق فرهنگستان علوم، حجت الاسلام والمسلمین دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد برگزار شد.

در این مراسم کتاب «مردی از تبار خرد و فضیلت؛ ارجنامه استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد» که توسط فرهنگستان علوم جمهوری

اسلامی ایران منتشر شده است، با حضور آقایان دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آیت الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا، دکتر محمدرضا عارف عضو پیوسته فرهنگستان علوم و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، دکتر علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهوری و عضو فرهنگستان علوم، دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان علوم، دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو فرهنگستان علوم، حجت الاسلام والمسلمین دعایی، حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای، حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری و دکتر محسن اسماعیلی رونمایی شد.

■ در ابتدای این جلسه و پس از پخش سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت آیاتی از قرآن کریم، آقای دکتر رسول جعفریان به عنوان مدیر جلسه، سخنرانی کوتاهی راجع به شخصیت آقای دکتر محقق داماد ایراد کرد و گفت: عقل و درایتی که از مجموع فرهنگ و شیعه می‌شناسیم محصول حوزه و دانشگاه است و این نسل از زمان مطهری و بهشتی آغاز شده و تا به امروز که زمان افرادی چون محقق داماد است ادامه یافته است. یکی از ویژگی‌های آیت الله محقق داماد این است که وقتی انحرافی ببینند یا جمله نادرستی بشنوند ساکت نمی‌مانند و در کنار پرداختن به علم و دانش به جنبه‌های اصلاحی نیز می‌پردازند. وی افزود: یادگیری روش‌های نو، مردمی بودن، اخلاقی که از پدر، پدربزرگ و برادر خود به ارث برده‌اند، همگی از جمله فضائل ایشان است. محقق داماد از آغاز طلبگی همیشه دست مردم را می‌گرفت و احساس مسئولیت داشت. علاوه بر این در چهار رشته ادبیات، فلسفه، فقه و حقوق خیلی خوب درس خوانده‌اند و حاذق‌اند. بنده از ایشان بسیار خواندم و یاد گرفته‌ام و راجع به ایشان بیشتر از این‌ها می‌دانم که امیدوارم مجال دست دهد و در محفل دیگری بازگو کنم.

■ پس از آقای دکتر جعفریان، آقای دکتر حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهوری، پیام آقای دکتر حسن روحانی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران را که خطاب به آیت الله محقق داماد نوشته شده بود قرائت کرد.

■ آقای دکتر علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهوری و عضو گروه علوم



مهندسی فرهنگستان علوم از دیگر سخنرانان این جلسه بود. ایشان در سخنانش اظهار داشت: به نظر من مهمترین ویژگی ایشان مصمم بودن در راهی است که پیش می‌گیرد. محقق داماد در راهی که طی می‌کند شک نمی‌کند و متحیر نیست. او می‌داند مقصدش کجاست و هدفش چیست. شیوه بیان و تبیین مسائل از دیگر ویژگی‌های این عالم بزرگوار است. وی افزود: نحوه گفتن آیت‌الله محقق داماد بسیار ارزشمند است و هر کسی از شنیدن صحبت‌های ایشان لذت می‌برد. جود و کرم از دیگر ویژگی‌های اوست. همچنین در باب اجتهاد، مواضع ایشان بسیار شاذ و نادر است و بنده در همین جا اعلام می‌کنم که از مریدان این عالم هستم.

■ آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فلسفه در ادامه این مراسم گفت: از برگزاری چنین مجلسی خوشحال هستم. همه موجودات در جهانند و فرق انسان با دیگر موجودات این است که انسان جهان دارد ولی موجودات دیگر اینگونه نیستند و انسان چون جهان دارد پس فرهنگ دارد. فرهنگ هم یک جهان ندارد، در یک فرهنگ جهان‌های مختلفی حضور دارند و انسان‌ها به شیوه‌های مختلفی زندگی می‌کنند. تاریخ نشان می‌دهد که علم در حال حاضر بسیار گسترش یافته و هر کسی در رشته خودش مرزهای خود را می‌شناسد. انسان امروز بیش از هر عصر دیگری در تناقض‌ها زندگی می‌کند اما مهر و محبت همیشه ثابت بوده و جهان بر اساس مهر و کین استوار است. وی افزود: در عالم

بودن خانواده محقق داماد همین بس که پدر بزرگشان، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم بوده است و معلوم نیست که اگر ایشان نبود حوزه چه می‌شد! مهربانی پدر ایشان هم موجب شد تا حوزه نجات یابد. از زمان شیخ طوسی تا امروز که علم اصول پیدا شده اگر بخواهم علم اصول را تجسم کنم سید محمد محقق داماد را برمی‌گزینم. زندگی این عالم بزرگوار با علم اصول گره خورده بود. دکتر ابراهیمی دینانی ادامه داد: اما درباره دکتر مصطفی محقق داماد باید بگویم که زبان خارجی خوب می‌داند و جهان را خوب می‌شناسد. او زبانش، زبان اسلام است. او مظهر کامل وحدت حوزه و دانشگاه و مظهر کامل علم قدیم و جدید است. چندی پیش در جلسه‌ای ایشان از عبارت ولایت دوستی نام بردند و بنده هم در همین جا این عبارت را استفاده می‌کنم. این عالم بر مهر و دوستی استوار است و خدا را شکر که ما سال‌ها در سپهر ولایت دوستی با ایشان هستیم.

■ حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات در این مراسم گفت: در این جلسه جای دو نفر خالی است. یکی برادرم و دیگری دکتر سیدحسین نصر که آقای دکتر محقق داماد از دستیاران برجسته ایشان بود. آقای دعایی در ادامه اظهار داشت: یکی از ویژگی‌های برجسته آیت‌الله دکتر محقق داماد این است که به شبهات و مسائلی که در جامعه وجود دارد پاسخ می‌دهد و از حقیقت دفاع می‌کند ضمن اینکه مسائل و مطالبی که بیان می‌کند همیشه



بروز است و روزنامه اطلاعات افتخار این را دارد که ناشر اندیشه‌های ایشان باشد. ایشان در پایان خطاب به دکتر محقق داماد اظهار داشت: حجت دیندارانی هستی که در آستانه از دین بریدن هستند و شما همان کوهی هستی که به شما پناه آورده‌اند.

■ آقای دکتر محسن اسماعیلی عضو حقوقدان شورای نگهبان و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان استاد محقق داماد در ادامه این سخنرانی‌ها گفت: بنده بیش از ۳۰ سال است که از دانش این استاد بهره‌مند شده‌ام و جامعیت ایشان در فقه و اصول و منطق مثال‌زدنی است.

آیت‌الله محقق داماد گنجینه خاطرات ایران و حوزه علمیه هستند و در همه مواردی که بنده در خدمت ایشان بودم نکته‌های نابی شنیده‌ام. نکته‌سنجی ایشان در تاریخ نقلی درس زندگی می‌دهد و خوشبختانه حافظه خوبی که دارند موجب می‌شود که همه چیز را دقیق و امانتدارانه نقد کنند. وی افزود: خوش‌بیانی و خوش‌محصری از دیگر خصایص ایشان است. محقق داماد هم فقیه است و هم فقیه‌پرور و هنرش پرورش انسان‌های اندیشمند است. مردم‌داری و دردشناسی از دیگر ویژگی‌های ایشان به شمار می‌آید و از همه اینها مهم‌تر وطن‌دوستی ایشان که موجب شد امروز در کنار ما باشند از دیگر فضائل اخلاقی این عالم بزرگ است و خدا را شکر که ایشان در کشور ماندند.

■ آقای دکتر سیدحسین صفایی عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق فرهنگستان علوم با اشاره به اینکه برگزاری چنین مجالسی تجلیل از علم است اظهار داشت: بنده ۴۰ سال از محضر ایشان بهره‌مند شدم و مطلع هستم که کتاب‌های فقه این عالم بسیار عالی و جزو کتاب‌های درسی است که دانشجویان زیادی از آن استفاده می‌کنند. به عقیده من ایشان مظهر فقه پویا هستند و سعی می‌کنند فقه را طوری تفسیر کنند که پاسخگوی مسائل روز باشد. علاوه بر این در زمینه مالکیت فکری هم اطلاعات خیلی خوبی دارند و همواره نیازهای خود را در نظر می‌گیرند. خلاصه اینکه مقام آیت‌اللهی شایسته و برازنده ایشان است.

■ در ادامه این مراسم آقای دکتر سیمایی صراف به نمایندگی از شاگردان آیت‌الله آقای دکتر محقق داماد سخنانی ایراد کرد.

■ آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم که میزبان این مراسم بود، در سخنانی اظهار داشت: در چند سال اخیر کمتر مجلس اینچنینی را دیدم و فکر می‌کنم وجود این جمع افراد عالم، ادیب و سیاستمدار در این جلسه یک نشانه است و نشان از حرمت و بزرگی آیت‌الله محقق داماد دارد.

وی افزود: رابطه من با استاد دکتر محقق داماد یک رابطه شغلی نیست بلکه یک رابطه دوستی و همدلی است. راجع به کتابی هم که امروز رونمایی می‌شود لازم است که بگویم حدود ۱۹-۱۸ سال پیش قرار شد که هر سال چهار نفر از طرف چهار فرهنگستان انتخاب شوند و به آنها نشان درجه یک علمی اعطا شود. مرحوم دکتر حبیبی پیشنهاد دادند که برای این نامزدهای انتخابی، کتابی هم تهیه شود. یکی از این منتخبان آیت‌الله محقق داماد بودند. کتابی که امروز رونمایی می‌شود حاصل مقالاتی است که توسط استادان دانشگاه‌ها و ارادتمندان استاد دکتر محقق داماد نوشته و برای چاپ و انتشار در اختیار فرهنگستان علوم قرار داده‌اند.

■ در ادامه این مراسم از کتاب «مردی از تبار خرد و فضیلت: ارج‌نامه دکتر سیدمصطفی محقق داماد» رونمایی شد.

■ آخرین سخنران این مراسم آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد بود که این جلسه به منظور نکوداشت مقام وی برگزار شده بود.

آقای دکتر محقق داماد در ابتدای سخنانش گفت: من دست کسانی که برای این کتاب مقاله نوشتند را می‌بوسم. در خانواده من همه اهل تحقیق و علم بودند و به نظر خودم بنده کفران نعمت کردم و آنطور که باید و شاید از آن فضا استفاده نکردم. برادر بزرگتر بنده تجسم هوش، تحقیق، مطالعه و تربیت بود. بنده استادان بزرگی در حوزه علمیه قم که آن زمان یک حوزه آکادمیک بود داشتم. حوزه‌ای که در سایه فقر از درو دیوارش علم، تحقیق و پژوهش می‌بارید و منبع مالی‌اش تنها کمک‌های مردم بود ولی با این وجود در این حوزه استادانی چون علامه طباطبایی درس می‌دادند. محقق داماد افزود: پس از اینکه بنده به تهران آمدم خداوند دوستان بزرگی نصیب کرد، دوستانی که از آنها فضیلت می‌بارید از جمله آنها دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی بود که دوستی من و ایشان قدمت ۵۰ ساله دارد یا

دکتر داریوش شایگان، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمد ضیمران، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی، جمعی از اعضای پیوسته فرهنگستان علوم از جمله آقایان دکتر مهدی گلشنی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر فرامرز رفیع‌پور، دکتر احسان اشراقی، دکتر مهدی گلشنی، دکتر حسن تاج‌بخش، دکتر هادی ندیمی، دکتر سیدمحمد بلورچیان، دکتر محمدحسین حلیمی، دکتر حسن ظهور، دکتر محمدقلی نادعلیان، دکتر جواد صالحی، دکتر رضا نیلی‌پور، دکتر سیدمحمد سیدفاطمی، خانم دکتر پروجرودی رئیس کتابخانه ملی ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، استاد صدوقی‌ها، دکتر محمد آشوری، علی‌دهباشی مدیرمسئول مجله بخارا، جمعی از استادان برجسته حقوق و فلسفه دانشگاه‌های کشور، جمعی از فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه، جمعی از اهالی فرهنگ و رسانه و بیش از ۲۰۰ تن از همکاران و دوستان و شاگردان و علاقمندان به استاد محقق داماد حضور داشتند.

حدود ۳۸ سال پیش که دکتر اعوانی را دیدم، جذب عظمت ایشان شدم و اینها همه نعمت‌هایی بود که خداوند در این سال‌ها به من عطا کرد و امروز که اینجا هستم دلم به این خوش است که در کنار استادانی قرار گرفتم که روزی در بحث‌های من حضور داشتند. از سال ۱۳۷۰ بنده عضو پیوسته فرهنگستان علوم که آن زمان ریاست آن را دکتر شریعتمداری برعهده داشت، شدم و تاکنون که ریاست این فرهنگستان را استاد دکتر داوری اردکانی به عهده دارد، بنده تجسم کامل فرهنگ و ادب را در ایشان می‌بینم و از ایشان بابت برگزاری این مراسم نهایت تقدیر و تشکر دارم.

در مراسم رونمایی از ارج‌نامه آیت‌الله دکتر محقق داماد با عنوان «مردی از تبار خرد و فضیلت»، اشخاص دیگری چون آقایان دکتر امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری، دکتر آشنا مشاور فرهنگی رئیس‌جمهوری، دکتر علیرضا مرندی رئیس فرهنگستان علوم پزشکی، علم معلم دامغانی رئیس فرهنگستان هنر، دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان علوم، دکتر محمد شاهی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری،

مردی از تبار خرد و فضیلت؛

ارج‌نامه دکتر سیدمصطفی محقق داماد



است. آقای دکتر داوری اردکانی در مقدمه این کتاب نوشته است: این دفتر مجموعه مقالاتی است که همکاران و دوستان و ارادتمندان حضرت استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد برای ادای احترام به ایشان نوشته‌اند. از سال‌های پیش که قرار شد هر سال به چهار نفر از اعضای منتخب فرهنگستان‌ها (از هر فرهنگستان یک

کتاب «مردی از تبار خرد و فضیلت» به مناسبت بزرگداشت مقام علمی استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، از سوی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در ۷۰۰ صفحه منتشر شد. این ارج‌نامه زیر نظر استاد دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان منتشر شده



اخبار و گزارش‌ها

نفر) نشان درجه اول «دانش» یا «فرهنگ و هنر» یا «ادب پارسی» اعطا شود، فرهنگستان علوم مناسب دانست که از اعضای فرهنگستان و دوستان و همکاران نزدیک عضو منتخب درخواست کند که مقاله‌ای بنویسند و فرهنگستان بکوشد مقالات آنان را در دفتری گرد آورد و آن را پیش از برگزاری مراسم اعطای نشان از طرف ریاست محترم جمهوری، چاپ و منتشر کند. اینک این دفتر برای تقدیم به استادی فراهم شده است که نه فقط به نام، بلکه در صفت و مقام نیز محقق، آن هم محقق بنام در معقول و منقول است... خوشبختانه این دفتر در مجموع متضمن مقالات خوبی است که فراهم شدنش را باید از برکات وجود استاد دکتر محقق دانست».

مقالات این ارج‌نامه عبارتند از:

- من چه گویم وصف آن عالیجناب؛ دکتر غلامرضا اعوانی
- حافظه فرهنگی مشترک؛ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی
- مردی از تبار خردگرایی شیعی؛ دکتر علی اکبر صالحی
- آیت‌الله دکتر محقق دامادی که من می‌شناسم؛ دکتر عبدالرحیم گواهی

- درباره نقد؛ دکتر رضا داوری اردکانی

- بن‌مایه اخلاق؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی
- اهمیت وحدت؛ آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی
- امکان تأسیس مابعدالطبیعه اخلاق بر مبنای قرآن؛ دکتر غلامرضا اعوانی

- مفهوم و جایگاه عوام در ادبیات دینی ما؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان

- قرآن و مکاتب کلامی و فلسفی؛ آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد

- رابطه زیباشناسی و اخلاق از منظر کانت؛ دکتر شهین اعوانی

- موجودات فرشی و عرشی؛ دکتر بهمن یزدی صمدی

- کل عالم در خلقت انسان؛ دکتر سید محمد بلورچیان

- چهره‌ای دیگر از شاه سلطان حسین صفوی؛ دکتر احسان اشراقی

- مقایسه تأثیر آموزه خداشناسی در شکل‌گیری اصول نظام اقتصاد اسلام و سرمایه‌داری؛ دکتر حسین نمازی

- برخی از بایسته‌های آموزش و پژوهش در علم اقتصاد؛ دکتر عباس

شاگری

- بازاندیشی طرحی نو در تحلیل گفتمان؛ دکتر نگار داوری اردکانی
- اصل حاکمیت اراده در حقوق غرب و اسلام؛ مبنای، آثار و پیشینه تاریخی؛ دکتر محسن اسماعیلی

- حقوق بشر به مثابه معیار مشروعیت؛ جستاری کوتاه در تبارشناسی بحران حقوقی کشورهای مسلمان؛ دکتر سید محمد قاری سیدفاطمی

- روش‌شناسی حق؛ دکتر محمود حکمت‌نیا

- معامله به قصد فرار از دین در حقوق اسلامی و تحول آن در قوانین موضوعه؛ دکتر سیدحسین صفایی

- ارزیابی نظام فقهی حکمیت در مقایسه با داوری در نظام حقوقی مدرن؛ دکتر حسین سیمایی صراف

- مطالعه تطبیقی مبنای مسئولیت قراردادی در قرآن و حقوق؛ دکتر سیدحسن وحدتی شبیری

- معضل جدایی فلسفه از حقوق؛ سؤالات بی‌پاسخ و پاسخ‌های بی‌سؤال؛ دکتر محمود باقری

- فرض برائت؛ چشم‌اندازی اسلامی؛ دکتر رحیم نوبهار

- وضعیت معامله با مال غیر در نظام‌های حقوقی؛ دکتر جلیل قنوتی
- تعریف جدید حقوق فرانسه از قرارداد و تأثیر آن بر حقوق قراردادهای ایران؛ دکتر عباس کریمی

- ضرورت و امکان سنجی مقابله کیفری با توریسم حقوقی در کشور مبدأ با تأکید بر حقوق کیفری ایران؛ دکتر سید محمد طباطبایی نژاد

- مطالعه مفهوم ضمان عقد و ضمان عقدی و مقایسه آنها با مسئولیت قراردادی در حقوق موضوعه؛ سحر کریمی

- صلاحیت دادگاه‌های انصاف در صدور حکم به پرداخت خسارت؛ دکتر مرتضی عادل

- سرانجام یک پرونده طلاق به درخواست زوجه؛ دکتر حمید ابهری
- قاعده مضمون به عقد فاسد؛ دکتر سهیلا جوادی

- اختیارات صلاح‌دیدی دادرس در امور مدنی؛ دکتر رضا شکوهی زاده
- راهکارهای انطباق حقوق ایران و فقه اسلامی با پدیده‌های نو ظهور؛ دکتر حسن بادینی - قادر شنیر

- پاسداشت جنگل در پرتو رأیی از هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛



دکتر حسن محسنی

- بررسی تطبیقی امکان تبعیض در قرار دادهای بین المللی نفتی در حقوق کامن لا و حقوق ایران با تاکید بر مدل؛ دکتر سید نصرالله ابراهیمی - سید علیرضا طباطبایی بافقی
- امنیت و ثبات «وضعیت حقوقی» املاک در نظام ثبت املاک ایران؛ دکتر نسرین طباطبایی حصاری
- توفیقات و چالش های فیزیک قرن بیستم؛ دکتر مهدی گلشنی

- آتشفشان دماوند؛ نگاهی به گذشته و آینده؛ دکتر علی درویش زاده
- الگوی صحیح تولید و مصرف مواد غذایی برای تأمین امنیت و سلامت غذا در جامعه اسلامی ایران؛ دکتر محمد شاهی
در پایان کتاب خلاصه ای از زندگینامه علمی آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد و تصاویری از ایشان آمده است.
این کتاب توسط آقای مهندس سید علی پزشکی، و با همکاری خانم بهاره برزگر و آقای مجید میراب زاده تهیه و تنظیم و منتشر شده است.



برگزاری مراسم گرامیداشت روز جهانی آینده با حضور معاون اول رئیس جمهور در فرهنگستان علوم

چهارمین همایش گرامیداشت روز جهانی آینده با عنوان «ضرورت آینده نگری در مواجهه با چالش ها: برنامه ششم توسعه» روز پنجشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۶ با حضور آقای دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور و رئیس هیئت امنای فرهنگستان ها، توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

در بخش اول این همایش آقایان دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری، دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم و دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری سخنرانی ایراد کردند. در این بخش آقایان دکتر فتح الله مضطرزاده رئیس گروه مطالعات آینده نگری مرکز مطالعات فرهنگستان علوم، دکتر



اخبار و گزارش ها

سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم و دکتر عباس منوچهری رئیس گروه مطالعات راهبردی علم و فناوری مرکز مطالعات فرهنگستان علوم نیز در سخنان کوتاهی پیرامون آینده علم و فناوری در کشور، آینده اخلاق، و لزوم داشتن معیار و تفکر برای برنامه‌ریزی مطالبی بیان کردند.

در بخش دوم نشست صبح، آقای دکتر علی نوبخت حقیقی رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی سخنانی با موضوع «آینده سلامت» ایراد کرد. آقای دکتر سیدحمید پورمحمدی معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور نیز در این همایش سخنانی با موضوع «آینده بودجه» ایراد نمود. آخرین سخنران نشست صبح همایش آقای دکتر فرشاد مؤمنی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس گروه مطالعات اقتصادی و اجتماعی مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم بود که سخنانی با موضوع «چالش‌های اکنون‌زدگی در دوران شتاب تاریخ» ایراد کرد.

■ آقای دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری و رئیس هیئت امنای فرهنگستان‌ها، در همایش گرامیداشت روز جهانی آینده، از حضور در جمع فرهیختگان کشور در فرهنگستان علوم اظهار خوشوقتی کرد و با اشاره به ابرچالش‌های موجود کشور گفت: باید آینده‌پژوهی و آینده‌نگری را به پشتوانه جدی در سیاستگذاری کشور تبدیل کنیم. ایشان افزود: امروز در حوزه‌های مختلف از جمله آب، محیط‌زیست، صندوق‌های بازنشستگی و تحولات جمعیتی با مشکلاتی رو به رو هستیم که نیازمند توجه به آینده‌نگری است. معاون اول رئیس‌جمهوری خاطر نشان کرد: وقتی به مشکلات نگاه می‌کنیم اغلب آنها ناشی از بی‌توجهی به آینده‌نگری در فرایند تصمیم‌گیری است و گویای این نکته است که به پیامدهای تصمیمات خیلی توجه نشده است. آقای دکتر اسحاق جهانگیری گفت: برخی مشکلات ممکن است کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت باشد که نیازمندیم همواره تصویر کنترل‌کننده‌ای از آینده پیش رو داشته باشیم. دکتر جهانگیری افزود: در دهه‌های گذشته آینده‌نگری در تصمیم‌گیری، جایگاه ویژه‌ای نداشته و مسائل روزمره، اصلی‌ترین

مسائل مدیران بوده است. وی گفت: باید به وضع فعلی و آینده مسائل نسبت به چالش‌های امروز و از طرف دیگر آینده مطلوب برای کشور بپردازیم و اقدامات مورد نیاز را در زمینه‌های علوم و فنون پیشرفته و هایتک مورد توجه قرار دهیم. معاون اول رئیس‌جمهوری ادامه داد: آب، خاک، هوا و جنگل از منابع طبیعی کشورها هستند و حیات کشورها به آنها بستگی دارد و اگر امروز گفته شود شاخص آب به سمت نابودی می‌رود کسی نیست که بگوید مانند شاخص تورم نگران‌کننده نیست چرا که اگر آب نباشد، حیاتی نخواهد بود. رئیس هیئت امنای فرهنگستان‌ها با بیان اینکه مسائل مربوط به حیات جامعه و آینده آن تعیین‌کننده است، گفت: هیچ‌گاه به منابع و ذخایر آبی نگاه نکردیم و میزان برداشت و جایگزین چقدر متفاوت است و اکنون به حدی از منابع حیاتی زیاد استفاده کردیم که خیلی از مناطق کشور حیاتشان تهدید می‌شود. وی گفت: در موضوع هوا نیز این وضعیت وجود دارد و منابع انرژی را به وفور مصرف، به انرژی تبدیل و دود کردیم و امروز برای ایجاد اشتغال با مشکل منابع مواجه هستیم. دکتر جهانگیری گفت: بحث دیگر تحولات جمعیتی است که در آینده کشور تعیین‌کننده است و نرخ رشد و جنسیت و توزیع جغرافیایی جمعیت آثار بلندمدت در آینده کشور دارد. وی افزود: به دلیل عدم آینده‌نگری در سیاست‌های افزایش جمعیت، رشد جمعیت در دهه شصت بسیار زیاد شد. در آینده دیدیم که متولدین دهه ۶۰ در هر مقطعی وارد شدند با مشکل مواجه شدند. از زمان ورود به دبستان تا دبیرستان و دانشگاه و الان هم بحث اشتغال و در آینده موضوع سالمندی آنها و ... که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. دکتر جهانگیری در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به کیفیت نهادهای مالی و بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی گفت: تصمیمات لحظه‌ای باعث شده که در برخی موارد منابع بانک‌ها برگشت داده نشود و تراز مالی بانک‌ها نشان می‌دهد که کمتر به سرنوشت سپرده‌های افراد توجه شده است. ایشان با اشاره به وضعیت صندوق‌های بازنشستگی افزود: دولت هر سال ۱۶۰ هزار میلیارد تومان به این صندوق‌ها کمک می‌کند تا حقوق بازنشستگانشان را بدهند. معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: مسأله دیگر کیفیت ارائه خدمات دولت است، دولت تنها نهاد سیاستگذاری بوده و جایگزین ندارد و اگر



این همایش است توضیحاتی بیان کرد. آقای دکتر داوری اردکانی در ادامه سخنانی با موضوع آینده ایراد کرد و بر ساختن آینده و تدوین برنامه توسعه هماهنگ تأکید نمود و گفت: در صورتی که آینده را نسازیم، اکنون را تکرار می‌کنیم. رئیس فرهنگستان علوم با طرح این پرسش که آینده چیست و کجاست؟ اظهار کرد: در قدیم موضوع «آینده» مانند امروز مطرح نبود؛ اما جهان جدید جهان متحول‌شونده است از این رو آینده‌نگری ضرورت این جهان است. دکتر داوری اردکانی ادامه داد: به عنوان مثال، ۴۰ سال دیگر به معنای فیزیکی و نجومی آینده است اما ممکن است هیچ تحولی در آن صورت نگیرد. دو کشور کره شمالی و جنوبی در چهل سال پیش تجزیه شدند. از نظر گردش سال و ماه گرچه هر دو یک زمان را طی کرده‌اند اما دو کره با هم قابل مقایسه نیستند. رئیس فرهنگستان علوم، اکنون را قرارگاه وصل گذشته و آینده دانست و افزود: ما آینده خودمانیم و در حقیقت آینده، آینده ماست. اگر آن را بسازیم آینده داریم، در غیر این صورت اکنون مکانیکی را تکرار می‌کنیم. دکتر داوری اردکانی با بیان اینکه مسأله «آینده» مسأله «آسان و دشواری» است، گفت: از ۷۰ سال پیش تاکنون به فکر منابع کشور نبودیم و زمانی که به فکر آن افتادیم برنامه‌ای برای بهره‌برداری درست نداشتیم. وی اضافه کرد: در زمینه آینده‌نگری مقالات و گزارش‌های قابل تأملی چاپ شده است، اما مسأله مهم مهیا بودن برای آینده است. رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه مراد از آینده، آینده کشور نیز هست، نقش سیاست در ساختن آینده را مهم برشمرد و اظهار کرد: سیاست

کیفیت سیاستگذاری خوب نباشد کشور با سیاست بد اداره می‌شود. دکتر جهانگیری افزود: اگر بخواهیم همان مسیر را ادامه دهیم معلوم نیست به کجا می‌رسیم و به سرعت باید تغییر سیاست و جهت دهیم تا آینده را بهتر کنیم. وی ادامه داد: این طور نیست که هر کدام از مسائل را در یک دوره ۵ یا ۱۰ ساله درست کنیم. آقای دکتر اسحاق جهانگیری با اشاره به موضوع علم و فناوری گفت: امروز با دنیایی که در ارتباط با فناوری جدید کار می‌کند فاصله زیادی نداریم و وزارت علوم و تحقیقات می‌تواند با آینده‌نگری تحولات این علوم را پیش ببرد. وی گفت: رسالتی که بر دوش همه صاحب‌نظران و نخبگان و دلسوزان ایران است در ارتباط با آینده کشور و تهدیدات موجود است که باید بنشینند و به دولت کمک کنند. معاون اول رئیس‌جمهوری اضافه کرد: البته فرصت‌های بی‌نظیری ایران دارد و هنوز ذخائر نفت و گاز را در اختیار داریم و شرایطی وجود دارد که با نیروی انسانی جوان از مشکلات عبور کنیم و در کنار هم آینده بهتری را ترسیم کنیم.

■ آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در افتتاحیه همایش گرامیداشت روز جهانی آینده، ضمن تشکر از آقای دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری بابت تشریف‌فرمایی در فرهنگستان علوم و حضور در جمع دانشمندان و نخبگان و نیز تشکر از آقای دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در ابتدای سخنان خود در مورد فرهنگستان علوم و ساختار آن و نیز فعالیت‌های مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم که بانی

در ساختن آینده نقشی مهم دارد. استاد فلسفه دانشگاه تهران شرط تأمین آینده را برآورد درست امکانات و تدوین برنامه جامع و اجرای هماهنگ دانست و با تأکید بر اینکه واژه پایدار در ترکیب «توسعه پایدار» ترجمه خوبی نیست، خاطر نشان کرد: توسعه پایدار توسعه هماهنگ و متناسب است؛ ارگانیک است که دارای دست کوتاه، پای بلند و سر کوچک باشد، تناسب ندارد. رئیس فرهنگستان علوم زمان شروع برنامه توسعه در کشور را سال ۱۳۲۵ و در دولت قوام السلطنه عنوان کرد و افزود: تاکنون در هیچ زمانی برنامه هماهنگ توسعه کشور نداشته‌ایم. آقای دکتر داوری اردکانی در پایان اظهار داشت که با توجه به ملاحظات پیش رو و موضوع مهم آینده، ۴ سال است که فرهنگستان علوم در روز جهانی آینده این مراسم را برگزار می‌کند و این همایش نیز با نگاه به برنامه ششم توسعه برنامه‌ریزی شده است و در ادامه همکارانم بحث‌های خوبی پیرامون موضوعات مهم کشور و آینده کشور بیان خواهند کرد. رئیس فرهنگستان علوم در پایان بار دیگر از تشریف‌فرمایی آقای دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، آقای دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و استادان حاضر در نشست تشکر کرد.

■ آقای دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در آیین نکوداشت روز جهانی آینده که در فرهنگستان علوم برگزار شد، اظهار داشت: در دهه‌های گذشته آموزش عالی به نوعی در شرایط انفعالی شکل گرفت؛ و برخی تصمیمات مقطعی باعث به وجود آمدن واحدهای آموزش و گسترش بی‌رویه آموزش عالی شد اما امروز باید برای حل چالش‌های موجود با توجه به افق‌های آینده برنامه‌ریزی کنیم. وی افزود: وزارت علوم ساماندهی مراکز آموزش عالی را آغاز کرده است ولی این ساماندهی به کندی و به صورت تدریجی پیش می‌رود که علت حرکت کند ساماندهی مراکز آموزش عالی، ناشی از مقاومت‌هایی از جنس زمان ایجاد این مراکز است. آقای دکتر غلامی تأکید کرد: هنوز عده‌ای فکر می‌کنند بقای یک واحد آموزش عالی کوچک در منطقه برای آنها منزلت ایجاد می‌کند و برای همین در مقابل ساماندهی مقاومت می‌کنند در حالی که بسیاری از این واحدها دانشجو ندارند و رو به تعطیلی می‌روند. وزیر علوم با بیان

اینکه مسأله اخلاق در علم و فناوری باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، تأکید کرد: واگرایی که در مراکز آموزش عالی اتفاق افتاده، فراتر از آن است که بشود در یک زمان محدود آن را ساماندهی کرد. آقای دکتر غلامی به ساماندهی برخی دروس، محتوای دروس و عناوین رشته‌ها در آموزش عالی اشاره کرد و گفت: محتوای برخی دروس مربوط به ۳۰ یا ۴۰ سال گذشته بود که تغییر آنها یک ضرورت به نظر می‌رسد، ولی تأکید ما بر این است که استادان جوان در فرایند بازنگری مشارکت داشته باشند تا در اجرای محتوای درسی جدید مسئولیت بیشتری احساس کنند. وی ادامه داد: توجه استادان باید به این باشد که اعضای هیأت علمی جوان را رها و طرد نکنیم. به آنها مسئولیت دهیم تا به عنوان متولی آنچه که ایجاد شد، حافظ آن هم باشند. وزیر علوم گفت: روش‌های ما در آموزش عالی در بسیاری از موارد قدیمی است و به نظر می‌رسد به طور مثال در ۳۰ سال پیش متوقف شده‌ایم؛ بنابراین باید فضایی بروز و همسویا دنیای امروز ایجاد کنیم. وی اظهار کرد: بحث اخلاق و تربیت یکی از مباحثی است که در دانشگاه‌ها به آن کم توجه می‌شود؛ بسیاری از استادان نگاه تربیتی به دانشجو ندارند که این مسأله موجب رشد و نهادینه شدن بد اخلاقی در دانشجویان می‌شود و سپس در جامعه تسری می‌یابد. این آفتی است که داشتیم و برای گذر از آن نیازمند شأن دادن به استادان الگو در این زمینه هستیم. وزیر علوم گفت: نیازمند داشتن صبغه فرهنگی متکی به فرهنگ غنی اسلامی هستیم اما گاهی تفسیرهای یکجانبه باعث شده نتوانیم از این منابع غنی استفاده کنیم. وی تأکید کرد: تغییر در بدنه آموزش عالی نیازمند یک حرکت پشتیبانی، فکری و اجرایی است. در بحث فکری می‌توان از استادان برجسته استفاده کرد اما در بخش اجرایی کار سخت‌تر است زیرا موانعی وجود دارد. دکتر غلامی به کثرت دانش‌آموختگان دانشگاهی اشاره کرد و گفت: شاید این کثرت باعث شد جریان توجه به کار در فضایی غیر از فضای اداری فراهم شود و دانش کسب‌شده برای ایجاد اشتغال به کار گرفته شود. این مسیر مورد حمایت دولت قرار گرفته اما نیازمند توجه و حمایت بیشتر است. وزیر علوم همچنین ممنوعیت داشتن واحد آموزش عالی در دستگاه‌های اجرایی و تعطیل کردن مراکز علمی کاربردی وابسته به نهادهای دولتی را از جمله اقداماتی دانست که برای ساماندهی

آموزش عالی کشور انجام شده است.

■ در ادامه این همایش، دوشنبه تخصصی در ارتباط با آینده‌نگری برگزار شد و طی آن دکتر علی نوبخت رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی آینده سلامت را مورد بحث و بررسی قرار داد و گفت: آنچه که امروز ما صاحب آن هستیم ارثیه ما نیست و امانت است و ما باید آن را درست کرده و تحویل آیندگان بدهیم. وی با ترسیم چند سناریو برای نظام سلامت کشور به تشریح شیوه‌های چاره‌جویی بنیادی برای مقابله با مشکلات این حوزه پرداخت.

■ آقای دکتر سیدحمید پورمحمدی معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور نیز در این نشست به تشریح آینده بودجه پرداخت و یکی از موضوعات مهم بودجه سال ۱۳۹۷ را توجه دولت به علم و تحقیق و تقویت آموزش عالی کشور دانست و از وجود ۷۶ هزار پروژه نیمه‌تمام به ارزش ۱۵ هزار میلیارد تومان در کشور و از برنامه دولت برای واگذاری آنها به مردم خبر داد.

■ آقای دکتر فرشاد مؤمنی رئیس گروه مطالعات اقتصادی و اجتماعی مرکز مطالعات فرهنگستان علوم سومین سخنران نشست تخصصی اول این همایش بود که سخنان خود را با عنوان «چالش‌های اکنون‌زدگی در عصر شتاب تاریخ» و به وجود جهت‌گیری سیاستی در کلیه برنامه‌های مربوط به نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور اختصاص داد و گفت: اگر با روند تحولات دنیا خردمندانه مواجه نشویم هزینه سنگین اکنون‌زدگی را باید بپردازیم. وی با تشریح مصادیق شتاب در تاریخ دنیا به نظام برنامه‌ریزی کشور در این شرایط اشاره کرد و گفت: این نظام به اعتبار این شتاب دقیقاً پشت به هدف است و ما همه باید به هر شکلی که ممکن است کمک کنیم تا این روند تحول و اصلاح شود. آقای دکتر فرشاد مؤمنی بحران‌های فعلی کشور را بازتاب روند فعلی نظام برنامه‌ریزی کشور دانست و یادآور شد: سه دهه است که بحث‌های بسیار جدی برای پایان دادن به عصر نفت در بودجه کشور مطرح شده است اما آنچه که امروز شاهد

هستیم وابستگی همه امور کشور به ارز حاصل از فروش نفت خام است. وی راه نجات اقتصاد ایران را ارتقاء بنیه اندیشه‌ای نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور دانست و گفت: این نظام فعلی، ابزاری برای پنهان کردن واقعیت‌هاست.

■ در نشست دوم همایش که در بعد از ظهر برگزار شد، ابتدا آقای دکتر عباس منوچهری استاد فلسفه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس و عضو وابسته فرهنگستان علوم سخنانی با عنوان «آینده در آینه برنامه: یک آسیب‌شناسی» ایراد کرد. در سخنرانی دوم آقای دکتر رضا مکنون معاون مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم و استاد دانشکده مهندسی عمران و محیط‌زیست دانشگاه صنعتی امیرکبیر سخنانی با عنوان «آب، محیط‌زیست و توسعه ایران» ایراد نمود. آقای دکتر رضا نیلی‌پور رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم سخنران بعدی این همایش بود که تحت عنوان «آینده‌نگری در همگرایی علوم انسانی با علوم شناختی» سخنرانی کرد. در آخرین سخنرانی آقای دکتر حسن ظهور رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم درباره فعالیت‌های آینده مرکز مطالعات فرهنگستان مطالبی بیان نمود. در بخش پایانی همایش گرامیداشت روز جهانی آینده، جلسه میزگردی با حضور استادان و صاحب‌نظران و به ریاست آقای دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم تشکیل و پیرامون موضوعات مطرح‌شده بحث و تبادل نظر شد. در پایان نیز آقای دکتر فتح‌الله مضطرزاده عضو پیوسته فرهنگستان علوم و دبیر همایش به جمع‌بندی همایش پرداخت و بیانیه پایانی را اعلام کرد.

■ آقای دکتر رضا مکنون معاون مرکز مطالعات فرهنگستان در سخنرانی خود اظهار داشت که اخیراً عده‌ای صحبت از برداشت آب‌های ژرف می‌کنند، یعنی برای این کار باید تا دو هزار متر به زمین نفوذ کنیم و هرچه آب در دل دارد بیرون بکشیم. وی اظهار کرد: اکنون تهیه آب ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان در هر متر مکعب تمام می‌شود، در حالی که آب ژرف ۲۰ هزار تومان تمام می‌شود، آب‌های ژرفی که یک تا دو میلیون سال پیش از هیمالیا به زیر ایران نفوذ کردند بسیار ارزشمند



هستند. عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیر کبیر تأکید کرد: در حالی که اگر مصرف آب در شهرهای ما به سمت صرفه‌جویی برود، دیگر نیازی به استخراج آب ژرف نداریم. وی افزود: برنامه ششم توسعه سومین برنامه ۵ ساله است که قرار بود ما به افق ۱۴۰۴ برساند که آب و محیط‌زیست در این برنامه به عنوان دو محور کلیدی ذکر شده است، هر دو مورد هم یک بستر برای بقای ایران و هم منبعی برای توسعه کشور است، اما از آب و محیط‌زیست برای توسعه بی‌رویه استفاده کردیم که امروز چنین وضعیتی برای محیط‌زیست رقم خورد. آقای دکتر مکنون تأکید کرد: با توجه به شرایط موجود محیط‌زیست و منابع آبی، باید قبل از هرگونه الگویی برای استفاده در صنعت، کشاورزی و غیره تکلیف آب و محیط‌زیست را روشن کنیم؛ اینکه چه میزان آب می‌توانیم از منابع تجدیدپذیر برداشت کنیم و در مرحله دوم میزان قابل برداشت مشخص شود. وی گفت: آب تجدیدپذیر ضامن بقای طبیعت است، میزان برداشت مجاز از آن مشخص شده و اکنون مقامات قبول کرده‌اند که اول سهم طبیعت را کنار بگذاریم، بعد در مورد بقیه آن صحبت کنیم. وی افزود: اکنون آب‌های تجدیدپذیر در کشور بین ۸۰ تا ۹۰ میلیارد متر مکعب است که اگر بر ۸۰ میلیون جمعیت تقسیم کنیم سرانه هر نفر در سال ۱۱۰۰ متر مکعب می‌شود، بنابراین از این نظر ما در مرز بحران قرار داریم. دکتر مکنون ادامه داد: برداشت کمتر از ۱۰ درصد از آب مطلوب، ۱۰ تا ۲۰ درصد بحران کم، ۲۰ تا ۴۰ درصد بحران متوسط، ۴۰ تا ۶۰ درصد بحران بالا و بیشتر از ۶۰ فاجعه است که ما اکنون ۸۳ درصد استفاده می‌کنیم. معاون مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم گفت: این میزان برداشت از آب‌های تجدیدپذیر است در حالی که از منابع زیرزمینی ۱۱۰ درصد استفاده می‌کنیم. وی اظهار کرد: وزارت نیرو در سال ۱۳۹۴ تصویب کرد که استفاده ۸۳ درصد از آب‌های تجدیدپذیر را به ۶۰ درصد برساند. اکنون که یک سال و نیم از تصویب آن می‌گذرد موفق به اجرای آن نشده است، در واقع بر این اساس قرار بود برداشت ۱۱ میلیارد متر مکعب کاهش باید که نشد. وی گفت: اکنون ۴۰ درصد غذای مورد نیاز کشور را وارد می‌کنیم که اگر تا آخر همین روند ادامه یابد؛ مصرف آب به ۲۰۶ درصد می‌رسد و اگر بخواهیم خودکفا شویم این عدد به ۳۶۰ درصد می‌رسد که در این صورت به دو و نیم ایران دیگر

نیاز داریم تا این آب تأمین شود. آقای دکتر مکنون افزود: سرانه آب شرب در ایران ۲۲۰ لیتر نفر در روز است که می‌شود ۶۵ میلیارد متر مکعب که با در پیش گرفتن استراتژی صرفه‌جویی تا ۵۰ درصد قابل کاهش است. وی ادامه داد: از این ۲۲۰ لیتر فقط ۵ لیتر آن برای خوردن است که در مجموع می‌شود ۱۵۰ میلیون متر مکعب که از سد کرج هم کمتر است، باید آب شرب و شست و شوی را از هم جدا کنیم، ترکیه این کار را کرده است. وی گفت: در بخش کشاورزی وضعیت جدی‌تر است، مصرف آب در این بخش بالا است اما به چه قیمتی، برای رسیدن به خودکفایی؟ در حالی که تمام دنیا امروز امنیت غذایی را مد نظر دارند. بنابراین وظیفه اصلی کشاورزی ما تأمین امنیت غذایی با تأمین دو پارامتر دو هزار و ۵۰۰ کیلو کالری و ۹۰ گرم پروتئین در روز است. وی به وضعیت تغذیه در کشور اشاره کرد و گفت: ۳۰ درصد مردم سوء تغذیه، ۲۰ درصد تغذیه مناسب و ۵۰ درصد تغذیه ناسالم دارند؛ یعنی زیاد می‌خورند در این راستا چاقی زیاد شده و سن سکنه ۱۰ سال پایین‌تر آمده است. دکتر مکنون اظهار کرد: ما دو و نیم برابر دنیا نان مصرف می‌کنیم، عمده کالری را از نان تأمین کرده‌ایم، در حالی که در برنامه‌ها قرار بود این میزان با شیر و تخم مرغ تأمین شود. به گفته وی بررسی‌ها نشان می‌دهد برای رساندن دو هزار و ۵۰۰ کیلو کالری به مردم چهار هزار و ۶۰۰ کیلو کالری تولید می‌کنیم، این چالش بزرگ ما است، تولید یک پرس کباب چهار هزار و ۹۰۰ لیتر آب، قورمه سبزی هزار و ۳۰۰ لیتر و زرشک پلو با مرغ به هزار و ۸۰۰ لیتر آب نیاز دارد. وی تأکید کرد: اصلاح الگوی تغذیه می‌تواند به سلامتی مردم و هم منابع آب کمک کند، اروپا در حال تغییر الگوی غذایی است تا مصرف سرانه آب را کاهش دهد. معاون مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم گفت: ایران جزو اولین صادرکنندگان هندوانه در سال ۹۳ بود، در واقع از طریق هندوانه ۸۰۰ هزار متر مکعب آب صادر کردیم که به ازای هر یک عدد ۲۰ سنت هم درآمد کسب نکردیم، این استراتژی نادرست است، باید محصولات پر آب برآ به گردن دیگر کشورها بیندازیم، ژاپن اکنون از ۲۱ درصد آب‌های خود استفاده و ۸۰ درصد را در طبیعت‌ها می‌کند. وی تأکید کرد: کاهش برداشت، انتخاب الگوی سبز برای توسعه، تجارت خارجی، صادرات و واردات صحیح و عدم آلودگی می‌تواند به حفظ منابع آب و محیط‌زیست کمک کند.





تصحیح دکتر محمدعلی موحد بر «مثنوی معنوی» رونمایی شد

روز دوشنبه چهارم دی ماه ۱۳۹۶، به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تصحیح آقای دکتر محمدعلی موحد مولوی شناس برجسته و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از مثنوی معنوی، با حضور چهره‌هایی چون دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر فتح‌الله مجتبائی، بهاء‌الدین خرمشاهی، هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر مهدی محقق، دکتر بدرالزمان قریب، اسماعیل سعادت، علی معلم دامغانی، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر حسین نمازی، دکتر محمدرضا نصیری، دکتر ژاله آموزگار، دکتر ابوذری ابراهیمی ترکمان و ... رونمایی شد.

دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی که

قرار بود از سفر به تهران برگردد تا به عنوان میزبان اصلی در این مراسم حضور پیدا کند، به دلیل تأخیری که در پروازش به وجود آمده بود، نتوانست در مراسم شرکت کند.

در این مراسم و پس از سخنرانی مبسوط استاد محمدعلی موحد در باب تصحیحی که از مثنوی معنوی انجام داده است، و همچنین صحبت‌های دکتر فتح‌الله مجتبائی درخصوص محقق شدن آرزوی زنده‌یاد دکتر مجتبی مینوی مبنی بر انتشار تصحیحی انتقادی از کتاب مثنوی معنوی و نیز بیان نکات دکتر مهدی سالارنسب درباره این تصحیح و اهمیت انجام و انتشار آن، کتاب یادشده با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر مهدی محقق، بهاء‌الدین خرمشاهی، علم معلم دامغانی و دکتر محمدعلی موحد، رونمایی شد. این تصحیح براساس ۱۱ نسخه صورت گرفته است که ۸ تا ۹ مورد آن، نسخه‌هایی هستند که طی ۳۰ سال پس از وفات مولانا یعنی تا آخر قرن هفتم هجری کتابت شده‌اند. استاد موحد در این کار، خود را مقید به نسخ قرنیه که مثنوی در آن سروده شده دانسته و پا از آن فراتر ننهاده است چرا که کلیه تحریفات و دستبردها به متن مثنوی نیز، پس از آن روی داده است. یکی از ویژگی‌های تصحیح دکتر محمدعلی موحد این است که با نسخه‌های کامل و یا ناتمامی که تا ۱۵ سال پس از فوت مولانا، کتابت و تاکنون شناخته شده‌اند؛ مثل نسخه قونیه و نسخه قاهره و ... کار تصحیح را با ذکر تمام نسخه بدل‌ها به انجام رسانده است.

این کتاب از سوی انتشارات هرمس به چاپ رسیده است.

در هشتمین آیین اعطای جایزه علمی دکتر کاردان از پنجاه سال خدمت علمی دکتر غلامعباس توسلی تقدیر شد

چهار رساله برگزیده دکتری رشته روان‌شناسی دانشگاه‌های کشور جایزه علمی دکتر کاردان اعطا شد.

در این آیین که با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر علی‌اکبر صالحی معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، دکتر احمد مسجد جامعی عضو

در آیین اعطای هشتمین جایزه علمی شادروان دکتر علیمحمد کاردان عضو پیوسته فقید فرهنگستان علوم که در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد، از بیش از پنجاه سال خدمت علمی آقای دکتر غلامعباس توسلی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد برجسته جامعه‌شناسی کشور تقدیر شد و در پایان به



شورای اسلامی شهر تهران و جمعی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور برگزار شد، در ابتدا آقای دکتر غلامعلی افروز دبیر جایزه علمی دکتر کاردان و آقای مهندس محمد کاردان فرزند شادروان دکتر علیمحمد کاردان به ایراد سخن پرداختند و از تشریف‌فرمایی حضار تشکر کردند. پس از آن آقای دکتر محمدامین قانع‌راد استاد جامعه‌شناسی در سخنانی اظهار داشت که تقدیر از آقای دکتر غلامعباس توسلی، تقدیر از خدمات ۵۰ ساله استاد جامعه‌شناسی فرهیخته‌ای است که اندیشه‌ای والا دارد. ایشان از دکتر توسلی سه تصویر ارائه کرد و گفت: تصویر اول این است که وی استاد، معلم و پژوهشگری است که برای دانشجویان باور به علم را ایجاد کرد و از دانشجویان خوب دفاع می‌کرد و با همه شاگردانش برخورد غیرسیاسی و غیرخطی داشت و تنها به ویژگی‌های علمی آنان توجه می‌کرد. دکتر قانع‌راد اضافه کرد: دکتر توسلی شخصیت سیاسی بود که همیشه بین علم و سیاست تمایز قائل می‌شد. دکتر توسلی به عنوان یک استاد و معلم، دانشجویان و استادان برجسته‌ای را تربیت کرد که امروز در بخش‌های مهم مدیریتی و اجرایی کشور حضور دارند. وی درباره تصویر دوم از دکتر توسلی گفت: او تاریخ جامعه‌شناسی پس از انقلاب ما است و تاریخ این رشته مدیون وی است و سرنوشت جامعه‌شناسی در غیاب ایشان به نظر من جور دیگری می‌بود. او مدافع این رشته بود و چانه‌زنی‌های متعددی باعث شد که این رشته در کشور نهادینه شود. دکتر قانع‌راد اضافه کرد: جامعه‌شناسی در بعد از انقلاب فرهنگی در نوک حمله قرار داشت و هنوز این رشته مورد بی‌لطفی قرار دارد ولی دکتر توسلی همیشه با صبر و حوصله کار دفاع از جامعه‌شناسی را به عهده داشت که در بقیه رشته‌ها هم تأثیرگذار بود. وی گفت: ما یک جنگ علمی را در این رشته طی کردیم و هنوز هم ادامه دارد و از این نوع جامعه‌شناسی متین و بی‌ادعا که مناسب با نیازهای کشور هم بوده است، همیشه دکتر توسلی دفاع می‌کرد. دکتر قانع‌راد درباره تصویر سوم از آقای دکتر توسلی گفت: او یک استاد فرهیخته بود و فراتر از یک معلم و یک رشته به دانش نگاه فرهنگی داشته و دارد در صورتی که ما امروز شاهد چندپارگی در دانش هستیم. وی با اشاره به اینکه دانشمندان باید نگاه میان‌رشته‌ای را در دانشگاه‌ها توسعه دهند، افزود: ظرفیت تولید علم در کشور ما بالاست



ولی ظرفیت فرهیختگی ما پایین است و این سخنان من برمبنای ۴۰ سال شاگردی دکتر توسلی است.

در ادامه این مراسم آقای دکتر فرهنگ ارشاد استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دکتر توسلی را یک فرد واقع‌بین، هوشمند و خودآگاه خواند و گفت: دکتر توسلی در همه حال از موقعیت جامعه‌شناسی دفاع می‌کرد، او همیشه با متانت و صبر و بدون تأثیرپذیری از اشاره‌های هیجانی کار خود را انجام می‌داد.

در ادامه این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد احمدی رئیس سازمان سمت و عضو وابسته گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم به بیان ویژگی‌های علمی دکتر توسلی پرداخت و گفت: پیوند ما با دکتر توسلی از زمان بازگشایی دانشگاه‌ها آغاز شد و ایشان بدون اینکه ادعایی داشته باشد زحمات فراوانی کشید. وی افزود: دکتر توسلی بنیانگذار کتاب‌های دانشگاهی جدید بود و سازمان سمت افزون بر ۱۹۰ جزوه در رشته‌های مختلف را که توسط وی و مرحوم دکتر علیمحمد کاردان و چند نفر دیگر از استادان تهیه شده بود به کتاب‌های دانشگاهی تبدیل کرد. به گفته وی دکتر توسلی و دکتر کاردان در حرکت جدید دانشگاه‌ها نقش اساسی داشته و اگر امروز مشکلات سیاسی و اقتصادی هم باشد باید قبول کنیم یک تحولی در دانشگاه ما پدید آمده است.

آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران آخرین سخنران این مراسم بود. ایشان در سخنان خود اظهار داشت: من ۶۰ سال با دکتر کاردان همدل و همکار بودم و از اینکه دکتر توسلی برای این جایزه انتخاب شده است، بسیار خوشحالم و این انتخاب، انتخاب درست و بجایی بوده است. ایشان

کجاست. وی گفت: دکتر کاردان تا آخرین روزهای حیات‌شان که بیمار بودند از علم غافل نبودند و آقای دکتر توسلی هم به رغم بیماری همچنان فعال هستند و گرچه سن من از دکتر توسلی بیشتر است ولی از کتاب‌های او چیزهای زیادی یاد گرفتم.

در ادامه مراسم آقای دکتر غلامعباس توسلی طی سخنان کوتاهی گفت: نمی‌دانم با چه زبانی از این الطاف بزرگوارانه تشکر کنم و از همه تشکر می‌کنم و امیدوارم همه کسانی که در گذشته با من بودند هرگونه ناراحتی یا کدورتی بوده، من را ببخشند و از همه دوستانی که از راه دور و نزدیک آمدند تشکر می‌کنم و دست همه را می‌بوسم.

در پایان مراسم لوح تقدیر و هدایایی از سوی فرهنگستان علوم، سازمان سمت، دبیرخانه جیزه علمی دکتر کاردان و ... به استاد توسلی اعطا شد. همچنین اسامی برندگان هشتمین جایزه علمی دکتر علیمحمد کاردان به شرح زیر اعلام و جوایزی به آنان اهداء شد:

- دکتر حسین نادعلی دانشگاه تهران
- دکتر مهناز قیاسی دانشگاه الزهرا
- دکتر زهرا رحیمی دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر منصوره فضیلتی دانشگاه تهران

پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد فلسفه روز سه‌شنبه پنجم دی‌ماه ۱۳۹۶، با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم، دکتر مصطفی رحمانی فضلی وزیر کشور، دکتر حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور، دکتر حسن بلخاری رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جمعی از استادان فلسفه

و همچنین علاقمندان به دکتر ابراهیمی دینانی در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم آقایان دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، دکتر نجفقلی حبیبی، استاد صدوقی‌سها، دکتر احمد رضا خضری، دکتر حسن بلخاری و دکتر حسام‌الدین آشنا سخنرانی کردند. در پایان مراسم لوح تقدیر و هدایایی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه تهران به استاد ابراهیمی دینانی اهداء شد.

افزود: کاری که دکتر توسلی کرد با دیگران تفاوت دارد. او به شقوق و شعبه‌های جامعه‌شناسی پرداخت و از علوم انسانی و علوم اجتماعی دفاع کرد و در تاریخ علوم اجتماعی نقش دکتر توسلی قابل انکار نیست. رئیس فرهنگستان علوم درباره خدمات دکتر کاردان هم گفت: کاری که دکتر کاردان برای علوم انسانی کرد بی‌نظیر است. او استاد تعلیم و تربیت بود. در روان‌شناسی تربیتی و حتی در فلسفه اجتماعی کتاب‌های خوب ترجمه کرد. دکتر داوری اردکانی در ادامه اظهار داشت: وقتی فرهنگ علمی نداشته باشیم علم هم به درد نمی‌خورد. دکتر کاردان فرهنگ علمی داشت و او ایران را می‌شناخت. وی با اشاره به اینکه دکتر کاردان استاد تعلیم و تربیت بود و کار اصلی کشور هم تعلیم و تربیت است، گفت: بدون تعلیم و تربیت هیچ کاری در این کشور اصلاح نمی‌شود و گرچه به همه علوم باید توجه کرد اما تعلیم و تربیت نباید مورد بی‌مهری قرار بگیرد. آقای دکتر داوری اردکانی یادآور شد: شأن معلم را حفظ کنیم و اینکه یک استاد به فکر رشته‌اش باشد این غنیمت است ما متأسفانه به علوم اجتماعی کم‌اعتنا و گاهی بی‌اعتنا هستیم، در صورتی که علوم اجتماعی اصل است، برای اینکه علوم اجتماعی می‌گوید جای علوم مختلف



تجلیل از دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مراسم بزرگداشت آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو



اخبار و گزارش‌ها

برگزاری گردهمایی سالانه جامعه مهندسی صنایع ایران در فرهنگستان علوم

گردهمایی سالانه جامعه مهندسی صنایع ایران روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ به ریاست آقای دکتر محمد مدرس یزدی رئیس شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم در محل این فرهنگستان برگزار شد.

در ابتدای نشست آقای دکتر محمد مدرس یزدی ضمن خیرمقدم‌گویی، گزارشی درباره ساختار فرهنگستان علوم و بخشی از فعالیت‌های شاخه مهندسی صنایع گروه علوم مهندسی فرهنگستان ارائه کرد و اهداف گردهمایی را برشمرد. در ادامه آقای دکتر عبدالله آقایی عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی درباره «چابکی سازمانی با تأکید بر دانشگاه آینده» سخنانی ایراد نمود.

سپس آقای دکتر کوروش عشقی استاد دانشگاه صنعتی شریف به «بررسی رشته مهندسی صنایع با نگاه به وضعیت شغلی و گرایش‌های کارشناسی ارشد» پرداخت. وی در سخنان خود توضیحاتی درباره «آینده مهندسی صنایع»، «وضع فعلی مهندسی صنایع در بازار کاری ایالات متحده و ایران»، «وضع فعلی رشته مهندسی صنایع در دانشگاه‌های ایالات متحده»، «دوره‌های کارشناسی ارشد مهندسی صنایع در دنیا» و... بیان کرد.

در سخنرانی بعدی، آقای دکتر مهدی بشیری همکار مدعو شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه شاهد درباره «روند حرکت پژوهشی مهندسی صنایع» سخنرانی کرد و با مرور گذرا به سه مطالعه انجام‌شده در زمینه روند پژوهشی مهندسی صنایع، موضوع تحقیق در عملیات و نگاهی به روند پژوهشی این حوزه طی سال‌های اخیر، درباره منابع و شیوه گردآوری اطلاعات توضیحاتی بیان نمود و با ارائه نمودارهای متناظر، تغییرات صنایع پیرامون و آنچه که در کارگروه می‌توان دنبال نمود را برشمرد.

آقای دکتر مهدی فتح‌الله رئیس انجمن مهندسی صنایع ایران سخنران بعدی مراسم بود که درباره «مهندسی صنایع و خدمات» توضیحاتی بیان کرد. وی با اشاره به «واقعیت‌هایی که باید پذیرفت» و «سند چشم‌انداز کشور»، روند ارزش افزوده بخش خدمات در سطح جهان بر حسب هزار میلیارد دلار به قیمت جاری را برشمرد و تصریح کرد که تقاضای رو به رشد بازار داخلی برای خدمات، از فرصت‌های جدیدی برای توسعه این بخش حکایت دارد. وی ضمن جمع‌بندی واقعیت‌های آماری و بیان نمونه مسائل بخش خدمات، به مهمترین زیربخش‌های خدمات و چالش‌های مهندسی صنایع پرداخت و درباره آینده مهندسی صنایع، جهت‌گیری‌های آینده مهندسی صنایع و برخی مهارت‌های مهندسی صنایع مورد نیاز در بخش خدمات توضیحاتی ارائه کرد و در نهایت برخی راه‌حل‌ها را برشمرد. آقای دکتر امیرالدوی عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر دیگر سخنران این گردهمایی بود که درباره «مهندسی صنایع و کریدور کارآفرینی» توضیحاتی بیان کرد و درباره «دانشگاه نسل سوم»، «دوره مشترک زیست کارآفرینی»، «BEC چیست؟»، «محتوای آموزشی کریدور کارآفرینی BEC» سخنانی ایراد نمود و در پایان به بیان دستاوردها پرداخت. در سخنرانی بعدی، آقای دکتر محمدرضا اکبری جوکار همکار مدعو شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی شریف درباره «ضرورت نقش‌آفرینی مهندسان صنایع در بهبود جایگاه لجستیک کشور» توضیحاتی بیان کرد.

وی ضمن اشاره به اهمیت لجستیک و ظرفیت‌های لجستیکی ایران به تبیین وضعیت موجود پرداخت و با برشمردن برخی تکنیک‌های مهندسی صنایع و بهینه‌سازی، درباره آینده لجستیک سخنانی ایراد کرد. در پایان جلسه، اعضای حاضر به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح‌شده در نشست پرداختند.



دکتر رضا فرجی دانا

مشاور علمی رئیس جمهور شد

طی حکمی از سوی آقای دکتر حسن روحانی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر رضا فرجی دانا به سمت «مشاور علمی رئیس جمهور» منصوب شد.

متن حکم رئیس جمهوری بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر رضا فرجی دانا

نظر به مراتب تعهد، توان علمی و سوابق ارزنده جناب عالی، به موجب این حکم به عنوان «مشاور علمی رئیس جمهور» منصوب می شوید.

توفیق شما را در انجام وظایف محوله با رعایت اصول قانون مداری، اعتدال گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید در خدمت به اسلام و ملت شریف ایران از خداوند بزرگ مسألت می نمایم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران».

آقای دکتر فرجی دانا استاد پردیس دانشکده های فنی دانشگاه تهران، عضو وابسته و رئیس شاخه مهندسی برق و کامپیوتر گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم است. از سوابق مدیریتی دکتر فرجی دانا می توان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ریاست دانشگاه تهران اشاره کرد.



میزگرد شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم

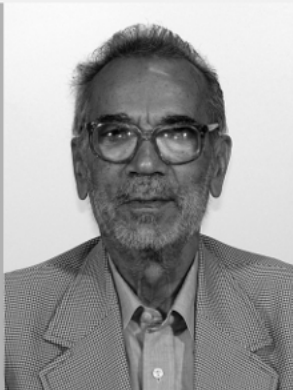
در چهاردهمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع

در چهاردهمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع که در تاریخ ۱۸ و ۱۹ بهمن ۱۳۹۶ برگزار شد، میزگردی به شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی تخصیص یافت. این میزگرد با

حضور تعداد زیادی از شرکت کنندگان که عمدتاً اعضای هیئت علمی دانشگاه ها بودند برگزار شد. در این نشست اعضای شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم قسمتی از مطالعاتی که در این شاخه در مورد آینده دانشگاه ها، دانشگاه های نسل سوم و چهارم و همچنین روند حرکت مهندسی و به ویژه مهندسی صنایع انجام شده بود، ارائه کردند. در این جلسه ابتدا آقایان دکتر مدرس یزدی، دکتر آقائی، دکتر عشقی و دکتر البدوی در مورد نقش و جایگاه فرهنگستان، ویژگی های روند تغییرات دانشگاه ها در آینده، قابلیت تغییرات سریع همزمان با تغییرات تکنولوژی یا به عبارت دیگر چابکی دانشگاه ها، کریدور کارآفرینی و کسب مهارت دانشجویان و همچنین تجربیات دانشگاه ها در این زمینه، روند حرکت مهندسی صنایع در دنیا و کشور مطالعات خود را ارائه کردند.

در ادامه حاضران دیدگاه ها و رهنمودهای خود در مورد وضعیت فعلی و نگرانی هایی را مطرح کردند که مورد بحث قرار گرفت.





یک سال از درگذشت استاد دکتر علی شریعتمداری گذشت

۱۳۵۸ فعالیت خود را به عنوان استاد تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم تهران آغاز کرد. سرپرستی گروه علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سرپرستی گروه‌های برنامه‌ریزی در شورای عالی برنامه‌ریزی، کمیته علوم تربیتی، شورای خبرگان بدون مدرک، عضویت در هیأت مرکزی گزینش استاد، عضویت در شورای پژوهش‌های علمی کشور و ریاست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از جمله سوابق علمی-اجرایی ایشان بوده است. وی سابقه عضویت در هیأت‌رئیس انجمن‌های ایرانی تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، و نیز انجمن روان‌شناسی ایران را هم داشت. مرحوم دکتر شریعتمداری دارای آثار متعددی است که از آن جمله می‌توان به تألیف ۲۲ کتاب، ترجمه ۶ کتاب و تألیف ۷۰ مقاله اشاره کرد. این عضو پیوسته فرهنگستان علوم در ۲۰ دی ۱۳۹۵ در سن ۹۳ سالگی در شهر شیراز دیده از جهان فروبست و پیکر آن مرحوم در ۲۳ دی ماه از دانشگاه خوارزمی تهران به سمت قطعه ۱۱۰ بهشت زهرا (س) تشییع و در آنجا به خاک سپرده شد.

یکی از نخستین پیام‌های تسلیت به مناسبت درگذشت شادروان دکتر علی شریعتمداری، توسط رئیس فرهنگستان علوم ایران آقای دکتر رضا داوری اردکانی صادر شد.

وی در پیام خود ضمن ابراز تأسف از درگذشت نخستین رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران نوشت: «دکتر شریعتمداری در حوزه تعلیم و تربیت صاحب‌نظر بود و در مدتی بیش از نیم قرن کتاب‌های خوبی نوشت و دانشجویان فاضل در سایه تعلیم و تربیت او پرورده شدند. نظر خاص دکتر شریعتمداری که همواره بر

با وجود گذشت یکسال از درگذشت استاد فقید دکتر علی شریعتمداری عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، یاد و نام و آثار ارزشمند ایشان همچنان سرآمد حوزه تعلیم و تربیت کشور است. زنده‌یاد دکتر علی شریعتمداری در سال ۱۳۰۲ در شیراز دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آن شهر به پایان رساند و موفق به اخذ درجه لیسانس در دو رشته «فلسفه و علوم تربیتی» در سال ۱۳۳۲ و «علوم قضایی» در سال ۱۳۳۵ شد. وی کارشناسی ارشد رشته آموزش متوسطه را در سال ۱۳۳۶ از دانشگاه میثیگان و دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی را در سال ۱۳۳۸ از دانشگاه تنسی دریافت کرد. دکتر علی شریعتمداری خدمات آموزشی خود را از آموزش و پرورش آغاز کرد و در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۸ به عنوان آموزگار و از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ به عنوان دبیر به تدریس پرداخت. دکتر شریعتمداری از سال ۱۳۳۹ به عنوان دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شیراز و از سال ۱۳۴۳ به عنوان استاد علوم تربیتی دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ به عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های ایندیا و تنسی نیز تدریس کرد. وی پس از بازگشت به ایران به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد. شادروان دکتر علی شریعتمداری، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی دولت موقت و شورای انقلاب، وزیر علوم و فرهنگ و ارشاد شد. در سال ۱۳۵۹ به فرمان امام خمینی (ره) عضو ستاد انقلاب فرهنگی شد و در سال ۱۳۶۳ با حکم امام خمینی (ره) به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمد. دکتر علی شریعتمداری از سال

لزوم عملی شدنش تأکید و اصرار داشت، اصلاح روش آموزش بود که حل همه مسائل تعلیم و تربیت را در گرو عملی شدن آن می‌دانست. امیدواریم که شرایط برای عملی شدن این طرح مهم فراهم شود و آرزوی استاد فقید، جامه تحقق پوشد».

آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم نیز به مناسبت درگذشت آقای دکتر علی شریعتمداری اظهار داشت: «مرحوم جناب آقای شریعتمداری انسانی بسیار دلسوز و معلمی خدمتگزار بود که دغدغه اسلام و ایران در سراسر وجودش موج می‌زد. از بدو تأسیس ستاد انقلاب فرهنگی بنده در گروه علوم پایه آن ستاد به خدمت مشغول شدم و ارتباط بنده با ایشان به عنوان یک عضو

مؤثر در ستاد انقلاب فرهنگی از آن زمان آغاز شد. از سال ۱۳۶۹ و تجدید ساختار فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با ریاست ایشان، ارتباط ما بیشتر و عمیق‌تر شد». دکتر گلشنی درباره ابعاد شخصیتی دکتر شریعتمداری نیز می‌گوید: «ایشان فردی متشرع، باتقوا و سلیم‌النفس بود. دغدغه نسبت به حوزه حیاتی و سرنوشت‌ساز تعلیم و تربیت در سراسر وجود ایشان مشاهده می‌شد و همواره نسبت به کاستی‌های این حوزه حساسیت داشت». یاد و نام مردی که به پاس خدمات علمی و فرهنگی، مدال درجه یک علمی و نشان درجه یک تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را دریافت کرد گرامی باد.



با گرامیداشت اولین سال درگذشت استاد دکتر مصطفی سهراب‌پور

جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی برگزار شد

روز چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۶، جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم با گرامیداشت اولین سال درگذشت شادروان آقای دکتر مصطفی سهراب‌پور استاد فقید مهندسی هسته‌ای دانشگاه صنعتی شریف و عضو وابسته فقید فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

در بخش نخست این جلسه، با حضور خانواده شادروان آقای دکتر مصطفی سهراب‌پور، ضمن بیان ویژگی‌های ممتاز علمی و اخلاقی آن استاد فقید، یاد و خاطره ایشان گرامی داشته شد. در این بخش آقایان دکتر سعید سهراب‌پور رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، دکتر جلال شایگان به نمایندگی از شاخه محیط‌زیست فرهنگستان علوم و دکتر غفرانی به نمایندگی از دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف سخنانی ایراد کردند.

همچنین متن لوح تقدیر ریاست فرهنگستان علوم به پاس خدمات

برجسته علمی و پژوهشی شادروان آقای دکتر سهراب‌پور، توسط آقای دکتر جلال شایگان قرائت شد. آقای مهندس احسان سهراب‌پور فرزند زنده‌یاد دکتر مصطفی سهراب‌پور هم در سخنانی ضمن تشکر از رئیس و اعضای فرهنگستان علوم، به بیان ویژگی‌های ممتاز شخصیتی استاد سهراب‌پور پرداخت. در این بخش همچنین کلیپی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران درباره استاد سهراب‌پور ساخته شده بود، پخش شد.

در پایان این بخش توسط آقایان دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان و دکتر سعید سهراب‌پور رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، یک جلد کلام‌الله مجید، لوح تقدیر ریاست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و هدیه‌ای، به خانواده شادروان دکتر سهراب‌پور اهداء شد. آقای دکتر سعید سهراب‌پور همچنین لوح تقدیر ریاست دانشگاه صنعتی شریف را به خانواده مرحوم دکتر

مصطفی سهراب پوراهداء کرد.

در ادامه این جلسه آقایان دکتر محمد شاهی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم و دکتر جلال شایگان در مورد دغدغه کمبود آب و خشکسالی و مدیریت تهیه منابع آب مطالبی بیان کردند. پس از آن سه سخنرانی پیرامون «پیوند آب، انرژی و غذا» ایراد شد.

در سخنرانی نخست، آقای دکتر رامین روشندل عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف درباره «نقش فناوری گلخانه در سیستم‌های آب، غذا و انرژی» مطالبی بیان کرد. ایشان مبحث امنیت آب، غذا و انرژی یعنی در دسترس بودن، سالم بودن و کیفیت آنها را مهم قلمداد کرد.

آقای دکتر ولی‌اله بنی‌عامری مجری طرح توسعه گلخانه‌های کشور سخنران دوم بود که گزارشی از «وضعیت جاری و چشم‌انداز آتی توسعه گلخانه‌های کشور» ارائه کرد. ایشان ضمن بیان ویژگی و

ضرورت و اهمیت توسعه گلخانه‌های کشور، سیاست‌های اصلی، اهداف و برنامه‌های توسعه گلخانه را توضیح داد.

آقای دکتر قاسم زارعی رئیس بخش تحقیقات مهندسی گلخانه مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی آخرین سخنران جلسه بود که تحت عنوان «وضعیت مصرف آب و انرژی در گلخانه‌های ایران و جهان» سخنانی ایراد کرد. ایشان برای توسعه گلخانه، سه مبحث مکان‌یابی صحیح برای احداث گلخانه‌ها، انتخاب سازه مناسب و مدیریت تولید و نهاده‌های تولیدی را مهم ارزیابی کرد.

در ادامه مراسم حاضران به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح‌شده پرداختند و سخنرانان به پرسش‌ها پاسخ دادند. آقای دکتر محمد حسن پنجه‌شاهی رئیس شاخه مهندسی محیط‌زیست و انرژی فرهنگستان نیز به جمع‌بندی مطالب پرداخت. در پایان مراسم، توسط آقای دکتر شاهی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم، لوح تقدیری به سخنرانان اهداء شد.



عضویت دکتر سیامک یاسمی در TWAS

آقای دکتر سیامک یاسمی استاد دانشگاه تهران و همکار مدعو شاخه ریاضی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو دائم فرهنگستان علوم جهان (TWAS; The World Academy of Sciences) انتخاب شد.

هم‌اکنون از هزار و صد و هشتاد و یک عضو این فرهنگستان، تعداد چهارده عضو، از کشور ایران حضور دارند. از میان این چهارده عضو، چهار عضو در شاخه فیزیک، چهار عضو در شاخه شیمی، چهار عضو در شاخه پزشکی، یک عضو در شاخه مهندسی و یک عضو در شاخه کشاورزی حضور دارند. دکتر سیامک یاسمی اولین عضو ایرانی در شاخه ریاضی فرهنگستان علوم TWAS می‌باشد.

خبرنامه فرهنگستان علوم این موفقیت را به آقای دکتر یاسمی و جامعه علمی کشور تبریک می‌گوید.



دیدار هیأتی از دانشگاه صوفیا با رئیس و مقامات فرهنگستان علوم

صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۲۷، قائم مقام و معاون دانشگاه صوفیا بلغارستان و چند تن از رؤسای دانشکده‌ها و استادان آن دانشگاه به همراه سفیر بلغارستان در تهران با حضور در فرهنگستان علوم، با آقای دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان و چند تن از مقامات فرهنگستان دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار آقایان پروفسور گئورگی والچف قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه صوفیه، پروفسور مادلن دانوا رئیس دانشکده زبان شناسی تاریخی، پروفسور ایوو پانف، رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه صوفیه و رئیس اتحادیه مترجمان بلغارستان، پروفسور دانیل دانوف استاد دانشکده تربیت معلم، دکتر علیرضا پورمحمد استاد بخش ایران‌شناسی و مدیر اجرایی مرکز مطالعات ایران، بالکان و اروپای مرکزی، آقای هریستو پولنداکوف سفیر بلغارستان در تهران و آقای ژبوکو کانچف، دبیر اول سفارت بلغارستان در تهران میهمان رئیس فرهنگستان علوم بودند.

آقایان دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان، دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان، دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان، دکتر جعفر توفیقی رئیس شاخه مهندسی شیمی فرهنگستان، دکتر حسن تاج‌بخش رئیس شاخه پاتولوژی فرهنگستان، دکتر حسن ظهور رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان، دکتر فتح‌الله مضطرزاده رئیس گروه

مطالعات آینده‌نگری علم و فناوری فرهنگستان، دکتر عباس منوچهری رئیس گروه مطالعات راهبردی علم و فناوری فرهنگستان، دکتر عبدالله نوروزی رئیس هیأت مؤسس مرکز مطالعات ایران بالکان و اروپای مرکزی و چند تن از مدیران و کارشناسان فرهنگستان در این جلسه حضور داشتند.

در ابتدای جلسه آقای دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان به میهمانان خیر مقدم گفت. ایشان درخصوص دیدار خود از آکادمی علوم بلغارستان و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری علمی با آکادمی مذکور سخنانی ایراد کرد و در ادامه ضمن اشاره به تفاوت‌های موجود در اهداف و ساختار سازمانی این فرهنگستان با آکادمی مذکور بر گسترش همکاری بین دو آکادمی و همچنین همکاری میان دانشگاه‌های دو کشور تأکید کرد.

آقای پروفسور گئورگی والچف قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه صوفیه نیز از دیدار هیأت بلغاری از فرهنگستان علوم اظهار خوشحالی کرد و توضیحاتی درخصوص دانشگاه صوفیه و ساختار سازمانی آن بیان نمود.

آقای دکتر جعفر توفیقی در این نشست مطالبی درباره نظام آموزش عالی ایران بیان کرد و آمار و اطلاعاتی درخصوص وضعیت علم در ایران و جایگاه آن در دنیا ارائه نمود.

آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد نیز در این جلسه توضیحاتی درباره گسترش علم الهیات در ایران بعد از انقلاب اسلامی بیان کرد. آقای دکتر حسن ظهور هم مختصری درباره ساختار فرهنگستان علوم و مرکز مطالعات فرهنگستان ارائه کرد.

در ادامه آقای پروفسور ایوو پانف رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه صوفیه مطالبی در زمینه پیشینه مرکز آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های کشور بلغارستان اظهار و ابراز امیدواری کرد تا در آینده دپارتمان زبان بلغاری در ایران هم تأسیس شود.

همچنین آقای دکتر یوسف ثبوتی سؤالاتی درخصوص تأثیر زبان فارسی بر زبان بلغاری مطرح کرد که میهمانان خارجی به آنها پاسخ دادند.

در پایان نشست هیأت بلغاری از کتابخانه و ساختمان فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بازدید کرد.



سمینار پژوهش در زیست‌شناسی

معتبر در ایران را معرفی کرد. ایشان همچنین آماری از جایگاه کمی و کیفی مقالات زیست‌شناسی ایران در میان کشورهای جهان ارائه کرد. به نظر ایشان عوامل تأثیرگذار بر افزایش کمی و کیفی مقالات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، بودجه دولتی و بخش خصوصی و همکاری تیمی هستند.

آقای دکتر سیدمهدی سیدی نیز تحت عنوان «پژوهش زیست‌شناسی در آینده» سخنرانی کرد. ایشان ضمن برشمردن ویژگی‌های پژوهش به اهمیت ترکیب علوم مهندسی و شیمی بر پایه زیست‌شناسی در جهان اشاره کرد و در ادامه آماری از تعداد فارغ‌التحصیلان زیست‌شناسی در ایالات متحده، تعداد پتنت‌ها در چین، ژاپن، کره و فرانسه ارائه نمود. ایشان در پایان چند پرسش بدین شرح مطرح کرد: چه کسی مراکز مختلف زیست‌شناسی در ایران را پیوند می‌دهد؟ کدام بخش از زیست‌شناسی ما در اولویت است؟ چه کسی این اولویت را تعیین می‌کند؟

پس از سخنرانی‌ها، بحث و پرسش و پاسخ در مورد چالش‌های پژوهش در حوزه‌های مختلف زیست‌شناسی ادامه یافت. در پایان هم آقای دکتر ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم نکاتی را خطاب به حضاران بیان کرد. ایشان تصریح کرد که اگر قرار باشد اولویتی برای زیست‌شناسی در کشور تعیین شود، همین گروه شما این کار را باید انجام دهد و بعد از آن تصمیم‌سازان پیگیر کارها خواهند شد و باید خودتان سعی کنید طی یک سال آینده اولویت‌های زیست‌شناسی در کشور را تعیین کنید.

سمینار شاخه زیست‌شناسی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم تحت عنوان «پژوهش در زیست‌شناسی» روز پنجشنبه، ۵ بهمن ۱۳۹۶، در سالن کنفرانس فرهنگستان علوم با حضور آقای دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان و چند تن از اعضای شاخه زیست‌شناسی فرهنگستان علوم و استادان و اعضای هیأت علمی رشته زیست‌شناسی دانشگاه‌های کشور برگزار شد. در ابتدا آقای دکتر سیدمهدی سیدی دبیر سمینار ضمن خوشامدگویی به حضاران، سخنرانان را معرفی کرد. پس از آن سه تن از استادان به ایراد سخنرانی پرداختند. آقای دکتر حسن ابراهیم‌زاده عضو پیوسته و رئیس شاخه زیست‌شناسی فرهنگستان علوم سخنان خود را تحت عنوان «تاریخچه پژوهش در زیست‌شناسی ایران» بیان کرد. ایشان دوره‌های مختلف زیست‌شناسی در ایران را شرح داد و سابقه فعالیت‌های پزشکی در جندی‌شاپور در زمینه تعلیم دانشجویان تا تأسیس بیمارستان در این مرکز برای شفای بیماران را توضیح داد. سپس فعالیت‌های مدرسه دارالفنون را که به همت امیرکبیر بنا شده بود بیان کرد. ایشان افزود که در آن دوره معلمان و استادان خارجی به این مدرسه آمدند و به تدریس پزشکی، دامپزشکی و علم معدن پرداختند تا در نهایت پس از جمع‌چند مدرسه و دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران تأسیس شد.

آقای دکتر وحید نیکنام سخنران دوم سمینار بود که تحت عنوان «تولیدات علمی زیست‌شناسی» سخنرانی ایراد کرد. ایشان ابتدا نحوه ارزیابی مقاله علمی را بیان نمود و پس از آن تعدادی از مجلات



برگزاری جلسه شورای علمی مرکز مطالعات فرهنگستان با حضور رئیس فرهنگستان

روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۶، پنجاه و دومین جلسه شورای علمی - مطالعاتی مرکز مطالعات فرهنگستان علوم با حضور آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم برگزار شد.

در این جلسه که آقایان دکتر حسن ظهور رئیس مرکز مطالعات، دکتر رضا مکنون معاون مرکز مطالعات، دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم، دکتر فتح‌اله مضطرزاده رئیس گروه مطالعات آینده‌نگری مرکز، دکتر فرشاد مؤمنی رئیس گروه مطالعات اقتصادی و اجتماعی مرکز، دکتر محمد رحیمیان رئیس گروه مطالعات میان‌رشته‌ای‌ها و علوم و فناوری‌های نوین مرکز، دکتر عباس منوچهری رئیس گروه مطالعات راهبردی مرکز، دکتر محمد اخوان رئیس کارگروه تعیین شاخص‌های علم و فناوری و نوآوری مرکز، دکتر بیژن‌زاده و دکتر مصداقی‌نیا اعضای حقیقی شورای علمی مرکز و دکتر غلامرضا زهتابیان رئیس کارگروه مدیریت ریزگردهای مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم حضور داشتند، گزارشی از فعالیت‌های گروه‌ها و کارگروه‌های تشکیل شده در مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم و برنامه‌های پیش رو ارائه شد.

ریاست فرهنگستان با بیان اینکه جمع اعضای شورای علمی مرکز، جمع مغتنمی است و می‌تواند مسئولان کشور را در راه توسعه یاری دهد، و ضمن تشکر از فعالیت‌های خوبی که گروه‌ها و کارگروه‌های مرکز برنامه‌ریزی کرده‌اند، بیاناتی با موضوع علم و آینده کشور ایراد کرد. آقای دکتر داوری اردکانی با تأکید بر اینکه از قرن هفدهم و با ظهور مدرنیته، مسئله آینده مطرح شده است، اظهار داشت که در عالم کنونی، علم، علم آینده است و علم و آینده با هم هستند و این‌طور نیست که علم وسیله‌ای برای آینده باشد. رئیس فرهنگستان علوم افزود: یکی از موضوعات مهم کشور ما این است که ما مسئله نداریم و بنابراین طلب هم نداریم. وظیفه ما در فرهنگستان این است که مسائل را مطرح کنیم. ایشان از مرکز مطالعات فرهنگستان خواستند که گزارش این نشست و فعالیت‌های انجام شده را تنظیم کنند تا برای رئیس محترم جمهوری ارسال شود.

در پایان مقرر شد گزارشی از نظرات و دغدغه‌های بیان شده درباره وضعیت کشور تهیه و تنظیم شود تا طی نامه‌ای برای رئیس فرهنگستان ارسال شود. قرار شد در ادامه بیانیه‌ای نیز تنظیم شود.



سفر اعضای شاخه محیط‌زیست فرهنگستان به بوشهر

به دعوت پژوهشکده محیط‌زیست دانشگاه خلیج فارس بوشهر و با همکاری و هماهنگی نیروگاه اتمی بوشهر، تعدادی از اعضای شاخه بین‌گروهی محیط‌زیست و شاخه مهندسی محیط‌زیست و انرژی فرهنگستان علوم، از تاریخ ۹۶/۱۱/۳ الی ۹۶/۱۱/۶، به منظور بازدید علمی، به بوشهر سفر کردند.

اعضای شاخه محیط‌زیست فرهنگستان علوم روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۱۱/۴ در برنامه نشست تخصصی محیط‌زیست دانشگاه خلیج فارس شرکت کردند. این نشست با حضور ریاست دانشگاه و تعدادی از اعضای هیأت علمی دانشگاه برگزار شد. در این سفر همچنین اعضای شاخه محیط‌زیست فرهنگستان علوم در زمینه‌های مختلف سخنرانی ایراد کردند. بازدید از مکان‌های تاریخی و باستانی و بندرگاه بوشهر در بعدازظهر روز ۹۶/۱۱/۴ از دیگر برنامه‌های سفر بود. روز پنجشنبه ۹۶/۱۱/۵ به دعوت ریاست نیروگاه

بوشهر اعضای فرهنگستان از این نیروگاه بازدید به عمل آوردند که بسیار مورد توجه قرار گرفت، به ویژه بازدید از مرکز تحقیقات محیط‌زیست نیروگاه و آشنایی با تجهیزات و تخصص‌های فوق‌العاده‌ای که برای کنترل و حفاظت محیط‌زیست در این مرکز به عمل آمد، موجب تحسین اعضای بازدیدکننده شد. اعضای شاخه محیط‌زیست فرهنگستان در پایان این بازدید تشکر و قدردانی خود را به حضور ریاست نیروگاه بوشهر و به ویژه آقای دکتر علی‌اکبر صالحی ریاست سازمان انرژی اتمی ایران که با این بازدید موافقت کرده بودند ابراز نمودند. همچنین اعضای بازدیدکننده از مسئولان دانشگاه خلیج فارس به ویژه آقای دکتر صنعتی، آقای دکتر مصلح ریاست دانشگاه خلیج فارس و سایر اعضای هیأت علمی که در این بازدید علمی و نشست تخصصی پذیرای شاخه محیط‌زیست فرهنگستان علوم بودند، تشکر و قدردانی کردند.



تقدیر از دکتر معماریان و دکتر نیکبخت بروجنی در آیین معرفی کتاب سال

در سی و پنجمین دوره معرفی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران که با حضور رئیس محترم جمهوری برگزار شد، کتاب «شکستگی در سنگ» تألیف آقایان دکتر حسین معماریان عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران و دکتر بهزاد تخمچی، از انتشارات دانشگاه تهران، در بخش علوم خاص؛ و کتاب «ایمنی‌شناسی» تألیف مایکل ج. دی و رونالد شولتز، ترجمه آقایان دکتر غلامرضا نیکبخت بروجنی عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران، دکتر محمدحسن متدین، دکتر محمد مهدی رنجبر، دکتر محمد خسروی و خانم دکتر عاطفه اسماعیل‌نژاد، از انتشارات دانشگاه تهران، در بخش علوم دامپزشکی، به عنوان کتاب شایسته تقدیر سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شدند.

دانشگاه شیراز و عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم یکی از ۱۰ استاد نمونه کشور در سال ۱۳۹۶ بود که از ایشان تجلیل به عمل آمد.

آقایان دکتر عادل آذر استاد دانشگاه تربیت مدرس، دکتر حسین آفریده استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دکتر حسین خادمی موعاری استاد دانشگاه صنعتی اصفهان، دکتر محمد دبیر مقدم استاد دانشگاه علامه طباطبائی، دکتر حسین سرپولکی استاد دانشگاه علم و صنعت ایران، دکتر محمدحسن سعیدی استاد دانشگاه صنعتی شریف، دکتر داود نعمت اللهی استاد دانشگاه بوعلی سینا، دکتر منیجه شهنی نیلاق استاد دانشگاه شهید چمران اهواز و دکتر کمال الدین قرنجیگ استاد مؤسسه پژوهشی علم و فناوری رنگ و پوشش از دیگر برگزیدگان بیست و ششمین آیین نکوداشت اعضای هیأت علمی نمونه کشوری بودند.

طی بیست و پنج دوره گذشته برگزاری این آیین، ۳۸۴ نفر از استادان از ۴۱ دانشگاه کشور به عنوان استاد نمونه انتخاب شده‌اند.



انتخاب دکتر ناصر طالب بیدختی به عنوان استاد نمونه کشور

در بیست و ششمین آیین نکوداشت اعضای هیأت علمی نمونه کشوری که با حضور آقای دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، ۱۰ عضو هیأت علمی نمونه کشوری معرفی و تجلیل شدند.

آقای دکتر ناصر طالب بیدختی استاد مهندسی عمران و محیط زیست

تقدیر از دکتر علیرضا کوچکی در جشنواره رضوی



در جشنواره علمی رضوی که با حضور استاندار خراسان رضوی در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۹۶ برگزار شد از ۳۹ استاد و دانشجوی برگزیده علمی پژوهشی استان خراسان رضوی تجلیل به عمل آمد.

آقای دکتر علیرضا کوچکی عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه فردوسی مشهد از جمله برگزیدگان این جشنواره بود که با اعطای نشان ویژه استاد برگزیده، از وی تجلیل شد.

آقای دکتر محمد صالح مصلحیان استاد گروه ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد و همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم نیز از دیگر برگزیدگان این جشنواره بود که با اعطای نشان از ایشان تجلیل به عمل آمد.





تجلیل از برگزیدگان مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶

علوم گفت: تلاش شده است تا افراد برگزیده از شخصیت‌های برجسته و مورد اعتنای جامعه علمی کشور انتخاب شوند. در ادامه سه استاد برجسته مهندسی کشور، سه مهندس برجسته کشور، و ۶ پژوهشگر جوان برجسته مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم به ایراد سخن پرداختند.

آخرین سخنران این مراسم آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم بود. ایشان ضمن تقدیر از کار خوبی که گروه علوم مهندسی در تجلیل و اعزاز استادان و پژوهشگران جوان و مهندسان برجسته انجام می‌دهد، تشویق نخبگان از سوی فرهنگستان علوم را یکی از وظایف اصلی فرهنگستان برشمرد و افزود که فرهنگستان با این انتخاب‌ها تلاش می‌کند آنان را به جامعه علمی و دانشگاهی و بخصوص جوانان معرفی کند.

دکتر داوری اردکانی در ادامه با اشاره به اینکه معنای کلمه مهندسی از «اندازه» می‌آید و اندازه همان عدل می‌باشد، بر این نکته تأکید کرد که در همه شئون جامعه و در کار علم اگر اندازه رعایت شود، آن جامعه و علم آن جامعه به تعادل می‌رسد و کوشش‌ها و پژوهش‌ها در جای خود قرار می‌گیرد.

رئیس فرهنگستان علوم در پایان بار دیگر روز مهندسی را به استادان حاضر در جلسه و به برگزیدگان تبریک گفت.

در پایان مراسم با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر مهدی بهادری نژاد، دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی، دکتر محمدرضا اسلامی،

مراسم بزرگداشت روز مهندسی و تجلیل از استادان برجسته، مهندسان برجسته و پژوهشگران جوان برجسته مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶، بعد از ظهر روز شنبه پنجم اسفندماه، همزمان با روز مهندسی، با حضور آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

در ابتدای این مراسم آقای دکتر سعید سهراب‌پور رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم با بیان اینکه در ۱۴ دوره انتخاب مهندسان برجسته و ۶ دوره انتخاب استادان برجسته مهندسی و پژوهشگران جوان برجسته مهندسی، تاکنون ۴۰ مهندس برجسته، ۱۶ استاد مهندسی و ۲۹ پژوهشگر جوان مهندسی منتخب این فرهنگستان بوده‌اند، از تشکیل اتاق فکر مهندسان برجسته در این فرهنگستان خبر داد و افزود: این افراد در زمان انتخاب استادان مدعو فرهنگستان در اولویت خواهند بود.

آقای دکتر جعفر توفیقی رئیس کارگروه انتخاب برگزیدگان مهندسی فرهنگستان علوم نیز در این مراسم، ضمن معرفی ۱۲ برگزیده مهندسی کشور، این افراد را شخصیت‌های برجسته علمی، پژوهشی و فنی و دارای سوابق برپار آموزشی و پژوهشی توصیف کرد و گفت: در انتخاب این افراد ضوابط دقیق علمی لحاظ شده است. دکتر توفیقی برخی محورهای مورد تأکید آیین‌نامه انتخاب مهندسان برجسته را عنوان کرد. رئیس کارگروه انتخاب برگزیدگان مهندسی فرهنگستان

برجسته در مهندسی مکانیک به عنوان سه مهندس برجسته کشور تقدیر به عمل آمد.

۶ پژوهشگر جوان برجسته مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۹۶ که از آن‌ها نیز تجلیل به عمل آمد عبارت بودند از آقایان: دکتر «حمید احمدی» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی عمران، دکتر «مجید پورانوری» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی مواد و معدن، دکتر «محمد صالح تواضعی» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی برق و کامپیوتر، دکتر «مهدی سلامی کلجاهی» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی شیمی، دکتر «عطاءالله طالع‌زاده» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی صنایع و دکتر «یاسر کیانی» پژوهشگر جوان برجسته در مهندسی مکانیک.

دکتر جعفر توفیقی و دکتر سعید سهراب‌پور، از ۱۲ برگزیده مهندسی منتخب فرهنگستان در سال جاری با اهدای لوح تقدیر و هدیه تجلیل به عمل آمد.

در مراسم گرامیداشت روز مهندسی سال ۹۶، از آقایان دکتر «مهرداد شکریه» استاد برجسته در مهندسی مکانیک، دکتر «سید محمدتقی فاطمی قمی» استاد برجسته در مهندسی صنایع و خانم دکتر «معصومه نصیری کناری» استاد برجسته در مهندسی برق و کامپیوتر به عنوان سه استاد برجسته مهندسی کشور تجلیل شد.

همچنین از مهندس «عبدالوهاب ادب آوازه» مهندس برجسته در مهندسی مواد و معدن، دکتر «محمد رضا پاکروان» مهندس برجسته در مهندسی برق و کامپیوتر و دکتر «محمد رضا ظهیر امامی» مهندس



تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور در سال ۱۳۹۶

در این مراسم ۶ مهندس برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور: آقایان مهندس علی عطار، دکتر رحیم اسلامی‌زاده، دکتر حسین بشارتی و مهندس کوروش اسد سنگابی به عنوان مهندسان برجسته کشاورزی کشور و آقایان مهندس مهدی قلی‌میار و دکتر داود نیک‌کامی به عنوان مهندسان برجسته منابع طبیعی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۶، معرفی و تجلیل شدند.

چهارمین دوره معرفی و تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور- منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶، روز چهارشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۶، با حضور رئیس فرهنگستان علوم، تعدادی از مسئولان و اعضای پیوسته و وابسته فرهنگستان علوم و جمعی از استادان دانشگاه‌ها و خانواده‌های مهندسان برجسته برگزار شد.



در آیین نکوداشت مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور، آقایان دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، ۶ برگزیده سال ۱۳۹۶ و دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم سخنرانی ایراد کردند.

دکتر عباس شریفی تهرانی ضمن خیرمقدم‌گویی به حاضران، در سخنانی داشتن منابع طبیعی و محیط‌زیست سالم برای جوامع انسانی را ضروری دانست. وی، امنیت غذایی را از موضوعات بسیار مهمی عنوان کرد که امروز سرلوحه فعالیت‌های جوامع مختلف قرار گرفته است. دکتر شریفی تهرانی با اشاره به اینکه، تولید بیشتر محصولات کشاورزی از نظر کمی و کیفی بسیار حائز اهمیت است، گفت: با بالا رفتن جمعیت نیازها بیشتر شده ضمن اینکه لازم است محصولات با کیفیت و عاری از هرگونه آلودگی شیمیایی و غیر شیمیایی به دست مصرف‌کننده برسد. رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم با تأکید بر اینکه، داشتن امنیت غذایی برای ایجاد آرامش سیاسی و اجتماعی جامعه بسیار ضروری است، گفت: از این رو حفاظت از منابع طبیعی از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. وی با بیان اینکه، خسارت بر منابع طبیعی و محیط‌زیست در بیشتر موارد سریع ظاهر نمی‌شود گفت: این زمانی بروز می‌کند که درمان آن بسیار مشکل است و البته اثرات آن با خشک شدن دریاچه‌ها و بروز ریزگردها مشاهده می‌شود که بر کشاورزی نیز اثرگذار هستند. استاد دانشگاه تهران افزود: هر چند در برخی موارد کشاورزی نیز بر منابع طبیعی و

محیط‌زیست خسارت وارد کرده اما باید بگوییم که منابع طبیعی سالم بدون فرسایش خاک و آلودگی آب لازم است در غیر این صورت کشاورزی پایدار همراه با خودکفایی نسبی میسر نمی‌شود. آقای دکتر شریفی تهرانی گفت: برای داشتن تولیدات کشاورزی سالم و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست، نیازمند فعالیت افرادی هستیم که علم را به عمل تبدیل کنند چون می‌توانند در حفظ منابع طبیعی و توسعه کشاورزی اثرگذار باشند. از این رو فرهنگستان علوم از این افراد تجلیل می‌کند.

وی با تأکید بر حفظ آمادگی لازم برای تحول در کشاورزی گفت: در این راستا آموزش باید متحول شود به نحوی که هم بروز باشد و هم نیاز جامعه را تأمین کند. بنابراین لازم است در این راستا برنامه داشته باشیم. امروز با مسائلی همچون تغییر اقلیم، کم‌آبی و خشکسالی روبرو هستیم که با این وجود آماده کردن زمینه برای کشاورزی پایدار دشوار است و بنابراین باید پژوهش‌ها در راستای کاهش اثرات این عوامل صورت گیرد زیرا کشاورزی علم کاربردی است و پژوهش نیز باید در این راستا باشد. رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم در پایان به آیین تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور اشاره کرد و گفت: از میان ۳۰ مهندس معرفی شده بعد از داوری ۶ مهندس به عنوان مهندسان برجسته انتخاب و معرفی شدند. وی خاطرنشان کرد: این چهارمین دوره تجلیل است و در سه دوره قبل ۱۳ مهندس برتر معرفی شده‌اند.

انتشار بروشور انگلیسی فرهنگستان علوم

بروشور انگلیسی فرهنگستان علوم توسط مدیریت روابط بین‌الملل فرهنگستان تهیه و منتشر شد. در این مجموعه گزارشی از اهداف و وظایف، ساختار سازمانی، ارکان، شوراها، گروه‌های علمی و شاخه‌های تخصصی، اعضای فرهنگستان، جوایز و نشان‌ها و ساختار مرکز مطالعات فرهنگستان به چاپ رسیده است.

اطلاعات انتشار یافته تا ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی می‌باشد.



شماره دوم نشریه نامه فرهنگستان علوم منتشر شد

شماره دوم از دوره جدید مجله «نامه فرهنگستان علوم» ویژه زمستان ۱۳۹۶، در ۲۰۸ صفحه منتشر شد. شماره نخست این مجله متکفل پرداختن به مسئله علم در معنای کلی آن بود. در شماره دوم دانش ریاضی و به عبارت بهتر علوم ریاضیات مطرح نظر قرار گرفته است. آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد سردبیر نشریه نامه فرهنگستان علوم در پیشگفتار این شماره می نویسد: «از منظری فکری و فلسفی باید اذعان داشت که همواره ریاضیات جایگاه بسیار مهمی در حکمت نظری، چه در یونان باستان، چه در عالم اسلام و چه در غرب دوره جدید داشته است. اگر چه امروز کمی از توجه به این علوم در دانشگاه های کشور کاسته شده است، اما این بی توجهی دلیلی بر بی اهمیتی دانش ریاضی نمی تواند باشد و به همین خاطر شماره دوم مجله نامه فرهنگستان علوم به ریاضیات اختصاص داده شده است».

در شماره دوم مجله نامه فرهنگستان علوم، مقالات متعددی از استادان و ریاضیدانان کشور منتشر شده است که هریک از آنها برای پی بردن به فلسفه ریاضی، تاریخ و پیشینه ریاضی، وضع

کنونی ریاضیات در کشور و همچنین افق پیش روی رشته ریاضی در ایران بسیار مفید است. اما این شماره هم، مانند شماره اول، میزگردی جذاب دربردارد که حاوی مباحث ارزنده ای است. این میزگرد که با حضور استادان تاریخ علم و استادان ریاضیات آقایان: دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر مهدی بهزاد، دکتر علیرضا مدقالچی، دکتر ضیاء موحد، دکتر مگردیچ تومانیان، دکتر محسن محمدزاده و دکتر مهدی زارع نهندی، به مدیریت سردبیر مجله برگزار شده، سیری از تاریخچه ریاضیات، از زمان پیدایش آن تا دوره انتقال آن به عالم اسلامی و همچنین نگارش کتب ریاضی و ایجاد رشته تحصیلی ریاضی در ایران، ارائه شده است که می تواند برای علاقمندان تاریخ و حتی تاریخ اندیشه نیز جالب باشد.

در این شماره علاوه بر سخن سردبیر، ۱۲ مقاله از استادان و صاحب نظران به شرح ذیل به چاپ رسیده است:

- ریاضی پژوهی در ایران تا جهان سال ریاضی ۲۰۰۰ (دکتر مهدی رجبعلی پور، عضو پیوسته فرهنگستان علوم)
- دانش ریاضی در چشم انداز آموزش دو فرهنگی (دکتر محمد امین قانعی راد، استاد جامعه شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)
- انجمن ریاضی ایران (دکتر مهدی بهزاد، عضو پیوسته فرهنگستان علوم)
- برخی از چالش های آموزش عالی در دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی (دکتر طاهر قاسمی هنری، استاد ریاضی دانشگاه خوارزمی)
- آیین زدایی از آیین نامه ارتقاء! (دکتر مسعود آرین نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان)
- علت های بیکاری فارغ التحصیلان ریاضیات در کشور (دکتر مگردیچ تومانیان، رئیس شاخه ریاضی فرهنگستان علوم)
- چالش های آموزش و پرورش (دکتر فریبرز آذریناه، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز و عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم)
- نشانه های یک نقطه عطف در تاریخ ریاضی (دکتر علی رضایی علی آباد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز)
- دلایل وجود افت ریاضی و برگزاری سمینار علوم ریاضی و چالش ها (سیده آزاده پروانه، دکتر علی رجالی، دانشگاه صنعتی اصفهان و خانه ریاضیات اصفهان)

- مسائل مبتلا به آمار (دکتر محمد قاسم وحیدی اصل، عضو هیئت علمی گروه آمار دانشگاه شهید بهشتی)

- المپیاد ریاضیات در ایران و جهان؛ ما از المپیاد چه می خواهیم؟ (دکتر امید نقشینه ارجمند، عضو هیئت علمی دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر دانشگاه صنعتی امیرکبیر)

- گزارش شرکت در برنامه همکاری علمی میان دو آکادمی علوم ایران و ایالات متحده (دکتر مگردیچ تومانیان، رئیس شاخه ریاضی فرهنگستان علوم)



انتشار هفتاد و پنجمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران

هفتاد و پنجمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران (ویژه پاییز ۱۳۹۶)، حاوی دستاوردها و مقالات صاحب نظران در حوزه آموزش مهندسی، به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منتشر شد. در این شماره ۷ مقاله از استادان و صاحب نظران مهندسی کشور به چاپ رسیده است. عناوین مقالات این شماره عبارتند از:

- زیست شناسی، رکن جدیدی در مهندسی شیمی؛ گذار از «مهندسی شیمی» به «مهندسی شیمی و زیست شناسی» (اردلان گنجی زاده، دکتر امید وحیدی و دکتر سید نظام الدین اشرفی زاده، دانشگاه علم و صنعت ایران)

- آینده نانو الکترونیک (دکتر محمد حسن آرام، طه رجب زاده، مجید عالی زاده و دکتر سینا خراسانی، دانشگاه صنعتی شریف)

- توسعه مهارت های آموزشی استادان مهندسی کشور (دکتر حسین معماریان، دانشکده فنی دانشگاه تهران، کرسی یونسکو در آموزش مهندسی، فرهنگستان علوم)

- کارایی سنجش علمی بر اساس شاخص مقاله در نظام آموزش فنی-مهندسی ایران (صادق جلالی، مرتضی مجرد، دکتر حسین معماریان و دکتر محمود شاه آبادی، دانشگاه تهران)

- تأثیر آموزش های کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان حضوری و مجازی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران (راضیه طهماسبی، دکتر مرتضی اکبری، مجتبی هوشمندزاده و اعظم آهنگر سله بنی، دانشگاه تهران)

- تبیین ظرفیت بالقوه در توسعه دانشگاه کارآفرین با مطالعه ای در دانشگاه مازندران (دکتر حمزه صمدی میارکلائی، حسین صمدی میارکلائی، دکتر کرم سینا و دکتر مسعود بسطامی)

- ارائه مدل به کارگیری شبیه سازی در فرآیند مدیریت پروژه های فنی-مهندسی توسعه محصول جدید در مراکز تحقیق و توسعه (صادق شهبازی، دکتر سید مجتبی سجادی و دکتر فریبرز جولای، دانشگاه تهران)

انتشار کتاب «وضعیت محیط زیست ایران»

به کوشش: دکتر مجید مخدوم

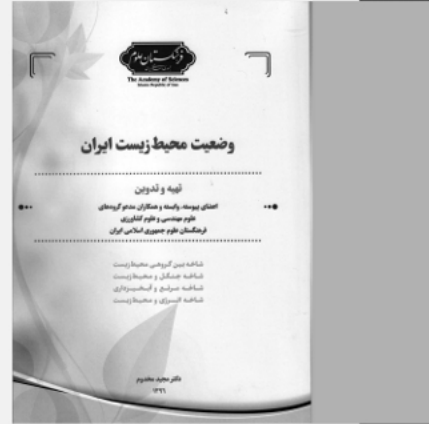
کتاب «وضعیت محیط زیست ایران» توسط اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه های علوم مهندسی و علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در شاخه محیط زیست، تهیه و تدوین شده است و به کوشش آقای دکتر مجید مخدوم تنظیم و در زمستان ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

این کتاب حاصل یک طرح پژوهشی است که در فرهنگستان علوم انجام شده است. کتاب مزبور شامل پیشگفتاری از آقای دکتر مجید مخدوم و گزارش های ارائه شده توسط اعضای فرهنگستان علوم است که به صورت ۱۲ مقاله به شرح ذیل منتشر شده است:

- جمعیت و بهداشت، دکتر سیمین ناصری



اخبار و گزارش ها



- سکونت گاه های انسانی، دکتر اسماعیل صالحی
- غذا و کشاورزی، دکتر بهمن یزدی صمدی
- اکوسیستم های منابع طبیعی با توان تجدید پذیری (جنگل، مرتع، آبخیزداری و بیابان)، دکتر محمود زبیری و دکتر حسن احمدی
- حیات وحش و زیستگاه ها، شادروان دکتر مصطفی سهراب پور
- انرژی، مواد، پسماند و پساب، دکتر مهدی پنجه شاهی و دکتر جلال شایگان
- آب شیرین، دکتر ناصر طالب بیدختی
- دریاها، دریاچه ها و سواحل، دکتر منصور طاهری انارکی و دکتر ناصر طالب بیدختی
- هوا سپهر و اقلیم، دکتر ناصر طالب بیدختی

- آموزش محیط زیست، دکتر مهدی سهرابی
- حسابداری و اقتصاد محیط زیستی، دکتر نغمه مبرقعی
- نظام های محیط زیست جهانی و تأثیر آن بر محیط زیست ملی (نهادهای سیاست ها)، دکتر پرویز دوامی.
- در انتهای کتاب، تجزیه و تحلیل و جمع بندی مطالب توسط دکتر مجید مخدوم صورت گرفته است.
- این کتاب در زمستان سال جاری در ۴۳۵ صفحه توسط انتشارات فرهنگستان علوم منتشر شده است.

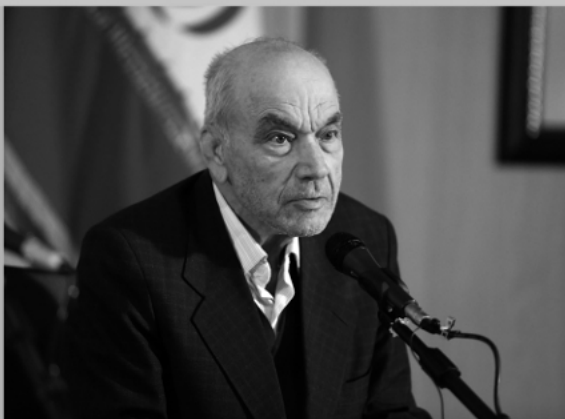
اخبار کوتاه

■ روز یکشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۳ یک جلسه سخنرانی تخصصی به همت گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم تشکیل شد. در این جلسه آقای دکتر افشین آخوندزاده بستی استاد دانشگاه تهران و عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم سخنانی با عنوان «مروری بر فرآورده های غذایی تراریخته با منشأ دامی» ایراد کرد.

■ روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۶ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم برگزار شد. در این نشست آقای دکتر حسن ظهور عضو پیوسته گروه علوم مهندسی و رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم گزارشی از فعالیت های مرکز مطالعات فرهنگستان از بدو تأسیس (فروردین ۱۳۹۴) تاکنون ارائه کرد. ایشان در سخنان خود ضمن اشاره به نحوه شکل گیری مرکز، اهداف، وظایف و ساختار آن، رؤس فعالیت های انجام شده و اهم برنامه های آینده مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم را شرح داد و در ادامه به بیان فعالیت های گروه ها و کارگروه های مرکز پرداخت.

■ از سلسله سمینارهای ادواری گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، سمینار افق های آینده مهندسی برق و کامپیوتر روز شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۷ در سالن شورای گروه علوم مهندسی برگزار شد. در این سمینار آقای دکتر ناصر یزدانی استاد دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر پردیس دانشکده های فنی دانشگاه تهران سخنرانی ایراد کرد. عنوان سخنرانی ایشان «شبکه های نرم افزار محور» بود.





پیام رئیس فرهنگستان علوم به همایش بین‌المللی:

فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی دانشگاه وین اتریش

در همایش بین‌المللی «فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی» در دانشگاه وین اتریش، پیام آقای دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با عنوان «فلسفه اسلامی و ارتباط ایران و اروپا» پخش شد. این پیام تصویری از طریق ویدیو کنفرانس در همایش مزبور پخش شد.

مشروح پیام رئیس فرهنگستان علوم بدین شرح است:

«باسمه‌تعالی؛ بسیار خوشوقتم که فرصت یافته‌ام نکته‌ای چند در باب گذشته و آینده وضع میان فرهنگی فلسفه دوره اسلامی با تأکید بر تفاوت‌های این فلسفه با فلسفه استادان یونانی بنیانگذار فلسفه بیان کنم. کاش می‌توانستم در مجلس گرمی شما حاضر شوم و ملاقات به یاد ماندنی با پروفیسور گئورگ اشتنگر را تجدید کنم و از محضر ایشان و دیگر استادان و صاحب‌نظران شرکت‌کننده در کنفرانس بهره‌مند شوم. می‌دانیم که فلسفه منشأ چه تحول بزرگی در تاریخ بشر بوده و اثر بزرگی در نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر و ظهور فرهنگ جهانی داشته است. درست است که اندیشه تاریخی در آغاز تفکر فلسفی جایی نداشته و در این اواخر و در دوره جدید ظاهر شده است اما فلسفه از آغاز، به زمان و تاریخ و فرهنگ تعلق داشته است. به آثار افلاطون و ارسطو نظر کنیم تا دریابیم که تفکر آنان آشکارا ناظر به پایداری یونانی برای طرح بهترین نحوه زندگی در بهترین مدینه ممکن بوده است. اگر ارسطو گفت الهیات اشرف علوم است زیرا که بی‌سودترین آنهاست نمی‌خواست بگوید که الهیات با وجود و زندگی بشر نسبت ندارد بلکه نظرش این بود که کمال آدمی نه در سود و سودا بلکه در گذشت از آنهاست. علم در نظر فیلسوف دانستنی‌های پراکنده و جدا از یکدیگر نیست بلکه یک وحدت است و این وحدت از بالاترین تا پست‌ترین مراتب وجود را در بر می‌گیرد. اسلاف ما در ایران نیز وقتی به فلسفه یونانی توجه کردند و آن را

فراگرفتند (و این توجه به فلسفه خود حادثه مهم و قابل تأملی است) در عین اینکه جوهر آن را حفظ کردند مبادی و مسائلی را با درک جهان خود دریافتند و تفسیر کردند. فلسفه اسلامی از تلاقی میان دو روح و دو فرهنگ که تفاوت ذاتی با یکدیگر داشتند به وجود آمد. تفاوت این دو روح را بعضی فیلسوفان و نویسندگان به صراحت ذکر و تصدیق کرده‌اند. در فلسفه اسلامی این دو روح به یکدیگر نزدیک شدند و امکان همسخنی پیدا کردند. با توجه به این معنی فلسفه اسلامی یک فلسفه میان فرهنگی است. بعد از افلاطون و ارسطو و از زمان رواقیان و افلوپین همه فلسفه‌ها میان فرهنگی است. منتهی در زمانی که تفکر دچار افسردگی و جمود و قشریت می‌شود، نیروی میان فرهنگی بودنش را از دست می‌دهد. اکنون این نیرو به ضعف دارد اما هنوز می‌توان به آن امید داشت. کاش اهل فلسفه می‌توانستند بنشینند و درباره وضع روحی و فکری جهان توسعه‌نیافته و نسبت این وضع با جهان متجدد غربی و مخصوصاً در باب شرایط امکان خروج از توسعه‌نیافتگی تأمل و تحقیق کنند. توسعه‌نیافتگی مسئله این یا آن منطقه جغرافیایی نیست بلکه سرنوشت جهان کنونی به آن بستگی پیدا کرده است. توسعه‌نیافتگی نه صرف یک وضع اجتماعی اقتصادی بلکه یک امر فرهنگی و مخصوصاً میان فرهنگی است. کشورهای توسعه‌نیافته میان قدیم و جدید مانده‌اند و به تفکری نیاز دارند که راه خروج از این وضع را به آنها



نشان دهد. به این جهت همه جهان و مخصوصاً ما برای آینده‌مان به فلسفه نیاز داریم و از آن نمی‌توانیم چشم‌پوشی امید برداریم.

چنانکه می‌دانید مابعدالطبیعه یونانی در بیرون از اروپا تنها در جهان ایرانی - اسلامی مورد توجه قرار گرفته و با این توجه فلسفه‌ای قوام پیدا کرده که در تاریخ هزار ساله‌اش در عین تعلق به تعالیم استادان یونانی طرحی دیگر در انداخته است. به همه مسائل مربوط به فلسفه یونانی و اسلامی در صفحات محدود نمی‌توان پرداخت. خوشبختانه مسائل فلسفه همه به هم بسته‌اند و می‌توان با ذکر اصول و مبادی فلسفه هر دوران و طرح کلی‌ترین مسائلیش جوهر و مقصد آن را درک و گزارش کرد. مشکل اینست که وقتی فلسفه به صورت مجموعه‌ای از مسائل و احکام درست درمی‌آید، دیگر به اصل و آغاز چنانکه باید توجه نمی‌شود. استادان فلسفه اسلامی مسائل و مبادی فلسفه خود را می‌شناسند اما اینکه فلسفه اسلامی بر مبنای کدام اصول و چگونه بنیاد شده است و اساسی‌ترین مسائل آن کدامند و از کجا آمده‌اند و مخصوصاً به تحولی که در زبان فلسفه و در تعبیر و قضایا به وجود آمده است، در نظرشان اهمیت چندان ندارد و به آن توجه نکرده‌اند. در مقابل بعضی از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان نیز فلسفه اسلامی را تقلیدی از فلسفه یونانی دانسته و وجوه اختلاف را به دستکاری در آراء یونانیان (به حکم رعایت اصول اعتقادی اسلامی و حفظ ظاهر) بازگردانده‌اند. کاش اینها یک بار از خود می‌پرسیدند که انگیزه جهان اسلام از توجه به فلسفه چه بود و این طلب از کجا آمد. جای انکار ندارد که فیلسوفان جهان اسلام، فلسفه را از یونانیان آموختند اما در مرحله آموزش متوقف نشدند و به علم آموختنی اکتفا نکردند بلکه با تنفس در هوای جهان خود و در هم‌سخنی با استادان یونانی تفکر کردند و به فلسفه‌ای که با فرهنگ ایرانی - اسلامی تناسب داشت رسیدند. در این تحول همچنان بحث در وجود و اعراض ذاتی آن بود. یعنی فیلسوفان جهان اسلام هم موضوع و مسائل فلسفه را وجود و اعراض ذاتی آن دانستند اما همه اینها در نظرشان جلوه‌ای تازه یافت. این جلوه با جهان ایرانی - اسلامی و فرهنگ آن مناسبت داشت و به تدریج این مناسبت و توافق به جایی رسید که فلسفه دیگر بیگانه نبود و حتی تعلیم آن در برنامه درسی مدارس دینی قرار گرفت و لااقل در کشور ما بومی شد.

در این بومی شدن طبیعی بود که کسانی جوهر جهانی بودن و میان فرهنگی بودن فلسفه را از یاد ببرند و مثلاً فلسفه دوره اسلامی را نه تطبیق فلسفه با اصول و اعتقادات اسلامی بلکه تفکری به کلی ممتاز از فلسفه یونانی و بی‌ارتباط با آن بدانند. در این اختلاف نه آنان که فلسفه اسلامی را یک بازی فکری و کوشش مصلحت‌اندیشانه دانستند عمق قضیه را درک کرده بودند و نه کسانی که این فلسفه را مستقل می‌انگاشتند به لوازم آنچه می‌گفتند توجه داشتند. فلسفه مجموعه احکام درست درباره اعراض ذاتی وجود نیست بلکه تفکری تاریخی است. فیلسوفان جهان اسلام اگر به اقتضای ملاحظات در فلسفه دخالت کرده بودند، فلسفه‌شان تعادل و تناسب و نظم نداشت و دوام و اعتبار تاریخی پیدا نمی‌کرد بلکه مجموعه‌ای ناهماهنگ از مباحث و مسائل می‌شد که چون بنیاد استوار نداشت کوچکترین باد مخالف آن را با خود می‌برد. پس کار فلسفه در جهان اسلام به صرف انتقال و ترجمه آثار فیلسوفان سلف پایان نیافت بلکه این رویکرد تاریخی به تفکر یونانی با تفسیر تازه‌ای که از مبادی شد به پدید آمدن صورت دیگری از فلسفه مؤدی شد. فیلسوفان جهان اسلام مسائل فلسفه یونانی را با نظر به مبادی تازه تفسیر کردند و فلسفه‌ای بنا نهادند که مثل هر صورت دیگری از فلسفه در نظر صاحبانش فلسفه مطلق و جهانی بود. به این قضیه هم توجه کنیم که فلسفه اسلامی در جهان اسلام راهی سخت و دشوار پیمود تا به منزل امن و آرامش نسبی برسد. فیلسوفان جهان اسلام در برابر مدعیانی که فلسفه را یونانی و بیگانه با حکمت ایمانی می‌خواندند از کلی بودن و حقیقی بودن فلسفه و مخصوصاً از یگانگیش با دین دفاع می‌کردند و آن را متعلق به یونان یا به فرهنگ خاص نمی‌دانستند. متقدمان تفکر تاریخی نداشتند و طبیعی بود که در باب نسبت فلسفه با تاریخ و فرهنگ هم چیزی نگویند. تقسیم فلسفه بر حسب دوران‌های یونانی و قرون وسطی و اسلامی و جدید در دوره جدید صورت گرفته است. در جنب این تقسیم فلسفه هزار ساله جهان اسلام را می‌توان فلسفه اسلامی - ایرانی خواند البته کسانی به این اعتبار که بیشتر آثار فلسفی دوره اسلامی به زبان عربی بوده است، صفت عربی به آن داده‌اند. اگر تا یک قرن پیش اختلاف در تقلیدی بودن و اصیل بودن فلسفه اسلامی بود؛ در دهه‌های اخیر نزاع درباره

اسلامی بودن و عربی بودن و ایرانی بودن نیز بر آن افراط و تفریط افزوده شده است. زمانی تعبیر فلسفه عربی بیشتر به کار می‌رفت و هنوز هم گاهی به زبان می‌آید اما در دهه‌های اخیر صفت اسلامی مقبولیت بیشتر یافته و وجه وجهش هم شاید این بوده است که فلسفه نه در کشورهای عربی و در میان دانشمندان عرب بلکه در جهان ایرانی- اسلامی یعنی در محدوده‌ای میان سیحون و خلیج فارس و سند و شام که زبان اکثریت مردمش زبان فارسی بود پدید آمده و تدوین و تعلیم شده و بسط یافته است. نکته مهم اینست که زبان اول جهان اسلام زبان عربی بود اما فیلسوفان چون فارسی زبان بودند به زبان فارسی فکر می‌کردند و به عربی می‌نوشتند. به هر حال اختلاف نظر در باب فلسفه دوره اسلامی هر چه باشد این اصل در آن مسلم گرفته شده است که فلسفه در عین کلی بودن و جهانی بودنش تعلق ذاتی به یک فرهنگ و شیوه زندگی دارد. فلسفه اسلامی مثل فلسفه یونانی که به قوام مدینه عادلانه (انسانی) نظر داشت به جایگاه انسان و زندگی او در یک نظام خدایی اما عقلی می‌اندیشید. بیان مطلب از این قرار است که فیلسوفان جهان اسلام طرح چستی موجودات و مفاهیم وجود و ماهیت و علت و علیت و حدوث و قدم و جوهر و عرض و تغییر و حرکت و سکون و نظام مدنی و فضائل اخلاقی را از یونانیان آموختند و به بعضی آراء و افکار اسکندرانیان و به طور کلی مباحثی که در طی پانصد سال پس از افلوپین در تاریخ فلسفه پیش آمده بود کم و بیش دسترسی پیدا کردند. در اینکه همه فیلسوفان در سراسر تاریخ دوهزار و پانصد ساله اخیر فلسفه را از یونانیان آموختند، تردید نمی‌توان کرد اما تفکر و حکمت اعم از فلسفه است و آثار آن همیشه و همواره در همه تاریخ‌ها می‌توان یافت. مطلب دشواریاب اینست که مباحث وجود و ماهیت و علیت و به طور کلی تفکر بحثی و استدلالی و طرح حکمت عملی و خرد سیاسی آورده یونانیان است. اگر کسانی یونانی بودن فلسفه را نمی‌پذیرند، اولاً تفکر و حکمت را با فلسفه و تفکر بحثی اشتباه می‌کنند و همه انحاء تفکر را در ذیل فلسفه قرار می‌دهند و ثانیاً می‌پندارند که یونانی دانستن فلسفه به معنی قبول استعدادی خاص در قوم و نژاد یونانی است و می‌گویند فلسفه مختص و متعلق به قوم خاص نیست ولی وقتی گفته می‌شود فلسفه آورده یونانیان

است به هیچ وجه اختصاص فلسفه به یونانیان تصدیق نمی‌شود. بلکه عرض این حکم بدیهی تاریخی است که یونانیان بخت آن را داشته‌اند که فلسفه در تاریخ آنان پدید آمده است. اگر فلسفه اختصاص به یونانیان داشت می‌بایست تفکر فلسفی در همان دیار ادامه یابد که چنین نشد. پس بنا را بر این بگذاریم که فلسفه به معنی تفکر بحثی آورده یونانیان است و نه فقط فیلسوفان جهان اسلام بلکه همه اقوام جهان فلسفه را از آنان آموخته و با آن بنای دیگری در زندگی و آینده گذاشته‌اند. فلسفه علمی نیست که آن را برای افزودن بر معلومات خود یا به کار بردنش در زندگی هر روزی بیاموزند. فلسفه درک و بیان نسبتی است که آدمیان میان خود و وجود و زمان و تاریخ می‌بینند و با این بینش راه خود را می‌یابند و می‌پیمایند. فیلسوفان جهان اسلام سخن استادان یونانی را تکرار نکردند بلکه با تلقی تازه‌شان از وجود و ماهیت طرح تازه‌ای در فلسفه در انداختند. آنها با تلقی تازه از وجود و تعریفی متفاوت که از امکان و ماهیت کردند، راه جمع میان دین و فلسفه را گشودند و احیاناً به بزرگان فلسفه قرون وسطی هم در پیمودن این راه مدد رساندند. وجود مطلق یا مطلق وجود در نظر فیلسوفان دوره اسلامی خدا بود و این خدا با خدایی که ارسطو آن را علت غایی می‌دانست تفاوت داشت. فارابی و ابن‌سینا و سهروردی و ملاصدرا که فیلسوفان بزرگ جهان اسلامند در مورد خدا و موجودات و سیاست نظر متفاوت با نظر ارسطو داشتند. ارسطو خدا را علت غایی می‌دانست و معتقد نبود که ماهیت موجود، گرچه وجودش ممکن است صرف یک امکان باشد. در نظر او ماهیت، ماهیت موجود است. فیلسوفان جهان اسلام به وجود و ماهیت و مفاهیم جوهر و عرض و علت و علیت و حتی اقسام چهارگانه علت و فضایل اخلاقی و سیاست مدنی معنی و مقام دیگر دادند. فی‌المثل اگر در نظر ارسطو از میان علل چهارگانه علت صوری و علت غائی اهمیت بیشتر داشت، در فلسفه اسلامی علت فاعلی اصل قرار گرفت تا آنجا که هر وقت در فلسفه اسلامی از علیت ذکر می‌شد میان می‌آید اگر قید و صفت صوری و غایی و مادی نداشته باشد مراد علت فاعلی است. این تفاوت‌ها و مخصوصاً تفاوتی که مدینه فارابی با مدینه‌های افلاطون و ارسطو داشت هنوز چنانکه باید درک نشده است. یک بار دیگر دو نظر به کلی مخالف و متضاد در مورد نسبت فلسفه اسلامی با

فلسفه یونانی را به یاد آوریم. یکی اینکه فلسفه اسلامی هیچ اصلاتی ندارد و تکرار حرف‌های یونانیان است و نظر دیگر که درست در مقابل آن قرار دارد اینکه فلسفه اسلامی به کلی مستقل از فلسفه یونانی و متفاوت با آن است. بنیانگذاران فلسفه اسلامی از تفاوت چیزی نگفته‌اند و نمی‌توانستند بگویند زیرا فلسفه درست را یکی و آن هم علم به اعیان اشیاء می‌دانستند و اختلاف‌ها در نظرشان ظاهری و عرضی بود. من از پنجاه سال پیش سعی کرده‌ام وجه انتقال فلسفه یونانی به عالم اسلام و قوام فلسفه اسلامی را فارغ از آراء مقبول و مشهور درک کنم و وجوه اختلاف و توافق دو فلسفه را مخصوصاً در نسبتی که هر یک با جهان خود دارند دریابم. بسیار دشوار است که مثلاً تفسیر تازه از الفاظ و مفاهیم انتزاعی مانند وجود و ماهیت را به تفاوت دو فرهنگ و دو جهان مربوط بدانیم. ارسطو ماهیت و وجود را در هویتشان از هم جدا نمی‌دانست و می‌گفت این دو در هویت متحدند و در تصور از هم جدا می‌شوند. اتفاقاً فیلسوفان جهان اسلام هم بر همین قولند اما می‌گویند وجود عارض ماهیت می‌شود و اگر این عروض نبود ماهیت موجود نمی‌شد و تحقق نمی‌یافت. مهم اینست که این مطلب ظاهراً جزئی، در یک زمینه کلی که در آن خدا دائرمدار همه چیز و علت العلل موجودات و مدبر نظم و قرار کارهاست طرح و دریافت شده است. ارسطو که می‌گفت وجود و ماهیت در خارج یکی هستند و هویت واحد دارند، نمی‌گفت که یکی عارض دیگری می‌شود. او می‌گفت ماهیت هست و اگر نباشد بحث از چیزی به نام ماهیت وجهی ندارد. در فلسفه اسلامی با طرح عروض وجود بر ماهیت و لاقتضا بودن ماهیت نسبت به وجود و عدم، نظام هستی و جهان بشری همه وابسته به واجب‌الوجودند. این تغییر هر چند در جهان اعتقاد به توحید و خلق از عدم، پدید آمده است، طرح و تدبیری نیست که فیلسوفان و متکلمان آن را به حکم مصلحت یا با قصد سازش و جمع فلسفه با دین یا ساختن یک نظام استدلالی برای دفاع از شریعت درانداخته و اندیشیده باشند. بلکه اقتضای نزدیک شدن تفکر فلسفی به دین و مقدمه و شرط لازم سکونت فلسفه در جهان دینی است. فلسفه دوره اسلامی از فارابی تا ملاصدرا و تا عصر حاضر بر خلاف آنچه بعضی معاصران گفته‌اند ایدئولوژی ایرانی - اسلامی نیست بلکه تفکر آزاد است. فیلسوفان در تقریب یا

یکی دانستن دین و فلسفه، فلسفه را با میزان دین نسجیده‌اند بلکه دین را با صورتی از فلسفه که در نظرشان آمده است شناخته‌اند. به قول لئو اشتراوس اگر در قرون وسطی از الهیات مسیحی در دادگاه فلسفه دفاع می‌شد، فیلسوفان اسلامی مدافعان فلسفه در محکمه شریعت بودند. فلسفه اسلامی تمهید مقدماتی برای اثبات وجود خدا و تأیید اصول دین اسلام نبوده بلکه در درک مبادی و طرح مسائل عمده آن خدا از آغاز تا پایان حضور داشته است. با این همه فلسفه اسلامی را با علم کلام اشتباه نباید کرد. کلام و فلسفه دو نحوه و طریقه فکریند که از حیث مبادی و غایت با هم اختلاف دارند و گاهی صرفاً در روش به هم نزدیک می‌شوند. از ابتدا هم میان فیلسوفان و متکلمان در جهان اسلام اختلاف بوده است. متکلمان بعضی آراء و مطالب فلسفی و مخصوصاً شیوه جدل را از اهل فلسفه فراگرفتند تا بتوانند از اعتقاد دینی خود دفاع کنند. در مقابل فیلسوفان با اینکه طرح فلسفه‌ای درانداختند که در آن خدا دائرمدار همه چیز و اول و آخر و ظاهر و باطن است و کوشیدند که این فلسفه را با دین جمع کنند ملتزم به وحی و کتاب و سنت نبودند بلکه خود را پیرو منطق می‌دانستند یا به هر حال مدعی پیروی از عقل و برهان بودند. فلسفه اسلامی در طی مدتی قریب به ششصد سال هرگز تابع علم کلام نبوده بلکه عرفان و کلام را در خود منحل ساخته و با آنها یگانه شده است. چنانکه وقتی به ملاصدرا می‌رسیم در آثارش همه حوزه‌های تفکر اسلامی یعنی فلسفه مشائی و اشراقی و علم کلام و تصوف با هم جمع می‌شوند.

وقتی به خوبی در سیر فلسفه پس از تعطیلی مدارس آتن و پراکنده شدن آن در مناطقی از آسیا و آفریقا و انتقال و استقرارش در ایران تأمل می‌کنیم به نظر می‌رسد که در برابر فلسفه‌ای که سقراط به قول خودش آن را از آسمان به زمین آورده بود، دو راه وجود داشت. فلسفه‌ای که در خانه یونانیش مجال استقرار نیافت و پس از تحمل غربت طولانی در مسیحیت و در جهان اسلام وطن‌گزید به دشواری می‌توانست زمینی شود و بنای مدینه‌ای را بگذارد که در آن خرد و دانش و صلاح بشر به هم پیوسته‌اند و غایتش تأمین صلح و سلامت و رفاه زندگی است پس راه بازگشت به آسمان را پیش گرفت. امکان اول پس از دو هزار سال که از عمر فلسفه می‌گذشت دو سه قرن پیش در

اروپا به نحوی کم و بیش محقق شد اما در جهان اسلام و در مسیحیت فلسفه کم و بیش مایل به امکان دوم بود یعنی می‌خواست امانت فراگرفته از آسمان را به همانجا که بود بازگرداند (رومی‌ها فلسفه را میان آسمان و زمین نگاه داشتند و در سایه آن حقوق رومی را تدوین کردند) در طی بازگشت فلسفه به آسمان، فلسفه‌های قرون وسطای مسیحی و جهان ایرانی - اسلامی فلسفه یونانی را همراهی و بدرقه کردند. فلسفه در این سیر بازگشت طبیعی بود که بیش از پیش به قلمروی وراء تاریخ پیوندد. در اینجا از اروپا و در مورد مسیحیتی که ملکوت را به زمین آورد حرفی نمی‌زنم. آنچه می‌توانم بگویم اینست که در فلسفه دوره اسلامی از همان آغاز، فارابی در اندیشه مدینه زمینی - آسمانی بود و هر چه فلسفه اسلامی بسط یافت شأن آسمانی بودن غلبه بیشتر پیدا کرد. فلسفه قرون وسطی هم بیشتر به آسمان می‌اندیشید. به این جهت اروپاییان دوران جدید فلسفه را از اسلاف قرون وسطایی خود اخذ نکردند بلکه مستقیماً به سراغ فلسفه و پایدای یونان رفتند و آن را در تناظر و تناسب با مدینه آزاد انسانی یافتند و چنان تفسیر کردند که تفسیرشان پشتوانه‌ای برای قوام جهان تکنیک کنونی شد. شاید اکنون این تفسیر چندان زمینی شده باشد که پیوندش با آسمان در نظر نیاید و وجودش دیگر چندان وجهی نداشته باشد. البته اگر آدمی در زمان پایان مابعدالطبیعه دوباره خود را به آسمان نیازمند بداند و راه آسمان را بجوید شاید کسانی که نسبت به وضع جهان جدید و تاریخ آن تذکر دارند در تفکر دوره اسلامی اشاراتی بیابند که ره‌آموز زندگی آینده باشد.

در این یادداشت موجز سعی شده است با نظر اجمالی به مبادی و مسائل عمده فلسفه اسلامی، خویشاوندی و اختلاف این فلسفه با فلسفه یونانی بخصوص در نسبتی که هر یک با فرهنگ و زندگی بشر داشته‌اند تا حدی معلوم شود.

اصول راهنمای نویسنده عبارتست از:

- ۱- فلسفه یونانی ناظر به کمال وجود انسانی در مدینه و ره‌آموز تربیت اهل مدینه است.
- ۲- فلسفه موسوم به فلسفه اسلامی با دستکاری در آراء افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان پدید نیامده است بلکه اولین تلاقی بزرگ و مهم

میان دو فرهنگ و فلسفه‌ای است که با روح جهان ایرانی - اسلامی پیوند دارد.

۳- فلسفه دوره اسلامی از آغاز استعداد آن را داشته است که به دین نزدیک شود و با این استعداد و تمایل بوده است که در جمع انحاء تفکر دینی با فلسفه سعی و اهتمام کرده است. این فلسفه با جلوه خدا به عنوان وجود مطلق یا مطلق وجود، آغاز می‌شود. درست است که در این آغاز بحثی از خدا نیست اما حضور و وجود و علم و قدرتش در مبادی و احکام مابعدالطبیعه و مثلاً در تعریف ماهیت و امکان و علیت و ضرورت مضمر است و بر اساس این تعاریف و اصول است که وجود خداوند و اسماء و صفات الهی اثبات می‌شود.

۴- فیلسوفان جهان اسلام فلسفه یونانی را با نظر به افقی که با اسلام گشوده شده بود، تفسیر کردند و البته در این تفسیر به حکمت نیاکان خود در ایران قبل از اسلام نیز بی‌اعتنا نبودند. این سینا از حکمت مشرقی می‌گفت و سهروردی جوهر فلسفه خود را فراگرفته از حکمت خسروانی می‌دانست و بالاخره در قوام فلسفه دوره اسلامی تفکر ایران باستان و تصوف و عرفان از ابتدا دخالت داشته و این دخالت و حضور به تدریج بیشتر شده تا جایی که وقتی آثار فیلسوفان متأخر جهان اسلام را می‌خوانیم نمی‌دانیم آنچه می‌خوانیم فلسفه است یا کتاب عرفان و تصوف.

۵- توجه مسلمانان به فلسفه یونانی و ترجمه و فراگرفتن آن و تأمل و تفکر در معانی و مضامینش یکی از بزرگترین حوادث فرهنگی در تمام طول تاریخ است. با این حادثه پیوندی که از قدیم میان ایران و یونان وجود داشت در قلمرو فرهنگ و تفکر تثبیت شد و فلسفه قدمی به سوی غایت خود که وحدت جهان انسانی است برداشت.

۶- اکنون که تجدد در سراسر روی زمین و در همه جهان گسترش یافته است و همه جهان یکی شده و تقدیر مردم مناطق جهان به هم بسته است، آشنایی با تجدد و اصول آن و درک وضع توسعه نیافتگی حتی از جهت اخلاقی نیز ضرورت و اهمیت دارد. این درک شاید مقدمه‌ای برای گشایش افقی در جهان پراز کدورت و تیرگی و دشمنی و هول و خطر باشد و من که خود را گه‌گاه در زمره ارسطوییان می‌بینم به پیروی از استاد معتقدم که جهان کنونی بیش از هر چیز به کیمیای نایاب دوستی نیاز دارد. والسلام».



تفکر حاکم بر سیاست‌های اقتصادی؛ یکی از ریشه‌های مشکلات اقتصادی کشور

دکتر حسین نمازی^۱

افزایش نرخ ارز به منظور کاهش واردات (و البته به منظورهای دیگر) هستیم. بنابراین مطالبی که ملاحظه می‌شود دقیقاً شرح حال ماست آن. این سخنرانی در سال ۱۳۷۸ در جمع رئیس و استادان عضو محترم فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ایراد شده و صورت مکتوب آن در سال ۱۳۹۶ در ارج‌نامه استادگرامی جناب آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته فرهنگستان علوم منتشر شده است و اینک جهت آگاهی علاقمندان به چاپ می‌رسد.

متن سخنرانی در فرهنگستان علوم، ۱۳۷۸/۱۲/۱۹

لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر داوری اردکانی و فرهنگستان علوم تشکر کنم که این فرصت را فراهم آوردند تا در جمع دوستان و دانشمندانی که بسیاری از عزیزان را سال‌هاست از نزدیک می‌شناسم و خدمتشان ارادت دارم و بعضی را هم دورادور ارادت دارم مطالبی را مربوط به اهم مسائل اقتصادی مملکت بیان کنم. این جمع برای من ویژگی خاصی دارد از این نظر که محققان و دانشمندانی در اینجا هستند که خیلی انسان راحت می‌تواند صحبت کند بدون اینکه شائبه‌ای به وجود آید و تعبیهایی شود. صرفاً مسائل به صورت علمی می‌تواند مطرح شود و همین‌طور تقدس مکان (فرهنگستان علوم)، امکان را برای من بیشتر می‌کند که یک مقداری باز و راحت مسائل را خدمت شما عرض کنم.

توضیح: متنی را که ملاحظه می‌فرمایید مربوط به زمانی است که ارائه‌کننده، مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور را به عهده داشته است. اما نظرات و تحلیل‌های آن در حال حاضر حائز اهمیت بیشتری است؛ زیرا انطباق آنها با مشاهدات عینی طی سالیان متمادی به اثبات رسیده و تجربیات عملی، آنها را تأیید کرده است. امروز در عمل روشن شده است که افزایش نرخ سود بانکی نه تنها نتوانسته است از طریق افزایش حجم پس‌انداز به افزایش تولید، کاهش بیکاری و رشد اقتصادی بیانجامد، بلکه مسئله تعطیلی مؤسسات تولیدی، بیکاری و رکود اقتصادی بسیار جدی است به‌طوری‌که هر از گاهی برای مقابله با آنها از طرف مسئولان پیشنهادها و «بسته‌هایی» ارائه می‌شود. تجربه ثابت کرد که افزایش نرخ ارز در سال‌های اخیر (حتی با چند برابر شدن) نتوانست مشکل کسری بودجه دولت را برطرف کند که بر حجم آن افزود. همین‌طور افزایش این نرخ نتوانست واردات را کاهش دهد بلکه واردات بی‌رویه یکی از مسائل اصلی کشور است. شگفت‌انگیز است که به رغم این همه تجربیات عملی و مشاهدات عینی که نفی‌کننده نظرات و تحلیل‌های اعمال‌کنندگان سیاست‌های اقتصادی فعلی حاکم بر کشور است و ناکارایی آنها را به اثبات رسانیده است باز هم به ادامه اعمال همین سیاست‌ها اصرار می‌شود و مجدداً شاهد پیشنهاد

۱- عضو پیوسته و دبیر فرهنگستان علوم، استاد اقتصاد دانشگاه شهیدبهشتی

مطالبی را که می‌گویم از یک نظر فرق دارد با مقاله‌ای که مثلاً یک نفر شش ماه کارهایش را تعطیل می‌کند و خودش را متمرکز می‌کند روی یک موضوعی و روی آن موضوع کار می‌کند و بعد می‌آید آن را ارائه می‌کند. مطالبی که اینجا ارائه می‌شود مجموعه‌ای از نظریه‌هایی است که مدت‌ها ما فرصت داشتیم با همکاران اجرایی و دانشگاهیمان راجع به آن صحبت و تبادل نظر کنیم. هم از نظر اجرا می‌توان گفت محصول تجربیات اجرایی است و هم از نظر تئوریک و به لحاظ نظری مطالبی است که با توجه به مشکلاتی که مملکت با آنها دست به گریبان بوده به اندازه کافی روی آن صحبت شده و بحث کرده‌ایم و در واقع چیزی نیست که اکنون به ذهن من رسیده باشد و برداشت‌های فردی یا شخصی نیست. ویژگی دیگر اینکه مطالبی که خدمتتان عرض می‌کنم منابع اطلاعات و آمار آن دست اول و مستقیم است و سعی شده که حتی المقدور از منابع دست اول و آخرین اطلاعات استفاده شود. در مورد موضوع بحث من فکر می‌کردم چه مطلبی را عنوان کنم که برای جمع جالب باشد و برای عزیزانی که وقتشان را صرف می‌کنند و اینجا تشریف می‌آورند مطلبی مطرح شود که لااقل مورد علاقه‌شان باشد و طوری نباشد که صرفاً یک مسئله تئوریک و نظری مطرح شود.

فکر کردم در مورد ریشه مشکلات اقتصادی کشور صحبت کنم. به هر حال ریشه‌یابی مسائل کاری است که در حیطه کار پژوهشی و علمی قرار دارد. بدیهی است در اینجا به همه مشکلات نمی‌شود پرداخت. من یک تقسیم‌بندی کردم. اگر در یک تقسیم‌بندی کلی بخواهیم ریشه مشکلات اقتصادی کشور را بررسی کنیم شاید بتوانیم چهار دسته از این مشکلات را از هم تفکیک کنیم.

یکی تفکر حاکم بر سیاست‌های اقتصادی است. در ابتدای کار دولت اصلاحات هم قرار شد که یک منشور اقتصادی تهیه بشود و براساس آن عمل شود که به دنبال آن هم مسئله طرح ساماندهی اقتصادی مطرح شد.

دوم مدیریت تصمیم‌گیری اقتصادی است. از ابتدا هم گفته می‌شد که در این مملکت هر جایی یک تصمیمی می‌گیرد و حدود ۳۷ شورا و ستاد هستند که تصمیمات اقتصادی می‌گیرند و اینها بعضاً با هم در تناقض و در تضاد هستند.

سوم ساختار اقتصاد کشور است. همین وابستگی اقتصاد ملی به درآمد نفت یکی از مسائلی است که به ساختار اقتصاد کشور بر می‌گردد. اینکه می‌بینیم با بالا و پایین شدن قیمت نفت یکدفعه مملکت به وضعی دچار می‌شود که پرداخت حقوق کارمندان هم با اشکال روبه‌رو می‌شود به هر حال ناشی از مشکل ساختاری است.

دسته چهارم را تحت عنوان سایر عوامل مطرح می‌کنم مثل مسائل فرهنگی. آنچه که بر می‌گردد به وجدان کاری، مسائل مربوط به برداشت از سرمایه، تولید، ساختار اداری. فرض کنید یک کارمندی را استخدام می‌کنید شصت هزار تومان در ماه به او حقوق می‌دهید بعد می‌خواهید یک پرونده مالیاتی پنج میلیارد تومانی را رسیدگی بکنند در حالی که در اولین هزینه‌های زندگی و نیازهایش مانده است. به هر حال شما بهترین برنامه‌ها را هم که تدوین کنید وقتی قرار باشد مجریان کسانی باشند که در بدیهی‌ترین مسائل اقتصادی خودشان مانده باشند یقیناً نمی‌توانید انتظار داشته باشید که به طور مطلوب اجرا شود. از همه این عواملی که اشاره شد فکر کردم موضوع اول را امروز شرح و تا اندازه‌ای هم که مقدور است و فرصت اجازه می‌دهد نتایج عملی آن را هم توضیح دهم. این تفکر که بر می‌گردد به اقتصاد کلان، مبتنی است بر آزادسازی اقتصادی که اساس آن مبتنی بر همان اصل مکانیزم بازار و اصل عدم مداخله دولت در اقتصاد است و این را بعضی از مسئولان مکرراً در جلسات رسمی به صراحت گفته بودند که نگران نباشید از افزایش قیمت‌ها. چون قیمت‌ها که بالا رفت آن قدر سود زیاد می‌شود که برای صاحبان عوامل تولید، انگیزه ایجاد می‌شود که در بازار وارد شوند و در نتیجه تولید بالا می‌رود و مجدداً قیمت تعدیل می‌شود. یا به هر حال اگر ما دنبال توسعه هستیم باید بپذیریم که ۱۵ درصد جامعه قربانی بشوند (۱۵ درصد ۶۰ میلیون نفر = ۹ میلیون نفر). وقتی که ما پذیرفتیم که برای رسیدن به توسعه حدود ۹ میلیون نفر آسیب ببینند و قربانی شوند دیگر نباید نگران فشار اقتصادی روی آنها باشیم. آنگاه می‌توانیم یک جامعه پیشرفته‌ای داشته باشیم. این طرز فکر در چند زمینه به صورت مشخص ظهور و بروز کرده است:

یکی در زمینه سیاست‌های پولی است. در زمینه سیاست‌های پولی استدلال می‌شود که اگر نرخ سود بانکی افزایش پیدا کند باعث

می‌شود که مردم پس‌اندازها را در بانک‌ها بیاورند و منبع سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود و در نتیجه می‌توانیم تولید را افزایش دهیم و اشتغال ایجاد می‌شود، مسئله بیکاری حل می‌شود و مملکت از محصولات خارجی بی‌نیاز می‌شود و تمام تبعات مثبتی که تولید باید داشته باشد حاصل می‌شود.

از طرف دیگر صحبت می‌شود که با این کار ما می‌توانیم قدرت خرید صاحبان پس‌انداز را حفظ کنیم. به هر حال این مردم که می‌آیند و پول‌هایشان را در بانک می‌گذارند اگر فرضاً سالیانه ۲۰ تا ۲۵ درصد تورم داشته باشیم نرخ سود بانکی نباید در حدی باشد که ارزش پولشان کم بشود و اگر آخر سال چیز اضافی دستشان نمی‌آید، لاف‌ل همان ارزش اولیه پول خود را داشته باشند و چیزی از دست ندهند. این توجیه افزایش نرخ سود بانکی است.

دومین تبلور تفکر حاکم در زمینه سیاست‌های ارزی تحت عنوان یکسان‌سازی نرخ ارز خود را نشان می‌دهد. در واقع نه به این معنی که ما نرخ واحدی برای ارز داشته باشیم، بلکه به معنی اینکه نرخ ارز افزایش پیدا کند و به سطح نرخ بازار آزاد آن هم در شرایط غیرعادی بازار ارز که امکان احتکار آن وجود دارد برسد. در اینجا هم همان تفکر مکانیزم بازار حاکم است. یعنی به هر حال قیمت هر چیزی به صورت طبیعی در بازار آزاد تعیین می‌شود. ارز هم یک کالایی است مثل سایر کالاها. باید ببینیم بازار چه قیمتی را برای این کالا تعیین می‌کند و اینکه دولت بخواهد بگوید نرخ ارز سیصد تومان، یا چهارصد تومان باشد، این یک مداخله‌ی بیجا است و به صورت مصنوعی قیمت ارز را پایین نگه داشته است.

چنین تحلیل می‌کنند که سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و در واقع افزایش نرخ ارز دو اثر عمده اقتصادی دارد. یکی اینکه صادرات را افزایش می‌دهد زیرا صادرکننده با افزایش نرخ ارز مثلاً از چهارصد تومان به هشتصد تومان، در ازای هر یک دلار درآمدش هشتصد تومان می‌شود. بنابراین صادرات تشویق می‌شود باز همان مسائل. تولید افزایش پیدا می‌کند، اشتغال ایجاد می‌شود، افزایش درآمد ارزی کشور و همه تبعات مثبت. یک اثر مثبت دیگر این سیاست را هم در پوشاندن کسر بودجه مطرح می‌کنند زیرا وقتی نرخ ارز بالا باشد طبعاً معادل ریالی دلارهای اختصاص یافته به بودجه کشور

افزایش می‌یابد چون مبلغ این دلارها ضرب در عدد بزرگتری می‌شود و به خزانه واریز می‌شود و بنابراین دیگر دولت کسری بودجه هم ندارد و از آنجا که خود کسری بودجه هم می‌دانیم آثار و تبعات منفی دارد، موجب افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. با رفع کسر بودجه آن آثار منفی هم از بین می‌رود.

سومین مورد، سیاست‌های مالی تحت عنوان سالم‌سازی بودجه است. مسئله حذف سوبسیدها از یک طرف و همین افزایش نرخ ارز است که می‌گویند اگر نرخ ارز را افزایش بدهیم و سوبسیدها را هم از طرف دیگر حذف کنیم در واقع ما یک بودجه سالمی خواهیم داشت. اینها چکیده اهم تفکر حاکم است. که در سه زمینه یعنی سیاست‌های پولی، که افزایش نرخ سود بانکی است، سیاست‌های ارزی به معنی افزایش نرخ ارز، و سیاست‌های مالی که اشاره کردم، خلاصه می‌شود.

مختصری به تحلیل نظری این تفکر و بعضی از آثار عینی و مشاهداتی که در این زمینه داریم، می‌پردازم. در زمینه سیاست‌های پولی سؤال اول این است که آیا این ادعا درست است که لزوماً افزایش نرخ سود بانکی می‌تواند حجم پس‌انداز را افزایش دهد که به دنبالش افزایش تولید و اشتغال باشد؟ پاسخ منفی است. هم به لحاظ نظری که توضیح می‌دهم و هم به لحاظ عینی و تجربی. به لحاظ تجربی این ادعا نمی‌تواند درست باشد. چرا؟ چون در کشور ما تجربه نشان داده است که صرفنظر از افرادی که دارای درآمد پایین هستند و اصلاً امکانی برای پس‌انداز کردن ندارند، افرادی هم که دارای درآمدهای بالا و از طبقات مرفه هستند با افزایش سود بانکی از مصرف خود به منظور افزایش پس‌انداز صرفنظر نمی‌کنند. فرض کنید نرخ سود بانکی از ۱۶ درصد به ۱۸ یا ۲۰ درصد برسد، آیا طبقات مرفه‌ی که امکان پس‌انداز دارند بنزشان را می‌فروشند و سوار پیکان می‌شوند؟ ما در جامعه یک عادات مصرفی داریم مخصوصاً در طبقات مرفه، این‌طور نیست که مثلاً به خاطر ۲ درصد تغییر در نرخ سود بانکی بیایند و بخواهند از رفاه و از الگوی مصرفی که به مصرف بر طبق آن عادت کرده‌اند دست بردارند و کمتر مصرف کنند به خاطر اینکه بیشتر پس‌انداز کنند و سپرده‌های بانکی خود را افزایش دهند و سود بیشتری دریافت دارند.

به عبارت دیگر ما در اقتصاد مثل بسیاری از دانش‌های دیگر مشاهدات عینی را یکی از معیارهای تأیید یا رد نظریه می‌دانیم. یعنی اگر با هزار استدلال استدلال کنند که مثلاً این عامل این تأثیر را در این پدیده می‌گذارد، ولی در عمل مشاهدات عینی خلاف آن را ثابت کند، مشاهدات عینی معیاری است برای اینکه بگوییم این نظریه از صحت برخوردار نیست. یکی از عمده‌ترین معیارهای صحت و سقم این نظریه همین تأیید یا رد نظریه به وسیله مشاهدات عینی است.

به لحاظ نظری افزایش نرخ سود بانکی حتی می‌تواند بر حجم تولید و نرخ اشتغال اثر معکوس داشته باشد. زیرا این سود که فقط در ارتباط با پس‌انداز و ایجاد منبع برای سرمایه‌گذاری مطرح نیست. نرخ سود بانکی در هزینه تولید هم مؤثر است. یعنی کسی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و از تسهیلات بانکی استفاده نماید اگر به جای ۱۴ درصد، ۲۰ درصد بپردازد هزینه تولیدش افزایش پیدا می‌کند. اگر متناسب با افزایش هزینه تولید، قیمت را افزایش دهد امکان فروش کالا کمتر می‌شود و اگر قیمت را ثابت نگه دارد بازدهی سرمایه‌اش کاهش می‌یابد و ممکن است اصلاً سرمایه‌گذاری برای او مقرون به صرفه نباشد. در هر دو صورت انگیزه برای تولید و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

بنابراین افزایش نرخ سود بانکی نباید فقط از نظر پس‌اندازکننده و انگیزه برای افزایش پس‌انداز مورد توجه قرار گیرد بلکه باید از بعد تقاضا و تولیدکننده هم بررسی شود و یکی از مشکلات اقتصادی ما از همین ناحیه است که به صورت جدی به وسیله سه نفر از وزرا مکرراً مطرح و به صورت کتبی هم به رئیس‌جمهور منعکس شده است. وزیرای صنایع، کشاورزی و کار و امور اجتماعی استدلال کرده‌اند که در بخش‌های صنعت و کشاورزی و فعالیت‌های تولیدی بسیاری از تولیدکنندگان به خاطر بالا بودن نرخ سود بانکی کار تولیدی را رها می‌کنند و پولشان را در بانک‌ها می‌گذارند برای اینکه سود بگیرند. کسانی که کارگاهی دارند ماهی دویست، سیصد هزار تومان درآمد دارند با آن زحمتی که باید بکشند با آن مشکلاتی که با کارگر در چارچوب قانون کار دارند، مسئله مالیات، عوارض متعدد که باید پرداخت کنند، برای وارد کردن یک قطعه کوچک مورد نیاز باید متحمل زحمات بشوند، این تولیدکنندگان با افزایش نرخ سود بانکی

ترجیح می‌دهند که کارشان را تعطیل کنند و پولشان را در بانک بگذارند. وزیر کشاورزی می‌گفت بسیاری از کشاورزان ادوات و ابزار خودشان را می‌فروشند و پولش را توی بانک می‌گذارند راحت! نه لزومی دارد منتظر باران باشند و نه مشکلات خشکسالی و آفات دارند، یک سود ثابتی عایدشان می‌شود. بنابراین اگر نرخ سود بالا برود این فعالیت‌ها متوقف می‌شود. ممکن است آقایان بفرمایند خوب وقتی پولشان را در بانک بگذارند بانک که این پول را نگه نمی‌دارد، بلکه آن را به صورت وام و اعتبار در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. این تعبیر درست نیست به دلیل اینکه تجربه در کشور خودمان نشان داده که تسهیلات بانکی جاهایی رفته که اولاً از نظر تولید، توجیه اقتصادی ندارد مانند واسطه‌گری و واردات. گذشته از این، میزان اشتغال‌زایی اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها نیز به مراتب کمتر از کارگاه‌های صنعتی و بخش کشاورزی است. بنابراین این طور نیست که اگر بگوییم آنها کارشان را تعطیل کردند، از طریق بانک‌ها یک نوع کارهای دیگر و سرمایه‌گذاری‌های مفید صورت می‌گیرد. همان طور که می‌دانیم اخیراً سوء استفاده‌های متعدد و بالای هزار میلیارد تومانی از منابع بانکی کشف شده است که تعداد آن رو به افزایش است. واقعاً افزایش نرخ سود بانکی خطری است برای تولید و می‌تواند تولید را متوقف کند. این نکته را هم عرض کنم که شما نمی‌توانید یک اقتصاددان را پیدا کنید که معتقد باشد در شرایط رکود و بیکاری باید نرخ سود بانکی را افزایش داد. چون در نظام سرمایه‌داری نرخ بهره به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی برای مقابله با نوسانات اقتصادی و مقابله با مرحله رکود به کار گرفته می‌شود. مثلاً اگر اقتصاد در شرایط رکود باشد با کاهش نرخ سود بانکی تسهیلات بیشتر و انگیزه بیشتری برای افرادی که برای تأمین منابع مالی به بانک‌ها مراجعه می‌کنند فراهم می‌شود تا تولید افزایش پیدا کند و رکود برطرف شود. بنابراین هیچکس نمی‌گوید شما در شرایط رکود نرخ سود بانکی را بالا ببرید. برای اینکه یک شائبه‌ای در اذهان به وجود نیاید و بگویند که خوب توی این جمع یک چنین ادعایی می‌شود ما باید ببینیم اگر ده اقتصاددان از طرف مقابل باشند اینها حتماً یک حرفی دارند همین طور نمی‌نشینند نگاه کنند حتماً یک استدلال‌هایی دارند و این نظر را رد می‌کنند. برای اینکه



خیال برادران راحت باشد من عرض می‌کنم که سال گذشته کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی در بانک مرکزی برگزار شد و بطوری که در نشریات هم نوشتند ۱۵۰۰ تن از متخصصان، استادان دانشگاه و دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی و سیستم بانکی در آن شرکت داشتند در آن کنفرانس بنده یک ادعایی کردم و گفتم شاید در دنیا حتی یک اقتصاددان را پیدا نکنید که اعتقاد داشته باشد در شرایط رکود نرخ سود یا بهره بانکی را باید بالا ببریم اگر شما وی را می‌شناسید لطفاً به بنده معرفی کنید. ۱۵۰۰ نفر متخصص آنجا تشریف داشتند می‌دانید با آن بحث‌ها و درگیری‌ها و چیزهایی که هست تا الان یک نفر را معرفی نکردند. این را من جاهای دیگر هم گفتم.

در شورای اقتصاد هم گفتم. بحثی که نیست بنده ادعای علمی ندارم ولی چون مسئله بدیهی است من نه از معد ادعای علمی بلکه از بعد بدیهی بودن مطلب، هل من مبارز می‌طلبم. آقا جان، اگر می‌شناسید یک اقتصاددان را در دنیا که می‌گوید در شرایط رکود، نرخ سود بانکی را افزایش دهید معرفی کنید تا او را بشناسیم. اما این ادعا اکنون در کشور ما مطرح است و به صراحت گفته می‌شود که باید نرخ سود بانکی را بالا برد تا اقتصاد از این وضع رکود بیرون بیاید و خدا می‌داند در برنامه سوم نزدیک بود در متن برنامه بیاید با چه زحمت و استدلالی در هیأت دولت از برنامه حذف شد و در آنجا خدمت آقای خاتمی عرض کردم اگر روز اول که بحث بود سیستم بانکداری اسلامی پیاده بشود و یک مهلتی برای بانک مرکزی معین شده بود که آیین‌نامه‌هایش را تدوین بکند، اگر مهلت زمانی حذف نشده بود و این کار را کرده بود الان به این روز نمی‌افتادیم که بگوییم برای رفع مشکلات اقتصادیمان نرخ سود بانکی را بالا ببریم. چیزی که هیچکس نمی‌گوید و ایشان از این یادآوری تشکر کردند. به هر حال این تفکر حاکم است بر سیاست‌های اقتصادی، و هر جا هم که بشود از راه‌هایی قدم‌هایی در این زمینه‌ها به صورت غیر مستقیم برداشته می‌شود.

مطلب دیگری هم که در همین زمینه گفته می‌شود اینست که باید قدرت خرید صاحبان پس‌انداز حفظ بشود. من جدولی را که بانک جهانی تهیه کرده بود آورده‌ام. از ۱۲۵ کشور مورد بررسی، کشورهای

بسیاری هستند که نرخ تورم آنها بیشتر از نرخ سود بانکی است. حالا ما نمی‌خواهیم برویم دنبال کشورهای آفریقایی. بعضی از کشورهای پیشرفته اروپایی مثل انگلستان نرخ سود بانکی‌اش کمتر از نرخ تورمی است که در آن کشور وجود دارد. ژاپن همینطور اندونزی از آن طرف و ونزوئلا، همینطور بسیاری از کشورها هستند. یعنی اینکه چه رابطه‌ای بین نرخ تورم و سود بانکی باید باشد یک بحث مستقلى است که مربوط می‌شود به شرایط اقتصادی، بازدهی سرمایه و اینطور نیست که گفته شود حالا هر که در بانک پول می‌گذارد بانک موظف است ارزش پول او را حفظ کند. فرض کنید نرخ تورم ۲۰ درصد باشد بازدهی سرمایه مثلاً ۱۵ درصد. بانک نمی‌تواند بگوید چون وظیفه‌ام حفظ قدرت خرید مردم است، حداقل ۲۰ درصد را به صاحبان پس‌انداز می‌دهم ولی از طرف دیگر اگر کسی بیاید و از من وام بگیرد چون بازدهی سرمایه پایین است به من مثلاً ۱۴ درصد بدهد. تازه این سوال هم مطرح می‌شود: ما بارها از بعضی از همکاران اجرایی این سؤال را کردیم که اگر مسئله حفظ قدرت خرید مطرح است چرا شما فقط به فکر حفظ قدرت خرید صاحبان پس‌انداز هستید، چرا به فکر قدرت خرید کارگران و حقوق بگیرها نیستید.

آنها به هر حال در این جامعه هستند، آسیب‌پذیرترند کسی که اکنون ماهی ۶۰ یا ۶۵ هزار تومان حقوق می‌گیرد و کار می‌کند دائماً قدرت خریدش کاهش پیدا می‌کند بیشتر به او فشار می‌آید نسبت به کسی که مازاد درآمدهایش را در بانک گذاشته و حالا چند میلیون یا میلیارد سودی که به او می‌دهند با کاهش نرخ سود درآمدش کمتر شود.

موضوع دوم تفکر حاکم بر سیاست‌های ارزی است. همین‌طور که گفتم استدلال می‌شود با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش پیدا می‌کند، تولید داخلی زیاد می‌شود، بیکاری پایین می‌آید، از طرف دیگر این کاهش ارزش پول ملی باعث می‌شود که واردات هم کاهش پیدا بکند. پس ما یک صرفه‌جویی ارزی هم خواهیم کرد واردات کم می‌شود، صادرات هم زیاده‌تر. درآمدهای ارزی افزایش پیدا می‌کند، در نتیجه اشتغال و تبعات مثبت بعدی را هم به دنبال دارد.

دو اصل هم در این زمینه پذیرفته شده است. یکی اینکه نرخ ارز باید به صورت طبیعی بدون مداخله دولت در بازار تعیین شود که خود به

خود به نرخ تعالی خودش می‌رسد. دیگر اینکه این اعتقاد وجود دارد که ارزش واقعی دلار واقعاً بیش از این است که در بازار مبادله می‌شود. چون به صورت مصنوعی پایین نگه داشته شده است. در نتیجه باعث می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی خودشان را نتوانند خوب نشان بدهند و بعضاً نرخ واقعی دلار را بین نهصد تا حتی سه هزار تومان هم ذکر کرده‌اند، که حالا این داستان دیگری است که توضیح خواهم داد.

در این زمینه هم نظر ما این است که ارتباط افزایش صادرات با نرخ ارز بستگی به عوامل و شرایط متعددی دارد. اول اینکه در کشور امکان افزایش تولید باشد یعنی ظرفیت‌های تولیدی اجازه دهند که ما صادرات بیشتر داشته باشیم. حال فرض کنید نرخ ارز دو برابر شد آیا ما می‌توانیم تولید روده و پوست و سایر تولیدات را افزایش بدهیم؟ انگیزه ممکن است بیشتر شود، ولی ظرفیت تولیدی، یکی از عوامل بسیار تعیین‌کننده اصلی است. دوم اینکه کشورهای رقیب اقدام به مثل نکنند، اگر کشورهای دیگر همین کالایی را که ما صادر می‌کنیم صادر کنند، آنها بیایند و نرخ دلار را افزایش بدهند عملاً این اقدام ما را خنثی می‌کند. سوم اینکه اقدامات محدودکننده، از طرف کشور واردکننده به عمل نیاید. یعنی اگر آنها تعرفه‌ها را بالا ببرند تا این کالا با کالای داخلی‌شان نتواند رقابت کند، عملاً ما فقط پول ملیمان را کاهش داده‌ایم، تورم در داخل به وجود آورده‌ایم، بدون آنکه به هدف برسیم و بتوانیم صادرات را افزایش دهیم. چهارم اینکه کشش تقاضا نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این طور نیست که هر کالایی که قیمتش کاهش یابد تقاضا برایش زیاده‌تر شود. افزایش صادرات بستگی به نوع کالا و کشش تقاضا نیز دارد. و بالاخره شرط پنجم این است که این افزایش نرخ ارز باعث افزایش قیمت و افزایش هزینه تولید نشود. اگر قیمت دلار را بالا ببریم به این امید که چون صادرکننده به ازاء دلار صادراتی ریال بیشتری می‌گیرد در نتیجه انگیزه صادرات و تولید افزایش می‌یابد، باید توجه داشته باشیم که هزینه تولید هم بالا می‌رود. در نهایت قدرت رقابت ما در خارج کم می‌شود و حتی امکان صادراتمان هم از بین می‌رود. به عبارت دیگر می‌شود گفت که افزایش نرخ ارز به معنی کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت‌هاست. با افزایش قیمت‌ها هزینه تولید افزایش یافته، امکان

صادر کالا کاهش می‌یابد. نکته دیگر اینکه بسیاری از کالاهایی که ما صادر می‌کنیم خودشان ارز برند یعنی با افزایش نرخ ارز بسیاری از قطعات و اجزاء و مواد اولیه باید از خارج با ارز گرانتر وارد شوند. وقتی نرخ ارز بالا رفت، ما باید ریال بیشتری برای آن پردازیم و از این طریق باز صادرات لطمه می‌بیند. اخیراً وزیر صنایع یک نامه‌ای به ریاست محترم جمهوری نوشته‌اند که رونوشتش برای ما آمده بود. دو مشکل را برای صنایع کشور ذکر کرده‌اند. یک مشکل‌اش را من الان می‌گویم و مشکل دیگر را می‌رسیم جای مربوط به خودش. مشکل اولی که ایشان ذکر کرده بودند این بود که چون نرخ ارز بالا رفته نقدینگی مؤسسات و کارخانجات تولیدی کم شده، ما اگر الان یک قطعه کوچکی از ماشین آلات را لازم داشته باشیم که قبلاً این را با مبالغ نسبتاً کمی تهیه می‌کردیم الان باید چندین برابر پول بدهیم. همچنین تهیه مواد اولیه نیاز به پول بیشتری دارد و کارخانه‌های ما این توان را ندارند. یعنی مشکل عدم نقدینگی کافی یکی از مشکلات صنایع کشور است که بدنبال همین افزایش نرخ ارز به وجود آمده است حالا ما اینجا می‌خواهیم به لحاظ تجربی هم نشان بدهیم که آیا واقعاً این افزایش نرخ ارز با افزایش صادرات ارتباط مستقیم دارد یا نه؟ آمار و نموداری را که ملاحظه می‌فرمایید به روشنی نشان می‌دهد که چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

مصیبت عظمای دیگری که افزایش نرخ ارز برای ما به وجود آورد، امکان ارزان‌فروشی کالاهای ما در بازارهای خارج است. یعنی اگر یک صادرکننده فرش قبلاً در ازاء هر دلار خود مثلاً ۲۰۰ تومان دریافت می‌کرد، الان که حدود ۸۰۰ تومان دریافت می‌کند، اکنون می‌تواند این فرش را در خارج ارزان‌تر بفروشد چون اگر نصف قیمت هم بفروشد باز درآمد بیشتری اینجا خواهد داشت. چون نرخ ارز ۴ برابر شده و باز دو برابر می‌تواند درآمد داشته باشد. این فاجعه‌ای است که فرش ایرانی را در بازارهای اروپا تقریباً به قیمت موکت تنزل داده است و بسیاری از کالاهای ما نیز با قیمت بسیار ارزان به فروش می‌رسند. در واقع نوعی دور ریختن و حراج و صادر کردن ثروت کشور است که بعضی از کشورهای خارجی از موقعیت استفاده کرده‌اند و تعرفه‌ها را بالا بردند و حتی در مورد پسته مسئله دمپینگ را مطرح کردند که این کالا به صورت ارزان می‌آید و بازار داخلی ما را هم خراب می‌کند و

با افزایش تعرفه‌ها در واقع یک مقداری درآمد خودشان را افزایش دادند.

نکته‌ای را هم در مورد ارتباط بین افزایش نرخ ارز و کاهش واردات اشاره کنم و این استدلال که وقتی نرخ ارز افزایش پیدا بکند واردات کمتر می‌شود. اگر چه این استدلال به لحاظ نظری و به صورت مشروط صحیح است اما همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد میزان واردات در کشور ما قبل از هرچیز به درآمدهای حاصل از صادرات نفت وابستگی دارد.

موضوع دیگری که باز بر اساس همین تفکر آزادسازی شکل گرفت، مناطق آزاد است. این مناطق برای تولید و صادرات ایجاد شدند و در نهایت دیدیم که نه تنها کمکی به صادرات نکردند بلکه به صورت مراکزی برای واردات درآمدند.

و اما سومین مورد یعنی تفکر حاکم بر سیاست‌های مالی را هم خیلی مختصر توضیح می‌دهم. در زمینه سالم‌سازی بودجه و حذف سوبسیدها چند توجیه وجود دارد. یکی اینکه این سوبسیدها، بار سنگینی بر دوش دولت است. در سال ۷۷ مبلغی معادل ۶۲۹۲ میلیارد ریال سوبسید در بودجه پیش‌بینی شده بود که عمل هم شد. این رقم در سال ۷۸ معادل ۸۲۴۷ میلیارد ریال است. در تماشای که دیشب با خزانه داشتیم از این مبلغ ۷۳۳۳ میلیارد ریال پرداخت شده است. «یک آمار به شب هم خدمت برادران عرض کنیم!»

استدلال دوم این است که از این سوبسیدها هم طبقه فقیر استفاده می‌کنند هم طبقه غنی، و بنابراین غیرعادلانه است. این نکته را هم بگویم که این الگویی که شامل حذف سوبسید، آزادسازی قیمت‌ها، مناطق آزاد و موارد دیگر اتخاذ شده بر اساس همان توصیه‌هایی است که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای کشور داشتند. منتها این توصیه‌ها بیشتر متناسب با همان کشورها است. مثلاً سنگاپور یا هنگ کنگ می‌توانند یک منطقه آزاد داشته باشند. کالای خودشان را از آن طریق صادر کنند ولی کشور ما با ساختار اقتصادی و شرایط کاملاً متفاوت نمی‌تواند آن الگو را پیاده کند. اگر ما آن الگو را بگیریم نتیجه‌اش همان است که در مناطق آزاد نسبت صادراتمان به وارداتمان ۳ درصد می‌شود.

در مورد سوبسید هم همین‌طور است. آقایان استدلالشان این است

که ما باید یک بودجه سالم داشته باشیم. تا وقتی که درآمدها کمتر از هزینه‌هاست مشکلات متعددی به وجود می‌آید. افزایش حجم نقدینگی و افزایش قیمت‌ها از همین‌جاست. وقتی ما استدلال می‌کنیم که در کشورهایی که به صورت محدود سوبسید می‌دهند یک معیشت معمولی برای افراد تضمین شده است. به هر حال سوبسید نه، ولی افراد می‌توانند با درآمد ناشی از ارائه نیروی کار خودشان یک زندگی متعارفی داشته باشند، پاسخ می‌دهند که ما در کشور داریم به کارگرا و کارمندا هم سوبسید می‌دهیم. ابتدا ممکن است مقداری عجیب به نظر بیاید. این‌طور توضیح می‌دهند که الان مثلاً یک نفر در اداره‌ای کار می‌کند و ماهی ۷۰ هزار تومان می‌گیرد. چقدر ما افراد بیکار داریم که حاضرند بیایند همان کار را انجام بدهند با ۵۰ هزار تومان؟ چون بیکاری هست. مگر در شرایط بیکاری هم بازار، نرخ دستمزد و حقوق را تعیین نمی‌کند؟ الان بازار نیروی کار انسانی ایجاب می‌کند که افراد بیکار بیایند و نیروی کار خود را با ماهی ۵۰ هزار تومان عرضه کنند. منتها ما به لحاظ مسائل انسانی و اخلاقی نمی‌آییم به فرد شاغل که الان ماهی ۷۰ هزار تومان می‌گیرد بگوییم ما به تو ۷۰ هزار تومان نمی‌دهیم و ۵۰ هزار تومان می‌دهیم و اگر نمی‌خواهی متقاضی این شغل با ۵۰ هزار تومان هست. بنابراین ما داریم ماهی ۲۰ هزار تومان به این فرد سوبسید می‌دهیم. این هم یک استدلال! بحثی که ما در این زمینه داریم این است که نیروی کار انسانی با کالاها از جمله پیاز و سیب‌زمینی متفاوت است. چون دستمزد نیروی کار انسانی از یک طرف به عنوان هزینه تولید مطرح است ولی از طرف دیگر به عنوان درآمد کارگر و کارمند منشایی برای تقاضا است. صاحب دستمزد با این درآمد خودش تقاضای موثر را ایجاد می‌کند، وارد بازار می‌شود و خرید می‌کند. بنابراین اگر درآمد اکثریت طبقات جامعه در حدی باشد که نتوانند خرید کنند همین مشکل پیش می‌آید که الان وجود دارد. یعنی مطلبی را که قبلاً خدمتتان عرض کردم که وزیر صنایع دو نکته را اشاره کرده بود و گفتم نکته دوم بعداً به آن می‌رسم. جای آن اینجاست. ایشان در نامه خودش اشاره کرده بود که مشکل دوم صنایع ما این است که تقاضای کافی برای محصولات که تولید می‌کنیم وجود ندارد چون افزایش حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان نسبت به افزایش

قیمت‌ها متناسب نبوده و با سرعت کمتری افزایش یافته است و در نهایت قدرت خریدشان کاهش پیدا کرده و بنابراین نمی‌توانند کالاهایی را که ما تولید می‌کنیم، بخرند. بنابراین این نکته را هم باید توجه داشت که حذف سوبسیدها با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و درآمد افراد و قدرت خرید آنها می‌تواند مطرح شود. از طرف دیگر در مورد قیمت بنزین یا حامل‌های انرژی در ایران و مقایسه آن با کشورهای دیگر هیچوقت این نکته مطرح نمی‌شود که در کشورهای دیگر مصرف بنزین اتومبیل به طور متوسط به حدود یک سوم مصرف آن در کشور ما کاهش یافته است. این صحیح نیست که اقدامات مثبت کشورهای دیگر را در جهت صرفه و صلاح و رفاه عمومی در نظر بگیریم و فقط قیمت بنزین را با کشورهای دیگر (آن هم با نرخ‌های غیر واقعی ارز) مقایسه کنیم.

یک فکر خطرناک و مخرب در سیاست‌های مالی پوشاندن کسر بودجه به وسیله افزایش نرخ ارز است. همان موقعی که صحبت از افزایش نرخ ارز بود برخی از دوستان که مسئولیت داشتند با من مشورت کردند که اگر ما این کار را بکنیم اولاً کسر بودجه برطرف می‌شود ثانیاً یک درآمد معتنابهی برای دولت ایجاد می‌شود و دولت می‌تواند حتی حقوق‌ها را افزایش بدهد. مسائل رفاهی کارمندان را در نظر بگیرد و هزینه‌های عمرانی را افزایش دهد. و در همان وقت من گفتم این مبتنی بر این فرض است که شما نرخ دلار را که بالا می‌برید هزینه‌ها افزایش پیدا نکند. توجه داشته باشیم که ۷۰ درصد از درآمدهای ارزی توسط دولت مصرف می‌شود و سهم بخش خصوصی تنها ۳۰ درصد است. شما فکر نکنید که دلار را از ۷ تومان به ۱۴۰ تومان افزایش می‌دهید و درآمد دلار ۱۴۰ تومانی می‌گیرید ولی بعد هنگام هزینه کردن برای دلار و کالاهای ارزبر و سایر کالاهای بعد از بروز آثار تورمی ناشی از نرخ ارز همان ۷ تومان را می‌پردازید و این یکی از نکات مهمی است که مطرح شد. بعضی از دوستانی که در همین جمع هستند شاید یادشان باشد که من همان سال‌ها این مسئله را برای آنها تعریف کردم که با این افزایش نرخ ارز حتی اگر حقوق‌ها هم مانند قیمت دلار ۲۰ برابر شود باز هم به خاطر آثار تورمی افزایش حقوق، قدرت خرید مردم پایین می‌آید و فشار بیشتری به آنها وارد می‌شود. پاسخ آن روز این بود که یقیناً همین‌طور است و اگر ما

نتوانیم این قدرت خرید را حفظ کنیم طرح ما به شکست می‌انجامد که در واقع بعداً هم به این اعتراف شد.

ما در سال ۵۸ درآمد هایمان ۱۹۰۲ میلیارد ریال بوده و در سال ۶۸ یعنی ده سال بعد به ۳۲۹۵ میلیارد ریال رسیده که این نسبتش کمتر از دو برابر، چیزی حدود ۱/۷ برابر است. در سال ۷۸ ما عملکرد ۱۱ ماهه را داریم و ۹۵۵۰۰ میلیارد ریال رقم پیش‌بینی عملکرد است. یعنی با توجه به روند کار و تجربه‌ای که در خزانه هست این رقم در پایان سال تحقق می‌یابد. اگر بخواهیم با ۱۰ سال قبل از آن یعنی سال ۶۸ مقایسه بکنیم چیزی حدود ۲۸/۹ برابر افزایش پیدا کرده است. به عبارت دیگر نسبت افزایش درآمدها عمدتاً از درآمدهای ارزی ۲۸/۹ برابر است. اینها کل درآمدهای دولت شامل درآمدهای نفتی، مالیات و سایر درآمدها است. حالا بینیم هزینه‌ها چگونه تغییر کرده است؟ در سال ۵۸، ۲۲۵۴ میلیارد ریال و در سال ۶۸، ۴۴۳۳ میلیارد ریال که این ۱/۹ برابر است. یعنی باز کمتر از دو برابر ولی در سال ۷۸، ۹۵۵۰۰ میلیارد ریال، یعنی نسبت به سال ۶۸ چیزی حدود ۵/۲۱ برابر است. من اینجا توضیح خواهم داد که از این مقطع (سال ۶۸) به بعد در سیستم مالی کشور یک اتفاقی افتاد که محاسبات را دگرگون کرد. استفاده از سیستم بانکی برای سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌هایی که دولت دارد، به شکل بی‌سابقه‌ای وارد شد. به این صورت که در سال ۶۸ شما ۶۰ میلیارد ریال استفاده از منابع بانکی برای سرمایه‌گذاری دارید که برگشت اینها ۷۶ میلیارد ریال است، یعنی دولت نه تنها از سیستم بانکی استفاده‌های نکرده بلکه از آن مقداری که گرفته ۱۶ میلیارد ریال بیشتر برگردانده است. در سال ۱۳۷۸، ۲۵۴۰۰ میلیارد ریال استفاده از سیستم بانکی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی که در واقع بازپرداخت آن ۱۷۱۱۰ میلیارد ریال است، به عبارت دیگر ۸۲۹۰ میلیارد ریال از سیستم بانکی برای شرکت‌های دولتی استفاده شده، که سابقاً وجود نداشته است. همین‌طور جمع بدهی شرکت‌های دولتی و شبکه بانکی به بانک مرکزی در سال ۷۷ برابر ۲۶۱۶۷ میلیارد ریال است که حدود سی برابر رقم سال ۶۸ است و تازه این مربوط به سال ۷۷ است. سال ۷۸ را هم براساس عملکرد ۱۱ ماهه حساب کردیم، چیزی حدود ۳۲۰۰۰ میلیارد ریال می‌شود یعنی ۳۷/۲ برابر سال ۶۸.

اینها در واقع افزایش هزینه‌هاست. استفاده از سیستم بانکی! به خاطر همین سیاست افزایش نرخ ارز که فکرمی شد می‌تواند به عنوان کمک باشد برای کسربودجه و مقابله با تورم.

در پایان دوسه نکته را به عنوان نتیجه‌گیری توضیح می‌دهم.

برنامه اول و دوم ۵ ساله توسعه، براساس این استدلال‌هایی که عرض کردم، یعنی این تفکر حاکم شکل گرفت و تدوین شد. اما در سال ۱۳۷۴ به دلیل تجربیات، افزایش شدید قیمت‌ها، عدم تعادل‌هایی که توضیح دادم، یک نوع توقف به وجود آمد و در سیاست‌های اقتصادی تجدید نظر شد. در دولت جدید از ابتدا دو سؤال مطرح بود. یکی اینکه چه سیاستی می‌خواهد دنبال بشود، آیا همان سیاست‌هایی که حاکم بر برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی است، یا یک راه و سیاست جدیدی که این تبعات را نداشته باشد؟ اشکال در این بود که ریل‌هایی که معمولاً در زمینه سیاست‌های اقتصادی نصب می‌شوند خیلی مشکل می‌توان آن را تغییر جهت داد. یعنی وقتی که شما آمدید مثلاً سیستم بانکی را وارد مسائل کردید، پروژه‌هایی را با سیستم بانکی شروع کردید. دولت جدید نمی‌تواند بیاید و آنها را متوقف کند. در شرکت‌ها هم همین‌طور.

سؤال دوم این بود که آیا مجریان همین سیاست‌ها در برنامه اول و دوم می‌توانند یک دفعه بیایند و چیزی عکس آنچه که خودشان طراحی کرده و تدوین کرده‌اند و اعتقاد دارند، پیاده کنند. این هم به عنوان یک مسأله اساسی مطرح بود. بنابراین می‌توان گفت که مشکل عمده اقتصاد ما به دلیل این طرز تفکر حاکم بر برنامه اول و دوم هست، که در تدوین برنامه سوم هم همچنان کوشش شده که همان سیاست‌ها پیاده شود.

مثل همین افزایش نرخ ارز و یا نرخ سود بانکی که خدمتتان توضیح دادم. البته با فعالیت‌هایی که به عمل آمد کاملاً به نتیجه نرسید. یا مثلاً تعیین قیمت حامل‌های انرژی براساس قیمت جهانی که به مجلس داده شد و مجلس آن را رد کرد. حالا بد نیست این مطلب را نیز بدانید که من تقریباً چند هفته پیش خدمت رئیس‌جمهور عرض کردم این خیلی بد است که یک برنامه‌ای، برنامه سوم، با امضای رئیس‌جمهور به مجلس برود، و مجلس آن را به هم بریزد. و بعد وزیر اقتصاد و دارایی خوشحالی کند و من واقعاً از این موضوع خوشحال

شدم. بعد ایشان فرمودند من هم از این برنامه سوم آنطور که باید راضی نبودم. به هر حال سازمانی هست، تشکیلاتی هست و مسئول برنامه‌ای و این برنامه به این شکل تدوین شده است. بنابراین مشکل اصلی اقتصاد ما به نظر من در بعد این سیاست‌های حاکم، کشاکشی است که در بین این سیاست‌های متضاد وجود دارد و این تفکر حاکم بیشتر مبتنی است بر شرایطی که در بعضی از کشورهای پیشرفته صنعتی آن هم بیشتر مربوط به قرن نوزدهم می‌تواند حاکم باشد که اقتصاد نظام سرمایه‌داری، لیبرال و نه مقرراتی حاکم بوده است. که بعداً به لحاظ نتایج نامطلوب اقتصادی و اجتماعی خودشان در آن تجدید نظر کردند.

در حالی که این سیاست‌ها براساس توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. سال گذشته که بعضی از مسئولان اقتصادی کشورمان به اجلاس بانک جهانی آمده بودند با رئیس بانک جهانی ملاقاتی داشتم و به ایشان گفتم، آیا شما فکر نمی‌کنید این توصیه‌هایی که برای کشورهای دیگر می‌کنید با شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی این کشورها نامناسب باشد. اینها در همه‌جا پاسخ نمی‌دهد. البته ایشان جواب داد که مطمئناً حرف شما درست است، ما باید از شما بیاموزیم که چه سیاست‌هایی باید در این کشورها پیاده شود. البته من اینقدر ساده نیستم که فکر کنم که ایشان مثلاً پذیرفته که باید سیاست‌های خودشان را اعمال نکنند، ولی مقصودم این است که مسأله آنقدر روشن است که ایشان هم نمی‌توانند نفی بکنند. به هر حال هر کشوری ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خودش را دارد. نمی‌شود به صورت نسخه‌ای واحد توصیه کرد که شما ابزارهای اقتصادی را به کار بگیرید و توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول را دنبال کنید.

البته می‌دانم که همکاران عزیز و سروران این انتظار را از من نخواهند داشت که برای همه مشکلات مطرح شده راه حل هم در اینجا ارائه شود. چون این واقعاً یک بحث مبسوط و مستقلى را می‌طلبد. فقط در ارتباط با بحث امروزان می‌توان گفت که یکی از راه‌حل‌ها تکرار نکردن تجربیاتی است که ما در این ۱۰ سال به دست آورده‌ایم. لااقل تکرار نکردن تجربیاتی که در زمینه بانکداری، در زمینه سیاست‌های ارزی و در زمینه سیاست‌های پولی به دست آورده‌ایم.

گفتگو با دکتر رضا نیلی پور درباره دهمین کنگره جهانی توان بخشی عصب شناختی



آقای دکتر رضا نیلی پور را به عنوان زبان شناس با پژوهش های حوزه روان شناسی زبان و عصب شناسی زبان می شناسیم. وی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۲ عضو هیأت علمی در دانشگاه شهید چمران اهواز بوده و از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷ به عنوان دانشیار دانشکده علوم توان بخشی مشغول به خدمت بوده است. وی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸ مدیر گروه و استاد تمام وقت گروه زبان شناسی دانشگاه پیام نور بود و در سال ۱۳۷۸ به دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی منتقل شد و تا سال ۱۳۸۷ به عنوان استاد و مدیر گروه گفتاردرمانی در این دانشگاه خدمت کرده است. پژوهش های ایشان عمدتاً در حوزه روان شناسی زبان و عصب شناسی زبان و زبان شناسی بالینی است. ایشان همچنین عضو گروه واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و از آغاز تأسیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو وابسته گروه علوم انسانی با این فرهنگستان همکاری می کند و هم اکنون ریاست شاخه زبان شناسی فرهنگستان علوم را به عهده دارد. با ایشان درباره دهمین کنگره جهانی توان بخشی عصب شناختی که از تاریخ ۱۸ تا ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۶ در بمبی تشکیل شده بود گفتگوی کوتاهی انجام داده ایم.

به عنوان نخستین سوال بفرمائید که چگونه به کنگره جهانی توان بخشی عصب شناختی دعوت شدید؟ بله! با توجه به تحقیقات و تدوین آزمون های زبان شناسی بالینی که برای ارزیابی اختلال های زبانی در حوزه عصب شناسی زبان و توان بخشی گویندگان ایرانی یک زبانه و دو زبانه انجام شده بود و در کنگره ها ارائه و در مجلات بین المللی به چاپ رسیده بود، حدود چهار ماه پیش از طرف برگزارکنندگان دهمین کنگره جهانی توان بخشی عصب شناختی برای سخنرانی دعوت شدم تا درباره روش های ارزیابی و توان بخشی زبان پیریشی و اختلال های ارتباطی در سالمندان به ویژه افرادی که به دلایل مختلف از قبیل سکتة مغزی، پارکینسون، آلزایمر و غیره دچار

آسیب ها و اختلال های ارتباطی هستند، سخنرانی کنم.

این کنگره دقیقاً چه زمانی برگزار شد و کیفیت و کمیت آن به چه نحو بود؟ نخستین باری بود که به این کنگره که در بمبی کشور هندوستان برگزار شد دعوت شدم. در این کنگره ۱۵۰۰ نفر از استادان حوزه های مختلف توان بخشی از جمله پزشکان عصب شناس و فیزیوتراپ ها و متخصصان توان بخشی شناختی از ۵۹ کشور مختلف که در حوزه های مختلف توان بخشی شناختی فعالیت داشتند، شرکت کردند. در نشست تخصصی که من در آن سخنرانی داشتم، دو استاد هندی و دو استاد آمریکایی از بیمارستان بوستون نیز حضور داشتند. علاوه بر این در ۲ پنل دیگر برای هم فکری و برنامه ریزی آینده در زمینه توانمندسازی سالمندانی که دچار اختلال شناختی و ارتباطی هستند فعالیت داشتم. در این کنگره تخصصی بین المللی پنج روزه دانشمندان رشته های مختلف توان بخشی شناختی در ده ها جلسه تخصصی و جلسه عمومی در زمینه اختلال های مختلف عصب شناختی هم فکری و تبادل نظر کردند.

نظراتان درباره این کنگره و پیام های علمی که می توان از آن گرفت چیست؟ کنگره با برنامه ریزی و نظم خاصی با بهره گیری از نظرات و هم فکری استادان رشته های مختلف توان بخشی برگزار شد. از جمله پیام هایی که از این کنگره می توان گرفت تلاش در جهت توانمندسازی گروه های اجتماعی محروم و به طور کلی سالمندانی است که در نتیجه اشکالات شناختی یا در نتیجه بیماری هایی مانند سکتة مغزی و آلزایمر و پارکینسون نیاز به توان بخشی شناختی دارند.

مبتلا به زبان‌پریشی کمک کرد و هم در طرح‌های پژوهشی بین‌المللی از قبیل مطالعه دانشگاه گلاسگو نیز که در زمینه تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و علت‌شناسی افرادی که دچار سکنه مغزی و زبان‌پریشی می‌شوند شرکت داده شده است.

اگر نکته‌ای در پایان باقی مانده بفرمائید. باید بیفزایم که علاوه بر این مجموعه کارهای پژوهشی که در حوزه عصب‌شناسی زبان و زبان‌شناسی بالینی و اختلالات ارتباطی در ایران انجام شده، کتابی هم از مجموعه انتشارات آکسفورد با عنوان: (Oxford Handbook of Persian Linguistics) زیر چاپ است که در یک فصل آن به تفصیل به مطالعات عصب‌شناسی و زبان‌شناسی بالینی در زبان فارسی اختصاص داده شده است و بزودی منتشر خواهد شد. جالب است که از طرف انتشارات دانشگاه آکسفورد اطلاع دادند با وجود امضاء قرارداد قبلی به دلیل تحریم‌ها نه حق‌التألیفی می‌توانند بپردازند و حتی یک نسخه از این کتاب را هم به ما نخواهند داد.

ضرورت دارد به این قبیل تسهیلات رفاهی و خدمات توان‌بخشی در ایران برای سالمندان و در مراکز نگهداری از آنها توجه بیشتری شود. در زمینه مطالعات عصب‌شناسی زبان چه کارهایی در ایران انجام شده است؟ در ۳۰ سال گذشته و از دوران جنگ تحمیلی عراق موضوع زبان‌پریشی و توجه به تدوین آزمون‌های زبانی بومی متناسب با ساختار و فرهنگ زبان فارسی برای ارزیابی کسانی که به دلایل مختلف دچار اختلال زبان‌پریشی می‌شوند، از جمله جوانانی که از جنگ برمی‌گشتند و در اثر ترکش مشکلات ارتباطی پیدا کرده بودند چه در نوشتن و چه در گفتار شفاهی مورد بررسی قرار گرفت تا هرکسی که دچار اختلالات زبانی شناختی می‌شود و مشکل ارتباطی دارد به کمک این ابزارهای معتبر ابتدا ارزیابی و سپس توانمندسازی شود. همچنین به کمک آزمون‌های مختلفی که برای زبان فارسی تدوین شد مقالات پژوهشی مختلفی هم در مجلات معتبر دنیا به چاپ رسید. نتایج این تحقیقات هم به کیفیت توان‌بخشی افراد

سیلیکون، پیشرو در روش‌های جدید برای یک جامعه متحرک

دکتر سید محمد بلورچیان^۱



مناسب باشند. مواردی که وسایل باید پوشش داده شوند، درزگیری شوند، در برابر آب و هوا محفوظ گردند و پر شوند، از سیلیکون‌ها برای رفع مشکل استفاده می‌گردد. امروزه صنعت حمل و نقل کوشش می‌کند ایمنی را بالا برده، آلودگی را کاهش داده و بازده انرژی را افزایش دهد. به‌کارگیری سیلیکون‌ها در سیستم‌های فشرده مانند اجزاء موتور موجب شده تا اتلاف انرژی کاهش و کارایی آن افزایش یابد.

همچنانکه وسایل مدرن حمل و نقل، سریع‌تر، قابل اعتمادتر و مفیدتر می‌شود انتخاب مواد مناسب جهت بکارگیری در ساختمان آنها سخت‌تر می‌گردد. سیلیکون‌ها با ایجاد استحکام، چسبندگی، دوام و مقاومت مورد نیاز در اتومبیل‌های با کارایی بالا، کشتی‌های اقیانوس‌پیما، هواپیماها و سفینه‌های فضایی می‌توانند پاسخگوی این نیازها باشند. قدرت سازگاری سیلیکون‌ها برای حل مشکلات مهندسی موجب می‌شود آنها در موقعیت‌هایی که نیاز به روش‌های ابداعی می‌باشد،



اعضا

همچنین سیلیکون‌ها موجب می‌شوند تا تمامیت ساختمانی اتومبیل حفظ شود و ایمنی تمام اجزاء و مقاومت در برابر خوردگی در اثر تغییرات دما، رطوبت، نمک و سوخت فراهم گردد.

کاهش زمان تولید و بهبود وضعیت تعمیر، نگهداری و ایمنی از مزایای مستقیم کاربرد سیلیکون می‌باشد.

سیلیکون‌ها به آسانی در فرآیندهای تولید بکار برده شده و در بسیاری از سیستم‌های ساخت مورد تقاضا مفید هستند.

سیلیکون‌ها با کاهش زمان خشک کردن و پخت موجب سوار کردن سریع‌تر و مؤثرتر قطعات می‌شوند و با وجود این اتصالات بصورت دقیقی روی هم قرار می‌گیرند.

کاربرد کیسه هوا یکی از مهمترین پیشرفت‌ها در مسئله ایمنی اتومبیل می‌باشد. پوشش سیلیکونی مقاومت بافت کیسه را تضمین می‌کند که از راننده و مسافران در مقابل خطرات محافظت کرده، افزایش حجم در اثر هوا یا خالی شدن را کنترل کرده و در مدت افزایش حجم در برابر خروج گاز و گرما مقاوم باقی بماند.

سیلیکون‌ها برای بسیاری از اجزاء بکار برده شده در هواپیما نوردی و فضای ماوراء جواساسی هستند. از آنجایی که سیلیکون‌ها می‌توانند در برابر شوک‌های محیطی و دماهای بسیار بالا مقاوم باشند در بسیاری از موارد مربوط به سوار کردن لوازم و نگهداری و تعمیر قطعات هواپیما و سفینه‌های فضایی بکار برده می‌شوند.

برای مثال چسب‌ها و درزگیرهای سیلیکونی جهت آب‌بندی و محافظت وسایل زیر بکار برده می‌شوند: درها، پنجره‌ها، بال‌های هواپیما، تانک‌های سوخت، سوئیچ‌های ئیدرولیک، قسمتی در بالای صندلی‌های هواپیما که ساک‌ها در آن قرار می‌گیرند، لبه‌های بال، دنده راهنمای وسایل الکتریکی، مجراهای خلاء، درزبندهای موتور، سیم‌های الکتریکی و جعبه سیاه.

حس‌گرهای جریان هوا مخلوط هوا - سوخت را کنترل کرده و احتراق با خروجی پایین را تضمین می‌کند. اتلاف گرما، از آنجایی که اتومبیل‌ها به سمت کوچک‌تر شدن بیشتر تمایل دارند، بسیار اهمیت دارد. حس‌گرهای جریان هوا با اتکاء بر سیلیکون‌ها هدایت گرمایی بالا، عایق الکتریکی قابل توجه، چسبندگی خوب و خاصیت کششی و ارتجاعی را فراهم می‌کنند.

پوشش‌های با کارایی بالا با مقدار سیلان افزایش داده شده موجب می‌شود تا رنگ ماشین تحت سختترین شرایط محیطی مقاوم بماند.

خواص عدم فرسایش در اثر آب و هوا و مقاومت در برابر اشعه UV و مواد شیمیایی از خوردگی جلوگیری کرده و کارایی پایدار را مطمئن می‌سازد.

پوشش‌ها بطور محکم به کناره‌ها بخصوص تحت شرایط مرطوب می‌چسبند. کیفیت این پوشش‌ها بوسیله باران اسیدی، خورشید، برف، نمک یا مواد شیمیایی مانند بنزین و روغن به مخاطره نمی‌افتد.

تقریباً در تمام اتومبیل‌های جدید، درزگیرهای سیلیکونی شیشه‌های جلو اتومبیل، سقف و پنجره‌ها را در محلشان با آب‌بندی غیرقابل نفوذ نسبت به هوا نگه می‌دارند که نسبت به دماهای شدید و شرایط آب و هوایی سخت مقاوم است و از مسافران حتی هنگام وقوع تصادف محافظت می‌نماید.

سیلیکون‌ها، اتصالات الکتریکی و وسایل الکترونیکی بسیار حساس شامل: مدارها، سیم‌ها، سیستم‌های ارتباطات و اتصالات دو شاخه - و- کلیدهای الکتریکی را در مقابل رطوبت و خوردگی عایق‌بندی و محافظت می‌کنند.

ابره‌های سیلیکونی عایق مناسب و ایمنی خوبی را فراهم می‌نمایند. فرآیند احتراق داخلی در موتورهای موجب تولید حرارت، ارتعاش و سرو صدا می‌شود که می‌تواند استرس اضافی بر روی مسافران ایجاد کرده و همچنین برای لوازم و وسایل اتومبیل هم مناسب نمی‌باشد.

با بکاربردن ابره‌های سیلیکونی در همه قسمت‌های داخلی اتومبیل، عایق‌سازی صوتی خوب، مقاومت حرارتی بالا، بازدارندگی از تولید شعله و کاهش خروج گازهای سمی حاصل از احتراق، فراهم می‌گردد.

مواد فعال سطحی سیلیکونی موجب می‌شوند تا ابر پلی‌اورتان قابلیت نرم‌کنندگی، تحمل کردن وزن، و محافظت در برابر جذب شوک را برای صندلی‌های ماشین، داشبوردها و قسمت‌های داخلی ماشین فراهم کند.

در یک ماشین در حال حرکت، دماهای شدید موتور، موجب می‌شود

تا توجه زیادی به تمام قسمت‌های سیستم احتراق صورت گیرد.

ترکیب حرارت با هوای خیابان و نمک موجود در خیابان محیط خورنده شدیدی بوجود می‌آورد.

درزگیرها و چسب‌های سیلیکونی، اجزاء الکتریکی و قسمت‌هایی مانند کابل احتراق، شلنگ‌های گرم‌کننده و سرد کننده و شمع ماشین (که احتراق بهینه برای آن اهمیت دارد) را تضمین می‌کنند تا بتوانند بدون تأثیرپذیری نسبت به دما، رطوبت و سایر عناصر کار کنند. رادیاتورها باید مطلقاً غیرقابل نفوذ در برابر نشت باشند تا بتواند برای مدت زمان طولانی کار کند. خواص درزگیرکنندگی بی‌همتای سیلیکون‌ها برای اتصالات در تانک آب، لوله‌های رادیاتور، پوشش و دهانه‌های رادیاتور بسیار باارزش هستند.

سیلان‌ها به ماده سرد کننده موتور اضافه می‌شوند تا به سیستم‌های ضد خوردگی در ماده سرد کننده کمک کنند.

لاستیک‌های سیلیکونی که روغن کاری کننده هستند، تقریباً برای هر قسمتی از ماشین، درزگیرهای غیرقابل نفوذ نسبت به هوا، پایدار و محکمی را بوجود می‌آورند.

کانوچوی سیلیکونی در بسیاری از لاستیک‌های چرخ‌ها بکار برده می‌شود تا دوام و کشش بیشتری را فراهم کند.

سیلیکون‌ها قدرت را یکنواخت‌تر انتقال می‌دهند. کلاچ‌های ویسکوز مدرن همراه با سیلیکون انتقال نیرو را نسبت به نیروی گردنده در

ماشین افزایش می‌دهند.

با استفاده از سیلیکون‌ها مدت زمان لازم جهت رفع مشکل و تعمیر ماشین در دماهای بالا افزایش می‌یابد. پس از کارکرد طولانی مدت ماشین مقدار کاهش نیروی گردنده در ماشین حداقل خواهد بود و تقریباً نیروی گردنده و ویسکوزیته ثابت می‌ماند.

مزایای استفاده از سیلیکون برای مصرف‌کنندگان:

- پوشش‌ها و چسب‌های سیلیکونی زمان لازم برای تعمیر ماشین‌ها، کشتی‌ها و هواپیماها را افزایش می‌دهد. همچنین موجب می‌شود قسمت‌های خارجی در مقابل باران، باد، نمک، سائیدگی، تابش اشعه ماورای بنفش و مواد شیمیایی مانند بنزین مقاوم‌تر گردد.

- با استفاده از سیلیکون برای اتصال بیشتر قسمت‌های اتومبیل، اجزاء و سیستم‌ها، سالم، غیر قابل نفوذ نسبت به هوا و مقاوم در برابر شوک‌ها و فشارهای محیطی که موجب کاهش عملکرد می‌شوند، خواهند ماند.

- قسمت‌های داخلی بیشتر اتومبیل‌ها (همچنین کشتی‌ها و هواپیماها) بوسیله چسب‌های دارای سیلیکون افزایش داده شده، به هم متصل می‌شود و قدرت نگهداری این اتصال قابل مقایسه با لحیم کاری، جوشکاری و یا میخ پرچ می‌باشد.

- چراغ‌های راهنمایی وسایل نقلیه و حسگرهای زیرجاده‌ای آنها به کمک درزگیرهای سیلیکونی، خشک نگه داشته می‌شود.

مربوط به فیزیک ذرات بنیادی و شاخه‌های وابسته اختصاص دارد. بازدید از این مجموعه علمی بزرگ فرصت خوبی بود که در بازه هفت‌روزه ۲۸ مارس تا ۳ آوریل ۲۰۱۸ به عنوان میهمان بخش نظری سرن نصیب نگارنده شد. خوشبختانه این مرکز به دلیل مشارکت (هرچند اندک) ایران در پروژه و حضور مستمر پژوهشگران ایرانی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و سابقه خوب این مشارکت، همچنان درهای خود را به روی پژوهشگران ایرانی باز گذاشته است. اما در این مجموعه چه خبر است؟ سرن در سال ۱۹۵۴، با هدف انجام تحقیقات در زمینه فیزیک هسته‌ای و ذرات بنیادی و با

گزارش کوتاهی از سرن

دکتر نعمت‌الله ریاضی^۱



سرن (Conseil European pour la Recherche Nucleair) در حومه شهر ژنو سوئیس و در مرز فرانسه قرار دارد. این مجموعه، بزرگترین آزمایشگاه ساخت بشر تا زمان حاضر است که به مطالعات

۱ - استاد فیزیک دانشگاه شهیدبهبشتی، عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم



مشارکت ۱۲ کشور اروپای غربی و با هزینه‌ای در حدود ۷/۵ میلیارد یورو پایه‌گذاری شد. برای ساخت برخورددهنده بزرگ هادرونی (LHC=Large Hadron Collider) که عمده‌ترین بخش سرن است بیش از ۱۰۰۰۰ دانشمند و مهندس از حدود ۱۰۰ کشور جهان مشارکت داشته‌اند. دلیل صرف این هزینه هنگفت برای ساخت چنین آزمایشگاه بزرگی را می‌توان در این واقعیت دانست که دانش بشری بدون فهم عمیق ریزساختار ماده و ذرات بنیادی تشکیل‌دهنده جهان مادی کامل نیست و این امر تنها به کمک انجام آزمایش‌های پرهزینه و شتاب‌دادن ذرات تا انرژی‌های فوق‌العاده زیاد (یا به عبارتی دیگر تا سرعت‌هایی بسیار نزدیک به سرعت نور) میسر است. هرگاه ذرات تا انرژی‌های بسیار زیاد شتاب داده شوند و سپس در معرض برخورد با یکدیگر قرار گیرند، بخشی از انرژی آنها به خلق ذرات دیگر می‌انجامد. با مطالعه دقیق ذرات تولیدشده در این برخوردها می‌توان به ویژگی‌های فیزیکی آنها از قبیل جرم، بار الکتریکی و اسپین و نیز برهم‌کنش آنها با یکدیگر پی برد. اکثر ذرات تولیدشده در رویدادها ذراتی هستند که از قبل شناخته شده‌اند (مثل الکترون، پایون، میون و ...). هرگاه در بین ذرات شواهدی دال بر وجود یک ذره جدید آشکار شود، هیجان خاصی را برای فیزیکدانان به همراه خواهد داشت و آنان را قادر خواهد کرد که نظریه‌های موجود را راستی‌آزمایی کنند. یکی از این ذرات که در سال ۱۹۶۴ توسط پیترو هیگس پیش‌بینی شده بود و اکنون به افتخار این فیزیکدان ذره هیگس نامیده می‌شود، پس از سال‌ها جستجو در سال ۲۰۱۲ توسط سرن آشکارسازی شد. برای این منظور، باریکه‌هایی از پروتون با انرژی ۶/۵ ترا-الکترون‌ولت به دفعات با یکدیگر برخورد داده شدند و مطالعه دقیق ذرات حاصل از این برخوردها، وجود ذره هیگس را با جرم $125\text{ GeV}/c^2$ به اثبات رساند. این جرم معادل با ۱۳۳ برابر جرم پروتون است. برای کشف هیگس، ۳۰۰ تریلیون رویداد برخورد بین دو پروتون در مجموع انرژی 14 TeV مورد مطالعه قرار گرفت. در مجموع، بزرگترین دستاوردهای سرن از زمان راه‌اندازی تا کنون به شرح زیر است:

۱- ۱۹۷۳: کشف جریان‌های خنثی

۲- ۱۹۸۳: کشف بوزون‌های W و Z (تأیید پیش‌بینی نظریه

الکتروضعیف)

۳- ۱۹۸۹: تعیین تعداد نسل‌های نوترینوهای سبک (سه نسل)

۴- ۱۹۹۵: تولید اتم‌های پادهیدروژن برای نخستین بار

۵- ۱۹۹۹: کشف مستقیم شکست تقارن CP

۶- ۲۰۱۰: جداسازی اتم پادهیدروژن

۷- ۲۰۱۱: نگهداری پادهیدروژن برای بیش از ۱۵ دقیقه

۸- ۲۰۱۲: کشف بوزون هیگس با جرم حدود $125\text{ GeV}/c^2$

چرا برای پی بردن به رازهای ذرات بنیادی باید آنها را تا انرژی‌های بسیار بالا شتاب داد؟ تنها زمانی امکان خلق انواع ذرات بنیادی به ویژه ذرات سنگین (چه شناخته‌شده و چه ناشناخته) وجود دارد که ذرات قابل دسترس را تا سرعت‌های نزدیک به سرعت نور (یا انرژی‌های بسیار بالا) شتاب دهیم و آنها را با یکدیگر برخورد دهیم. این دقیقاً همان کاری است که در برخورددهنده بزرگ هادرونی و سایر شتاب‌دهنده‌ها انجام می‌شود. در LHC پروتون‌های حاصل از یونش هیدروژن در یک مسیر دایره‌ای به طول ۲۷ کیلومتر تا انرژی 6.5 TeV شتاب داده می‌شوند و در یکی از ۴ برخورددهنده مثلاً برخورددهنده اطلس با یکدیگر برخورد داده می‌شوند. پروتون‌ها ضمن حرکت در مسیر دایره‌ای ۲۷ کیلومتری در داخل یک لوله چنبرهای خلاء توسط میدان مغناطیسی قوی روی مسیر دایره‌ای نگه داشته شده و در یک باریکه متراکم می‌شوند. مسیر یادشده در یک تونل به عمق ۱۷۵ متر تعبیه شده است.



نمونه‌ای از تونل واسطه‌ساز مسير ذرات LHC

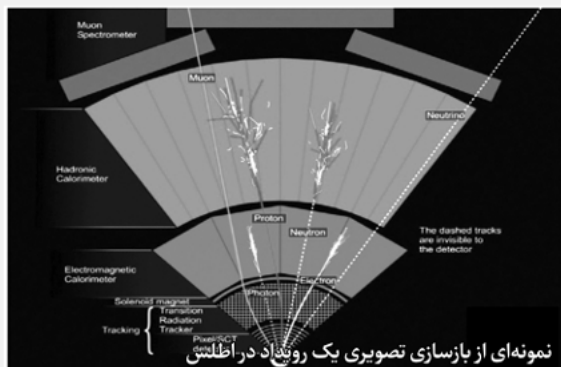
اگرچه کتاب داده‌های گروه ذرات (Particle Data Group) مشخصات کامل تعداد بی‌شماری ذره شناخته‌شده را در بالغ بر ۱۲۰۰ صفحه ارائه می‌دهد، اما همه اینها واقعاً بنیادی نیستند، بلکه خود از ذرات

ریزتر و بنیادی‌تری تشکیل شده‌اند. در مدل استاندارد ذرات که امروز مورد قبول فیزیکدانان است، جمعاً ۳۸ ذره بنیادی وجود دارد: سه جفت لپتون و پاد ذره آنها، سه جفت کوارک و پادکوارک (هرکدام در سه رنگ)، ۱۳ بوزون پیمانه‌ای (با در نظر گرفتن گراویتون) و بوزون هیگس. کوارک‌ها و لپتون‌ها هر کدام می‌توانند به صورت ذره (ماده) یا پادذره (پادماده) وجود داشته باشند. از ترکیب‌های مختلف کوارک‌ها، هادرون‌ها (ذرات سنگین از جمله پروتون و نوترون) به وجود می‌آیند. هنگامی که پروتون‌ها با انرژی بسیار زیاد با یکدیگر برخورد می‌کنند، در واقع این ذرات درون آنها یعنی کوارک‌ها و گلوئون‌ها هستند که با یکدیگر برهم‌کنش می‌کنند و سبب خلق ذرات جدید می‌شوند.

در سرن، علاوه بر مطالعات علمی تخصصی که توسط دانشمندان مقیم و میهمان صورت می‌گیرد، بازدیدهای هفتگی و مستمری نیز برای عموم مردم و خصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان وجود دارد که معمولاً برای آنها جذاب و آموزنده است. یکی از مجموعه‌های ساخته‌شده برای بازدید عموم، سازه‌ای گنبدی‌شکل به نام جهان ذرات (Universe of Particles) است که در داخل آن محیط نیمه تاریکی برای نمایش برنامه‌های گوناگون دیداری و شنیداری مربوط به کیهان و ذرات تعبیه شده است. این مجموعه در کنار ورودی مجموعه سرن واقع شده است. در مقابل این مجموعه، تندیس زیبایی خودنمایی می‌کند که بر روی آن نام دانشمندانی از کشورها و ملیت‌های مختلف حک شده است. نام ابن‌هیثم، ابوالوفاء بوزجانی و خوارزمی نیز به وضوح در بین این اسامی دیده می‌شود. در کنار نام این سه دانشمند، سهم آنان در علم فیزیک نیز نگاشته شده است: ابن‌هیثم: علم اپتیک، ابوالوفاء بوزجانی: ربع جداری برای رصد ستارگان، و خوارزمی: علم جبر.

همکاری ایران با سرن از سال ۲۰۰۰ با تلاش چند تن از استادان دانشگاه صنعتی شریف آغاز شد و از آن زمان تاکنون دستاوردهای خوبی را به همراه داشته است که از بین آنها می‌توان به حضور استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایرانی در این مجموعه و مشارکت در تحلیل داده‌های برخورددهنده بزرگ هادرونی و ساخت میز نگهدارنده آشکارساز و محفظه پوشاننده آن اشاره کرد. شرکت

ایرانی هپکو در سال ۲۰۰۴ جایزه طلایی سیاماس را به خاطر ساخت یکی از قطعات مورد نیاز این آشکارساز به خود اختصاص داد. در هر رویداد برخورد، صدها هزار ذره تولید می‌شود. این ذرات توسط آشکارسازها ثبت شده و اطلاعات مربوط روی حافظه‌ها ذخیره می‌شود. البته برخی از رویدادها که غیرمفید تشخیص داده شوند به عنوان پس‌زمینه کنار گذاشته می‌شوند. در هر ثانیه تقریباً ۴۰۰ رویداد ثبت می‌شود و حجم اطلاعات ثبت‌شده در یک سال بالغ بر چند پتابایت می‌شود (هر پتابایت معادل هزار ترابایت یا ۱۰ پتابایت است). حجم داده‌های به دست آمده آنچنان زیاد است که برای تحلیل آنها چاره‌ای جز توسل به رایانه و انجام مطالعات آماری نیست.



حتی برای افرادی که دسترسی مستقیم به آزمایشگاه سرن ندارند، بیش از یک پتابایت از داده‌ها از طریق پایگاه opendata.cern.ch قابل دسترسی است. در این سایت اینترنتی حتی آموزش‌های لازم برای دسترسی به اطلاعات و روش‌های تحلیل داده‌ها نیز آمده است که به ویژه برای دانشجویان و پژوهشگرانی که مایل به ورود به دنیای سرن هستند بسیار مفید است. هر یک از رویدادهای موجود در این پایگاه اطلاعاتی را می‌توان به صورت تصویری (سه بعدی) با استفاده از امکان visualize مشاهده کرد.

در شرایط فعلی که امکانات آزمایشگاهی داخل کشور بسیار محدود می‌باشد، شکی نیست که حضور دانشجویان و پژوهشگران ذرات بنیادی ایرانی در این پروژه عظیم و بهره‌برداری علمی از امکانات تجربی بسیار گران‌قیمت سرن فرصتی بزرگ است.



انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا^۱ و اساسنامه اصلاح شده

ترجمه: شکوفه سینا، مرجان شجاعی

هندوستان، اندونزی، ایران، ژاپن، قزاقستان، کره، قرقیزستان، مالزی، مغولستان، نپال، نیوزیلند، پاکستان، فیلیپین، روسیه، سنگاپور، سریلانکا، تاجیکستان، تایلند، ترکیه، ازبکستان، ویتنام، اردن و

هدف اصلی انجمن، ایجاد مجمعی در آسیا و اقیانوسیه است که در آن علم و فناوری نقش مهمی در توسعه منطقه ایفا می‌کنند. در این انجمن دانشمندان و متخصصان به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مربوط به علم و تکنولوژی، تحقیق و توسعه و کاربرد تکنولوژی به منظور توسعه ملی می‌پردازند. انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا، پروژه‌هایی را به منظور گسترش همکاری در زمینه علم و

انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا، یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ م.) با ادغام انجمن آکادمی‌های علوم آسیا و فدراسیون آکادمی‌ها و مجامع علمی آسیا تأسیس شد. انجمن آکادمی‌های علوم آسیا در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ م.) و فدراسیون آکادمی‌ها و مجامع علمی آسیا در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴ م.) تأسیس شده بودند.

اعضای انجمن تازه تأسیس را آکادمی‌های علوم و فناوری و مجامع علمی کشورهای آسیا و اقیانوسیه تشکیل می‌دهند. انجمن در حال حاضر دارای ۳۴ عضو است. این کشورها عبارتند از: افغانستان، ارمنستان، استرالیا، آذربایجان، بنگلادش، چین، گرجستان،



تکنولوژی اجرا می‌کند و نیز میان کشورهای عضو، تبادل دانشمندان و اطلاعات را تسهیل می‌نماید.

اجلاس‌های عمومی و همایش‌های علمی سالانه انجمن از بدو تأسیس تاکنون در شهرها و کشورهای ذیل برگزار شده است:

۱- سئول: ۱۳۷۹

۲- نووسیپرسک: ۱۳۸۰

۳- بیت المقدس: ۱۳۸۱

۴- تهران: ۱۳۸۲

۵- دالیان: ۱۳۸۳

۶- سئول: ۱۳۸۴

۷- هانوی: ۱۳۸۵

۸- آنکارا: ۱۳۸۷

۹- سئول: ۱۳۸۹

۱۰- کلمبو: ۱۳۹۱، اولین اجلاس عمومی انجمن جدید

۱۱- دهلی نو: ۱۳۹۳، دومین اجلاس عمومی انجمن جدید

۱۲- آنکارا: ۱۳۹۵، سومین اجلاس عمومی انجمن جدید

نخستین اساسنامه انجمن جدید در سال ۱۳۹۱ تهیه و در سال ۱۳۹۷ اصلاح و بصورت ذیل تدوین شد:

اساسنامه

انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا

ماده (۱) نام و موقعیت

انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی است که به مسائل مربوط به علم، فناوری و نوآوری علاقه‌مند است. این انجمن از آکادمی‌های علوم و فناوری و مجامع علمی کشورهای آسیا و اقیانوسیه تشکیل یافته است.

ماده (۲) اهداف

هدف اصلی انجمن آنست که به عنوان یک سازمان در آسیا و اقیانوسیه، نقش مهمی در توسعه منطقه از طریق علم و فناوری ایفا کند.

انجمن، به عنوان محلی برای بحث و تبادل نظر و ارائه توصیه در مورد مسائل مربوط به علم و فناوری، پژوهش و توسعه و کاربرد فناوری به منظور توسعه اجتماعی-اقتصادی، ایفای نقش می‌کند.

ماده (۳) فعالیت‌ها

انجمن برای تحقق اهداف فوق به امور ذیل خواهد پرداخت:

- ۱- تسهیل تبادل دانشمندان و ارتقای همکاری میان کشورهای آسیا و اقیانوسیه و سازمان‌های علمی بین‌المللی
- ۲- کمک به توسعه پایدار منطقه و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد

۳- تقویت آموزش علوم از طریق ارتباط علمی خوب با جامعه

۴- ارائه توصیه علمی به دولت‌ها، مؤسسات تجاری و عامه مردم

۵- برگزاری کارگاه‌ها و انجام فعالیت‌های دیگر به منظور ظرفیت‌سازی علمی و اجتماعی-اقتصادی در منطقه

۶- کمک به انجام مطالعات و پژوهش در زمینه علم، فناوری و نوآوری مربوط به برنامه توسعه ملی کشورهای عضو

۷- ارتقاء آموزش علوم در تمام سطوح

۸- انجام سایر امور جهت نیل به اهداف کلی

ماده (۴) عضویت

۱-۴- اعضای پیوسته:

آکادمی‌ها و مجامع علوم و فناوری چند رشته‌ای ملی یا منطقه‌ای کشورهای آسیا و اقیانوسیه، در این انجمن عضویت دارند. اصولاً از هر کشور یک آکادمی/مجمع علمی، عضو خواهد شد. اما در صورت احراز شایستگی، از هر کشور حداکثر سه آکادمی یا مجمع علمی نیز می‌توانند عضو شوند. در انتخابات و موارد دیگر که نیاز به رأی‌گیری باشد، هر کشور فقط یک حق رأی دارد.

۲-۴- اعضای وابسته:

سایر سازمان‌های منطقه می‌توانند به عنوان عضو وابسته انجمن پذیرفته شوند. اعضای وابسته می‌توانند تمام اطلاعاتی را که برای اعضای پیوسته انجمن ارسال می‌شوند، دریافت نموده و بدون حق رأی در جلسات مجمع عمومی شرکت کنند.

۳-۴- اعضای جدید و اعضای موقتی

درخواست عضویت باید برای رئیس انجمن ارسال شود. این درخواست به همراه کپی برابر اصل اساسنامه سازمان درخواست کننده و آیین‌نامه‌های داخلی و سایر مدارکی که ممکن است هیأت اجرایی به آنها نیاز داشته باشد، ارائه خواهد شد. متقاضیان عضویت در هنگام پذیرفته شدن رسماً می‌پذیرند که از اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی انجمن اطاعت کنند و حق عضویت سالانه را طبق آیین‌نامه‌های داخلی انجمن پرداخت کنند.

طرح درخواست عضویت، در جلسه مجمع عمومی با رأی دو سوم اعضای هیأت اجرایی به تصویب می‌رسد. بعد از تصویب هیأت اجرایی، متقاضیان عضویت در صورت تمایل به عضویت، تا مجمع بعدی عضو موقت باقی می‌مانند. اعضای موقت، مجاز به دریافت اطلاعات و شرکت در جلسات انجمن می‌باشند.

ماده ۵) مجمع عمومی

۱-۵- انجمن توسط مجمع عمومی اداره خواهد شد. این مجمع متشکل از یک نماینده از هر آکادمی یا مجمع علمی عضو انجمن می‌باشد اما هر کشور فقط یک حق رأی خواهد داشت.

۲-۵- جلسات مجمع عمومی با حضور اکثریت شرکت‌کنندگان و با احتساب نمایندگان نیابتی دارای حق رأی، رسمیت می‌یابد.

۳-۵- جلسات عادی مجمع عمومی هر سه سال یکبار برای رسیدگی به موارد ذیل تشکیل می‌شود:

۱- تصویب صورتجلسه جلسه قبلی مجمع عمومی
۲- انتخاب رئیس، قائم مقام، معاون، خزانه‌دار و شش عضو اصلی به عنوان اعضای هیأت اجرایی

۳- بررسی درخواست‌های عضویت براساس توصیه هیأت اجرایی
۴- تصمیم‌گیری در خصوص انصراف و انقضای عضویت بنا به توصیه هیأت اجرایی

۵- دریافت و تصویب بودجه و برنامه‌های ارائه شده توسط هیأت اجرایی

۶- دریافت و تصویب گزارش‌های هیأت اجرایی

۷- دریافت و تأیید گزارش حسابرس و صورت‌های مالی خزانه‌دار که

به تأیید هیأت اجرایی رسیده است.

۸- تعیین میزبان و محل دبیرخانه انجمن

۹- تعیین حق عضویت سالانه اعضا

۱۰- بررسی سایر موضوعات مطروحه از سوی اعضا یا هیأت اجرایی

۴-۵- مجمع عمومی برای اداره انجمن اختیار تام دارد. مجمع عمومی در تصمیم‌گیری‌ها، نیاز به اکثریت شرکت‌کنندگان دارد اما در خصوص مسائل مهم ذیل نیاز به اخذ اکثریت دو سوم آراء اعضای حاضر دارد:

۱- نگهداری، نظارت و اداره اموال انجمن جهت نیل به اهداف و وظایف انجمن

۲- عقد قرارداد برای انجام خدمات و مصرف بودجه یا دارائی‌هایی که در اختیار انجمن قرار دارد

۳- اصلاح یا تغییر اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی

۵-۵- هیأت اجرایی می‌تواند در صورت درخواست دو سوم اعضای خود، جلسه ویژه‌ای برای مجمع عمومی ترتیب دهد تا مجمع به بررسی موضوع خاصی بپردازد. بنا به تصمیم هیأت اجرایی، جلسه ویژه مجمع عمومی می‌تواند به صورت الکترونیکی برگزار شود.

۶-۵- اعضای دارای حق رأی انجمن که قادر نباشند در جلسه مجمع عمومی حضور یابند می‌توانند توسط نماینده خود در رأی‌گیری شرکت کنند. نمایندگانی که به جای اعضا در جلسه مجمع عمومی حضور می‌یابند، در شمارش برای تعیین حد نصاب آرا در نظر گرفته خواهند شد.

۷-۵- رئیس انجمن باید حداقل از دو ماه قبل، در مورد زمان و مکان جلسه مجمع عمومی و برنامه آن به اعضای خود اطلاع‌رسانی کند.

ماده ۶) هیأت اجرایی

۱-۶- اداره انجمن بر عهده هیأت اجرایی است که حداقل یک بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد.

جلسه هیأت اجرایی با حضور دو سوم از اعضا رسمیت می‌یابد.

۲-۶- هیأت اجرایی متشکل است از رئیس، قائم مقام، معاون، خزانه‌دار، شش عضو اصلی. هیأت اجرایی بعد از جلسه مجمع عمومی رسماً فعالیت خود را آغاز می‌کند و تا پایان جلسه بعدی

مجمع به کار خود ادامه می دهد.

۳-۶- حداقل یکی از اعضای هیأت اجرایی باید زن باشد.

۴-۶- رئیس یا درغیاب او قائم مقام، ریاست هیأت اجرایی را برعهده دارد. اگر رئیس قبل از پایان دوره خود استعفا دهد یا چنانچه قادر به ادامه فعالیت خود به عنوان رئیس نباشد، قائم مقام تا پایان دوره به عنوان رئیس موقت ایفای نقش می کند.

۵-۶- اعضای هیأت اجرایی مسئولیت های ذیل را برعهده دارند:

۱-۵-۶- رئیس، مسئول اجرای سیاست های انجمن می باشد. رئیس با همکاری اعضای هیأت اجرایی، وظایف زیر را برعهده دارد: انجام فعالیت هایی که با اهداف انجمن سازگاری دارند.

اجرای تصمیمات هیأت اجرایی و تعیین زمان و مکان اجلاس هیأت اجرایی

۲-۵-۶- قائم مقام در مواقع لزوم، به نیابت از رئیس، امور محوله را انجام می دهد.

۳-۵-۶- معاون، کلیه فعالیت های پژوهشی مورد حمایت انجمن را هماهنگ میکند. وی گزارش سالانه ای در مورد این فعالیت ها جهت تصویب هیأت اجرایی آماده می کند.

۴-۵-۶- خزانه دار مسئول مدیریت کلیه منابع مالی انجمن می باشد. وی گزارش سالانه صورتحساب های حسابرسی شده را برای تصویب به هیأت اجرایی ارائه میکند و در یافتن کمک های مالی متفرقه به رئیس یاری می رساند.

۶-۶- اعضای هیأت اجرایی، به غیر از رئیس و قائم مقام، می توانند حداکثر دو دوره در مقام خود باقی بمانند.

۷-۶- هیأت اجرایی در صورت و در هنگام لزوم کارهای ذیل را انجام می دهد:

الف- انجام امور محوله از سوی مجمع عمومی

ب- انتصاب نمایندگان انجمن

ج- اجرای تصمیمات مجمع عمومی

د- تشکیل کمیته هایی که در چارچوب عمومی انجمن، وظیفه خاصی به آنها محول شده است.

ه- تأیید و تصویب صورت حساب های مالی حسابرسی شده

و- تأیید و تصویب گزارش سالانه و سایر گزارش ها

ز- تعیین مدیر دبیرخانه انجمن و نظارت بر دبیرخانه آن

ح- اداره دارائی های انجمن

ط- پذیرش هدایا، کمک های مالی متفرقه، کمک بلاعوض و سایر کمک ها از جانب انجمن

ی- توصیه درخواست های عضویت به مجمع عمومی با تصویب اکثریت دوسوم اعضا

ک- تصمیم گیری در مورد پروژه های انجمن

ل- تدوین آیین نامه های داخلی، قوانین و مقررات انجمن

م- تعیین زمان و مکان جلسات عادی و ویژه مجمع عمومی

۸-۶- با تشخیص رئیس انجمن، جلسه هیأت اجرایی می تواند بصورت الکترونیکی تشکیل شود یا از این طریق در مورد برنامه خاصی تصمیم گیری کند.

ماده ۷) دبیرخانه

۱-۷- دبیرخانه در انجام امور مجمع عمومی و هیأت اجرایی یاری می رساند و معمولاً در دفتر یکی از اعضای هیأت اجرایی دائر می شود. دبیرخانه توسط مدیر دبیرخانه اداره می شود که از سوی هیأت اجرایی و پس از مشورت با رئیس آکادمی میزبان، برای مدت سه سال انتخاب می شود.

۲-۷- مدیر دبیرخانه مسئول کلیه امور اجرایی مربوط به اداره دبیرخانه است. مدیر دبیرخانه وظایف ذیل را برعهده دارد:

- تهیه گزارش سالانه و سایر گزارش ها

- تهیه دستور جلسات انجمن

۳-۷- دبیرخانه به مدت شش سال دائر خواهد بود. این مدت قابل تمدید است. قبل از پایان سال پنجم دوره کاری، هیأت اجرایی عملکرد دبیرخانه را بررسی نموده و از اعضا می خواهد که درخواست خود را جهت میزبانی دبیرخانه ارسال نمایند. هیأت اجرایی، میزبان دبیرخانه دوره شش ساله بعدی را به مجمع عمومی پیشنهاد می کند.

۴-۷- آکادمی میزبان دبیرخانه و انجمن یادداشت تفاهمی با یکدیگر منعقد می کنند که خدمات آکادمی میزبان جهت حمایت از دبیرخانه را مشخص می کند.

۷-۵- کلیه هزینه‌های دبیرخانه نظیر حقوق کارکنان، اجاره محل دبیرخانه، هزینه سفر و ارتباطات برعهده آکادمی میزبان است.

ماده ۸) حق عضویت سالانه

۸-۱- بنا به توصیه هیأت اجرایی، مجمع عمومی حق عضویت سالانه را تعیین می‌کند.

۸-۲- آیین‌نامه‌های داخلی، مبلغ حق عضویت سالانه اعضا را تعیین می‌کنند. در شرایط فوق‌العاده خاص، هیأت اجرایی می‌تواند از دریافت حق عضویت سالانه یک عضو، به شرط درخواست آن عضو، صرف‌نظر کند.

۸-۳- اعضای که حق عضویت سالانه خود را به مدت دو سال پیاپی پرداخت نکرده‌اند، و معاف نیز نشده‌اند، می‌توانند بدون حق رأی در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند و هنگام کسب حدنصاب شمارش نمی‌شوند.

۸-۴- اگر عضوی به مدت چهار سال پیاپی حق عضویت سالانه را نپردازد و معاف نیز نباشد، هیأت اجرایی می‌تواند به مجمع عمومی توصیه نماید که به عضویت او خاتمه دهد.

ماده ۹) آیین‌نامه‌های داخلی

۹-۱- هیأت اجرایی، آیین‌نامه‌های داخلی را برای اطمینان از عملکرد روان انجمن تدوین می‌کند. هیأت اجرایی حق پیشنهاد اصلاحیه‌هایی را به آیین‌نامه‌های داخلی دارد. آیین‌نامه‌های داخلی برای تصویب باید به مجمع عمومی ارائه شوند.

ماده ۱۰) منابع مالی

۱۰-۱- منابع مالی انجمن از طریق حق عضویت، یارانه دولتی، هزینه عقد قرارداد، یارانه سازمان همکاری بین آکادمی‌ها و کمک‌های مالی متفرقه، تأمین می‌شود.

۱۰-۲- کشورهای عضو انجمن باید هزینه‌های مربوط به شرکت خود در جلسات مجمع عمومی و هیأت اجرایی را تقبل نمایند مگر آنکه صراحتاً به صورت دیگری مشخص شده باشد.

۱۰-۳- کمک‌های مالی متفرقه از جانب اعضا و ارگان‌های مشابه،

دولت‌ها، مردم یا سازمان‌های خصوصی، شرکت‌ها و افراد عادی به نحوی مناسب گردآوری می‌شود.
۴-۱۰- سال مالی انجمن، مطابق سال تقویمی است.

ماده ۱۱) شرایط خدمات

۱۱-۱- نمایندگان مجمع عمومی، اعضای هیأت اجرایی و کمیته‌ها برای انجام وظایفشان حقوقی دریافت نمی‌کنند. پرداخت‌های انجمن شامل این موارد می‌شود: هزینه‌های رسمی، هزینه قراردادهای استخدام کارمندان و هزینه‌های دیگری که به تصویب هیأت اجرایی رسیده است.

ماده ۱۲) عضو افتخاری و همکار افتخاری

۱۲-۱- افراد یا سازمان‌هایی که مشارکت زیادی با انجمن داشته‌اند می‌توانند عنوان همکاری افتخاری یا عضویت افتخاری دریافت کنند. همکاری افتخاری یا عضویت افتخاری با توصیه هیأت اجرایی و با رأی اکثریت مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۳) بررسی و اصلاح اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی

۱۳-۱- هیأت اجرایی می‌تواند در هر زمان کمیته‌ای را برای بررسی اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی تشکیل دهد. چنین کمیته‌ای باید حداقل هرده سال یکبار تشکیل شود.
۱۳-۲- اصلاحیه‌ها یا تغییرات اساسنامه یا آیین‌نامه‌های داخلی می‌تواند در یک جلسه عادی یا ویژه مجمع عمومی با اکثریت دو سوم آراء، تصویب شوند.

ماده ۱۴) انحلال یا ادغام

۱۴-۱- تصمیم‌گیری جهت انحلال یا ادغام انجمن با هر ارگان دیگری، وظیفه جلسه ویژه مجمع عمومی خواهد بود که درخواست تشکیل آن حداقل از دو ماه قبل اعلام شده باشد. حدنصاب برای تشکیل این جلسه ویژه، سه چهارم اعضا یا نمایندگان آنها می‌باشد.
۱۴-۲- چنین تصمیمی را می‌توان صرفاً با اکثریت دو سوم آراء گرفت.

انتشار کتاب دکتر علی کاوه توسط انتشارات بین‌المللی اشپرینگر

کتاب «الگوریتم‌های فراکاوشی برای طراحی سازه‌های با مقیاس واقعی» تألیف آقایان دکتر علی کاوه عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشکده مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت ایران و دکتر مجید ایلچی قزآن دانش‌آموخته مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت ایران، آوریل ۲۰۱۸ توسط انتشارات بین‌المللی اشپرینگر منتشر شد. این کتاب، دهمین کتاب دکتر علی کاوه است که توسط انتشارات به بازار جهانی راه یافته و در اختیار دانشمندان، استادان و دانشجویان این رشته قرار گرفته است. کتاب تخصصی الگوریتم‌های فراکاوشی برای طراحی سازه‌های با مقیاس واقعی:

Meta-heuristic algorithms for Optimal Design of Real-size structures, Springer 2018

حاصل تجربیات دو دهه استاد دکتر علی کاوه است و موضوع بهینه‌یابی و طراحی بهینه‌سازه‌های

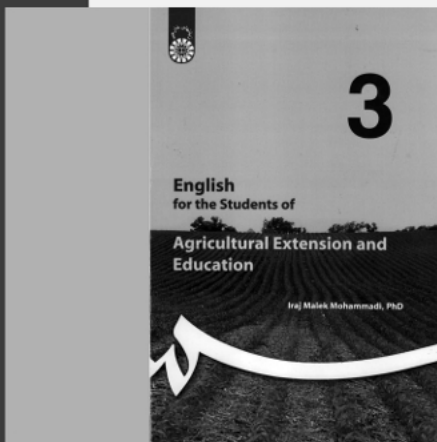
بزرگ مقیاس را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب در ۷ فصل تنظیم شده است. در این کتاب مباحثی نظیر طراحی خراباها، قاب‌ها، شبکه‌ها، چلیک‌ها، گنبدها و آنتن‌ها به تفصیل توضیح داده شده است. کتاب مذکور به طور خاص برخی از جدیدترین الگوریتم‌های فراکاوشی - که پتانسیل بالایی در حل مسائل پیچیده بهینه‌سازی سازه‌های بزرگ مقیاس را دارا هستند - معرفی کرده و ضمن بیان مبانی نظری مورد استفاده در توسعه این الگوریتم‌ها، به معرفی نحوه پیاده‌سازی کاربرد هر یک از آنها برای حل مسائل بهینه‌سازی پرداخته است. برنامه روش‌های به کار گرفته شده، در پیوست کتاب ارائه شده است. گفتنی است الگوریتم‌های فراکاوشی، برای بهینه‌سازی سیستم‌ها و بالاجاه‌ها کاربرد دارند و خوشبختانه ۱۵ مورد از الگوریتم‌های موجود در این زمینه، توسط دکتر کاوه و دانشجویان وی گسترش یافته و در سطح جهانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برخی از این الگوریتم‌ها در کتاب: "Advances in Metaheuristic Algorithms for Optimal Design of Structures", Springer 2017 ارائه شده‌اند و کاربردهای آنها در کتاب: "Applications of Metaheuristic Optimization Algorithms in Civil Engineering", Springer 2017 توسط دکتر علی کاوه تهیه و توسط اشپرینگر به چاپ رسیده است.

آقای دکتر علی کاوه، عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، عضو دائم فرهنگستان جهان و عضو دائم فرهنگستان علوم و هنر اروپا و استاد ممتاز دانشگاه علم و صنعت ایران، دارنده بیش از ۶۰۰ مقاله در مجلات بین‌المللی و ۱۵۰ مقاله ارائه‌شده در کنفرانس‌هاست. ایشان ۱۰ کتاب بین‌المللی و ۲۳ کتاب به زبان فارسی تألیف و تدوین کرده است.

چاپ آزمون تشخیصی زبان‌پیشی فارسی ۲

بسته آزمون تشخیصی زبان‌پیشی فارسی ۲ توسط آقای دکتر رضا نیلی پور استاد زبان‌شناسی و رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم به نگارش درآمده و توسط مؤسسه زبان‌آزمای بالینی - شناختی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی مرکز رشد چاپ شده است. بسته حاضر نسخه جامع ارزیابی زبان‌پیشی گفتار شفاهی است که از بخش‌های مختلف تشکیل شده است. آزمونگران باید پس از مطالعه دقیق این راهنما آزمون‌های آزمون را اجرا کنند و امتیاز هر پرسش را در ستون مربوط به پاسخ هر پرسش وارد کنند. در این راهنما نکاتی در مورد نحوه اجرای هر بخش، وسایل مورد نیاز، کارت‌های مربوط به هر بخش و نحوه ثبت پاسخ‌ها و معیار امتیاز دادن به هر پرسش شرح داده شده است. این مجموعه آزمون‌ها در حوزه مطالعات زبان‌شناسی بالینی و عصب‌شناسی زبان است. گروه‌های هدف این آزمون‌ها بیماران دارای اختلال‌های ارتباطی و زبانی و شناختی در نتیجه سکته مغزی، ضربه مغزی، آلزایمر و دمانی می‌باشند و برای اهداف توان‌بخشی و پژوهش در حوزه زبان‌شناسی بالینی طراحی شده است.





زبان انگلیسی تخصصی برای دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی

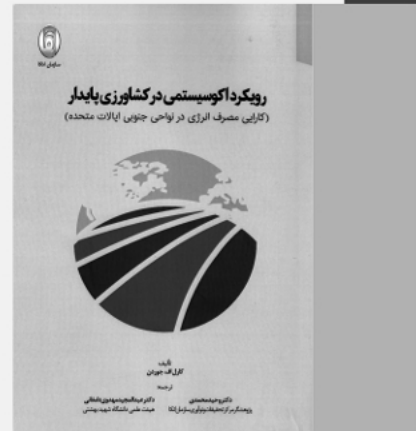
دکتر ایرج ملک محمدی^۱

کتاب زبان انگلیسی تخصصی برای دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی با این هدف تألیف و چهارمین چاپ آن توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) نشر شده است که به دانشجویان یاری دهد تا با نگرش حرفه‌ای به زبان انگلیسی بنگرند و بتوانند با استانداردهای حرفه‌ای و تخصصی مشترک در همه دانشگاه‌ها، به گونه‌های مختلف غیر حضوری (اینترنتی و دیجیتالی) و یا حضوری (دیدارهای علمی میدانی با همتایان در گردهمایی‌های داخلی و خارجی، دیدارهای اجرایی رسمی) با همتایان خود ارتباط برقرار کنند. تسلط به زبان انگلیسی، به ویژه در سویه تخصصی، شخصیتی افزون بر شخصیت علمی به فرد می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا از یکسو با داد و ستد و گفت و شنود در محفل‌های علمی دیدگاه‌ها و نوآوری‌ها را دریابد و از سوی دیگر، با انتقال تجربه‌ها و کارکردهای خود به دیگران بر افتخار خود و کشورمان بیفزاید.

این کتاب با روش مرسوم استاندارد بین‌المللی کتاب‌های زبان تخصصی زیر نظر گروه تخصصی زبان انگلیسی سازمان سمت در نوزده فصل تألیف و تدوین شده است، به گونه‌ای که با ارائه یک متن تخصصی نخست، فن و فرایند علمی مرتبط با ترویج و آموزش کشاورزی را به فراگیر ارائه می‌دهد و سپس با استفاده از مفهوم‌ها و عبارت‌های تخصصی مطرح‌شده و واژگان به کار رفته، فراگیر را برمی‌انگیزد تا به درک معنی و مفهوم مطلب هر فصل دست یابد و سپس با ارائه تمرین‌های گونه‌گون در قالب درک متن، تکمیل جمله با گزینش مناسب‌ترین واژه متن، بیان کلامی به برخی پرسش‌های استخراج‌شده از متن، جمله‌سازی و تکمیل متن، ترجمه و واژه‌شناسی و کاربرد واژه در جمله‌پردازی توان خود را در ارتباط علمی با نگاشته‌ها افزون کند. با استفاده از این کتاب که بر پایه شیوه‌نامه گروه تخصصی زبان انگلیسی سازمان سمت تهیه شده است در آموزش زبان تخصصی در دانشگاه‌ها روش و منش یگانه‌ای دنبال می‌شود و دانشجویان با یک متن و روش مشخص به فراگیری این زبان تخصصی می‌پردازند. با بهره‌گیری از متن و محتوای این کتاب دانشجویان باید بتوانند متن علمی مربوط به این تخصص را به راحتی و روانی روخوانی کنند، معنی و مفهوم آن را بیان کنند، آموخته‌ها را به انگلیسی بیان کنند، متن انگلیسی تخصصی را به فارسی روان ترجمه کنند و به پرسش‌های فراهم‌شده از متن با بیان شیوای انگلیسی پاسخ دهند. به این ترتیب، تشخیص، درک، تحلیل، ترجمه و تبادل که از جمله مهارت‌های ارتباطی زبان تخصصی هستند در دانشجویان ایجاد می‌شود.

دشواری این کار بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت هم مرحله پالایش و ویرایش برای فرازاندن کمی و کیفی آن باید اندک‌اندک و پس از گردآوری پیشنهادها سازنده و بالنده به دست آید. آشکار است این کتاب نمونه‌ای برای آگاهی و توانمندی دانشجویان و علاقمندان به کتابخوانی، گفتگو و نگارش‌های علمی در این تخصص است و با استفاده از آن می‌توان به خوبی از مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و محتوای رسانه‌های علمی استفاده کرد و البته به دیگران نیز استفاده رساند.

۱- عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران



رویکرد اکوسیستمی در کشاورزی پایدار

تألیف: کارلاف. جردن

ترجمه: دکتر وحید محمدی^۱ و دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی^۲

افزایش روزافزون آلودگی‌های زیست محیطی باعث معطوف شدن توجه بسیاری از محققان برای رهایی بخشیدن چشم اندازها و بوم سامانه‌ها به این معضل فراگیر شده است. کشاورزی نیز به نوبه خود سهم بسزایی در آلوده کردن بوم سامانه‌ها دارد و دامنه آلودگی ناشی از این سامانه‌ها، علاوه بر محدوده زراعی به سایر مناطق نیز کشانده شده است و به همین علت دامنه آلودگی‌های زیست محیطی بسیار فراتر از محل وقوع آلودگی‌ها شده است. لازمه ارائه راهکارهای بوم سازگار برای فائق آمدن بر چنین مشکلی، درک کامل مفاهیم و مبانی بوم‌شناسی کشاورزی (آگرواکولوژی) است تا بتوان ضمن شناخت ساختار و کارکرد این بوم سامانه‌ها، در جهت رفع اختلالات موجود گام‌های مؤثر برداشت. زمانی که از مفاهیم بوم‌شناختی سخن به میان می‌آید، ارتباط ناگسستنی تمام اجزای بوم سامانه، اعم از خاک، گیاه و ... باید مد نظر قرار گیرد و سلامت تمام این اجزای جزئی لاینفک از سلامت بوم سامانه منظور شوند. بنابراین، شناخت کلیه روابط متقابل بین عوامل زنده و غیرزنده و تأثیرپذیری بوم سامانه از هریک از این عوامل، یکی از مسائلی است که باید در بطن مفهوم بوم‌شناسی کشاورزی گنجانده شود.

کتاب «رویکرد اکوسیستمی در کشاورزی پایدار» ضمن بررسی رویکردهای جزئی‌نگر و جامع‌نگر در فصل نخست، مزایا و معایب این دو رویکرد را بیان کرده است. در فصل دوم تاریخچه ناپایداری در کشاورزی عنوان شده است. در فصل سوم سعی شده است تا چالش‌های سیاسی و اقتصادی که کشاورزی پایدار با آن مواجه است، ترسیم شود. فصل چهارم خدمات انرژی‌تیکی از طبیعت را که می‌توان از آنها در راستای افزایش پایداری بوم سامانه‌های کشاورزی بهره جست، بیان می‌کند. در فصل پنجم ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده در کشاورزی پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. فصل ششم به ارزیابی اقتصادی-بوم‌شناختی و فرهنگی کشاورزی در مناطق جنوبی ایالات متحده پرداخته است. در فصل هفتم مطالعات موردی از مزارع پایدار حال حاضر مناطق جنوبی ایالات متحده بیان شده است. و در فصل هشتم رویکرد جامع‌نگر در مقابل جزئی‌نگر در علوم محیطی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کتاب حاضر برای متخصصان بخش کشاورزی و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی در دوره دکتری و کارشناسی ارشد و سایر علوم وابسته مفید است.

این کتاب در سال ۱۳۹۶، در ۳۶۹ صفحه، توسط انتشارات مرکز تحقیقات و نوآوری سازمان اتکا منتشر شده است.

۱- پژوهشگر مرکز تحقیقات و نوآوری سازمان اتکا

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و همکار مدعو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم